



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

# ازدواج پیوند آسمانی



جلد ۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# از دواج از دیدگاه قرآن و سنت

نویسنده:

محمد بیستونی

ناشر چاپی:

بیان جوان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۸	ازدواج از دیدگاه قرآن و سنت (جلد ۲)
۸	مشخصات کتاب
۸	فهرست مطالب
۱۲	الإهداء
۱۲	متن تأییدیه حضرت آیت الله خزعلی مفسر و حافظ کل قرآن کریم
۱۳	تفکر غلط در ارتباط با مهریه
۱۴	بخشیدن مهریه از طرف زن
۱۷	حکم ازدواج با زنان غیرمسلمان (اهل کتاب)
۱۸	حکم ازدواج با مشرکان
۱۹	حکم ازدواج با زانی و زانیه
۲۰	حکم ازدواج با زنان خبیثه
۲۱	حکم ازدواج با دختران یتیم
۲۲	حکم ازدواج با کنیزان
۲۳	حکم ازدواج با زنان شوهردار و علت تحریم آن
۲۴	حکم ازدواج با نامادری و علت تحریم آن
۲۵	حکم ازدواج با محارم و علت تحریم آن
۲۷	حکم ازدواج با زنان بیوه
۳۰	دستورات مهم در امر ازدواج با زنان مهاجر و زنان کافر
۳۲	ازدواج با زنان مطلقه
۳۲	علت‌های محدودیت در ازدواج در قرآن
۳۳	ازدواج موقت
۳۵	آیا حکم ازدواج موقت نسخ شده است؟

- ازدواج موقت یک ضرورت اجتماعی ..... ۳۶
- ایرادهایی که بر ازدواج موقت وارد می‌شود ..... ۳۷
- «راسل» و ازدواج موقت ..... ۳۸
- مذموم بودن تنوع‌طلبی و زن‌بارگی در روایات ..... ۳۸
- تعدد زوجات ..... ۳۹
- تعدد زوجات یک ضرورت اجتماعی است ..... ۴۰
- منظور از عدالت درباره همسران چیست؟ ..... ۴۳
- عدالت شرط تعدد زوجات است ..... ۴۳
- پاسخ به یک سؤال لازم در مورد تعدد زوجات ..... ۴۴
- گوشه‌ای از فلسفه تعدد زوجات پیامبر ..... ۴۵
- ازدواج فرزندان آدم ..... ۴۷
- فرهنگ آماری کلمه نکاح در قرآن کریم ..... ۴۸
- بررسی ریشه لغوی کلمه عشق ..... ۴۹
- تعریف عشق ..... ۴۹
- تعریف دومی از عشق ..... ۵۰
- نگاهی به موضوع عشق و ماهیت آن ..... ۵۰
- عشق جسمانی و روحانی ..... ۵۱
- عشق و عرفان در نیایش امام علی علیه‌السلام ..... ۵۱
- دیدگاه قرآن پیرامون زوجیت و وجود مودت بین زوجین ..... ۵۲
- محبت مؤمنان نسبت به یکدیگر ..... ۵۳
- جایگاه عشق در روایات ..... ۵۴
- عشق ناروا از دیدگاه امام علی علیه‌السلام ..... ۵۵
- چند حدیث طلایی درباره عشق ..... ۵۶
- نقش عشق و محبت در خودسازی انسان در اشعار حافظ و علامه طباطبایی ..... ۵۷

- ۵۷ ..... آثار سوء عشق در غفلت از عیوب معشوق
- ۵۸ ..... فرق عشق با شهوت
- ۵۹ ..... بررسی فرق میان عشق و هوس
- ۶۰ ..... بررسی اتهام مخالفت اسلام بامسأله عشق و شهوت جنسی
- ۶۱ ..... جایگاه عشق در عبادت رسول اکرم صلی الله علیه و آله
- ۶۱ ..... رابطه عشق و عفت
- ۶۲ ..... نیروی عشق و محبت در اجتماع
- ۶۳ ..... تشیع ، مکتب عشق و محبت
- ۶۳ ..... نقش عشق در زندگی انسان و آثار آن
- ۶۵ ..... داستان‌های عاشقان واقعی
- ۶۶ ..... داستان عشق سعدبن ربیع به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
- ۶۷ ..... داستان عاشقی کامل بنام میثم تمار به امام علی علیه السلام
- ۶۸ ..... داستان ابن سبکیت آن عاشق و دلباخته امام علی علیه السلام
- ۶۸ ..... داستان عشق ورزیدن به اهل بیت علیه السلام
- ۶۹ ..... فهرست منابع و مأخذ
- ۷۰ ..... درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## ازدواج از دیدگاه قرآن و سنت (جلد ۲)

### مشخصات کتاب

سرشناسه: بیستونی محمد، - ۱۳۳۷

عنوان و نام پدیدآور: ازدواج از دیدگاه قرآن و سنت / Marriage in Quran and Tradition / با نظارت محمد بیستونی

گروه تحقیق لیلا حمداللهی زهره نوری علیرضا مقسمی باهمکاری و کارشناسی اسدالله اسدی گرمارودی

مشخصات نشر: تهران: بیان جوان، ۱۳۸۴.

مشخصات ظاهری: ۴۱۷ ص ۱۷×۱۱ س.م.

فروست: ... سری کتابهای روش انس با قرآن

شابک: ۹۶۴-۸۳۹۹-۳۸-۷

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس

موضوع: زناشویی (اسلام).

شناسه افزوده: حمداللهی لیلا، - ۱۳۵۷

شناسه افزوده: نوری زهره

شناسه افزوده: مقسمی علیرضا

شناسه افزوده: اسدی گرمارودی اسدالله، - ۱۳۴۰

رده بندی کنگره: BP۲۳۰/۱۷/ب۹الف ۴

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۸۳۱

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۴-۱۵۴۸۶

### فهرست مطالب

موضوع صفحه

- متن تأییدیه حضرت آیت الله خزعلی مفسر و حافظ کل قرآن کریم ۵۰۰۰
- تفکر غلط در ارتباط با مهریه ۷۰۰۰
- بخشیدن مهریه از طرف زن ۹۰۰۰
- حکم ازدواج با زنان غیرمسلمان (اهل کتاب) ۲۰۰۰
- حکم ازدواج با مشرکان ۲۴۰۰۰
- حکم ازدواج با زانی و زانیه ۲۹۰۰۰
- حکم ازدواج با زنان خبیثه ۳۳۰۰۰
- حکم ازدواج با دختران یتیم ۳۷۰۰۰
- حکم ازدواج با کنیزان ۳۹۰۰۰

(۲۱۵)



## فهرست مطالب

## موضوع صفحه

- حکم ازدواج با زنان شوهردار و علت تحریم آن ۴۵۰۰۰
- حکم ازدواج با نامادری و علت تحریم آن ۴۸۰۰۰
- حکم ازدواج با دو خواهر در یک زمان و علت تحریم آن ۵۱۰۰۰
- حکم ازدواج با محارم و علت تحریم آن ۵۳۰۰۰
- حکم ازدواج با زنان بیوه ۶۰۰۰۰
- دستورات مهم در امر ازدواج با زنان مهاجر و زنان کافر ۷۰۰۰۰
- ازدواج با زنان مطلقه ۷۶۰۰۰
- علت‌های محدودیت در ازدواج در قرآن ۷۹۰۰۰
- (۲۱۶)

## فهرست مطالب

## موضوع صفحه

- ازدواج موقت ۸۳۰۰۰
- آیا حکم ازدواج موقت نسخ شده است ۸۹۰۰۰
- ازدواج موقت یک ضرورت اجتماعی ۹۲۰۰۰
- ایرادهایی که بر ازدواج موقت می‌شود ۹۵۰۰۰
- «راسل» و ازدواج موقت ۱۰۰۰۰
- مذموم بودن تنوع‌طلبی و زن‌بارگی در روایات ۱۰۲۰۰۰
- تعدد زوجات ۱۰۶۰۰۰
- تعدد زوجات یک ضرورت اجتماعی است ۱۰۹۰۰۰
- (۲۱۷)

## فهرست مطالب

## موضوع صفحه

- منظور از عدالت درباره همسران چیست ۱۱۸۰۰۰
- عدالت شرط تعدد زوجات است ۱۱۹۰۰۰
- پاسخ به یک سؤال لازم در مورد تعدد زوجات ۱۲۲۰۰۰
- گوشه‌ای از فلسفه تعدد زوجات پیامبر ۱۲۶۰۰۰
- ازدواج فرزندان آدم ۱۳۶۰۰۰
- فرهنگ آماری کلمه نکاح در قرآن کریم ۱۳۹۰۰۰
- بررسی ریشه لغوی کلمه عشق ۱۴۱۰۰۰
- تعریف عشق ۱۴۲۰۰۰
- (۲۱۸)

## فهرست مطالب

## موضوع صفحه

- تعریف دوّمی از عشق ۱۴۳۰۰۰
- نگاهی به موضوع عشق و ماهیت آن ۱۴۳۰۰۰
- نظریات مختلف درباره ماهیت عشق ۱۴۵۰۰۰
- عشق جسمانی و روحانی ۱۴۷۰۰۰
- عشق و عرفان در نیاپیش امام علی علیه السلام ۱۴۹۰۰۰
- دیدگاه قرآن پیرامون زوجیت و وجود مودّت بین زوجین ۱۵۱۰۰۰
- محبت مؤمنان نسبت به یکدیگر ۱۵۵۰۰۰
- جایگاه عشق در روایات ۱۵۹۰۰۰
- (۲۱۹)

## فهرست مطالب

## موضوع صفحه

- عشق ناروا از دیدگاه امام علی علیه السلام ۱۶۲۰۰۰
- چند حدیث طلایی درباره عشق ۱۶۵۰۰۰
- نقش عشق و محبت در خودسازی انسان در اشعار حافظ و علامه طباطبایی ۱۶۷۰۰۰
- آثار سوء عشق در غفلت از عیوب معشوق ۱۷۰۰۰۰
- فرق عشق با شهوت ۱۷۳۰۰۰
- بررسی فرق میان عشق و هوس ۱۷۴۰۰۰
- بررسی اتهام مخالفت اسلام با مسأله عشق و شهوت جنسی ۱۸۰۰۰۰
- جایگاه عشق در عبادت رسول اکرم صلی الله علیه و آله ۱۸۱۰۰۰
- رابطه عشق و عفت ۱۸۲۰۰۰
- (۲۲۰)

## فهرست مطالب

## موضوع صفحه

- نیروی عشق و محبت در اجتماع ۱۸۶۰۰۰
- تشیع، مکتب عشق و محبت ۱۸۹۰۰۰
- نقش عشق در زندگی انسان و آثار آن ۱۹۲۰۰۰
- داستان‌های عاشقان واقعی ۱۹۸۰۰۰
- داستان عشق سعدبن ربیع به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ۲۰۲۰۰۰
- داستان عاشقی کامل بنام میثم تمار به امام علی علیه السلام ۲۰۶۰۰۰
- داستان ابن سکیت آن عاشق و دلباخته امام علی علیه السلام ۲۰۸۰۰۰
- داستان عشق ورزیدن به اهل بیت علیه السلام ۲۱۰۰۰۰

(۲۲۱)

بیستونی، محمد، ۱۳۳۷ -

ازدواج (پیوند آسمانی) از دیدگاه قرآن و سنت = Marriage in Quran

and tradition / بانظارت محمدبیستونی؛ گروه تحقیق لیلا حمداللهی ،

زهره نوری، علیرضامقیمی؛ با همکاری و کارشناسی اسدالله اسدی گرمارودی . — تهران: بیان جوان، ۱۳۸۴ .

۴۱۷ ص؛ ۱۱X۱۷ س م . — (سری کتابهای روش انس با قرآن)

ISBN: ۹۶۴-۸۳۹۹-۳۸-۷

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا. کتابنامه به صورت زیرنویس.

۱. زناشویی (اسلام). الف. حمداللهی، لیلا، ۱۳۵۷ - ب. نوری، زهره.

ج. مقیمی، علیرضا. د. اسدی گرمارودی، اسدالله ۱۳۴۰ - ه. عنوان.

الف ۹/۱۷/ ۲۳۰ ۴۸۳۱/۲۹۷ BP

کتابخانه ملی ایران ۱۵۴۸۶ - ۸۴م

عنوان: ازدواج (پیوند آسمانی) از دیدگاه قرآن و سنت (جلد ۱)

مؤلف: دکتر محمد بیستونی ویراستاری و تایپ و صفحه آرایی: سهیلاشاکری، فاطمه سرزهی

گروه تحقیق: لیلا حمداللهی، زهره نوری خانی، علیرضامقیمی امور فنی و رایانه: روح الله کریمیان

مدیر اجرایی: علی اکبر هادی چاپ و صحافی: شرکت رایانه پرداز نگارش

نوبت و تاریخ چاپ: اول، سال ۱۳۸۴ شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

ناشر: انتشارات بیان جوان شابک: ISBN: ۹۶۴-۸۳۹۹-۳۸-۷-۹۶۴-۹۶۴

هرگونه نسخه برداری و چاپ از این کتاب، با اخذ مجوز کتبی از مؤسسه قرآنی تفسیر جوان بلامانع است.

نشانی: تهران - خیابان پاسداران - بین گلستان هشتم و نهم (روبروی پمپ بنزین) - شماره ۳۵۳ - طبقه همکف - واحد ۴

تلفکس: ۰۹۱۲۱۰۸۵۳۲۲-۲۲۵۸۹۶۲۶ E\_mail : dr\_bistooni@tafsirejavan.com

(۲۲۲)

بیستونی، محمد، ۱۳۳۷ -

ازدواج (پیوند آسمانی) از دیدگاه قرآن و سنت = Marriage in Quran

and tradition / بانظارت محمدبیستونی؛ گروه تحقیق لیلا حمداللهی ،

زهره نوری، علیرضامقیمی؛ با همکاری و کارشناسی اسدالله اسدی گرمارودی . — تهران: بیان جوان، ۱۳۸۴ .

۴۱۷ ص؛ ۱۱X۱۷ س م . — (سری کتابهای روش انس با قرآن)

ISBN: ۹۶۴-۸۳۹۹-۳۸-۷

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا. کتابنامه به صورت زیرنویس.

۱. زناشویی (اسلام). الف. حمداللهی، لیلا، ۱۳۵۷ - ب. نوری، زهره.

ج. مقیمی، علیرضا. د. اسدی گرمارودی، اسدالله ۱۳۴۰ - ه. عنوان.

الف ۹/۱۷/ ۲۳۰ ۴۸۳۱/۲۹۷ BP

کتابخانه ملی ایران ۱۵۴۸۶ - ۸۴م

عنوان: ازدواج (پیوند آسمانی) از دیدگاه قرآن و سنت (جلد ۲)

مؤلف: دکتر محمد بیستونی ویراستاری و تایپ و صفحه‌آرایی: سهیلا شاکری، فاطمه سرزهی  
گروه تحقیق: لیل احمداللهی، زهره نوری‌خانی، علیرضا مقیمی امور فنی و رایانه: روح‌الله کریمیان  
مدیر اجرایی: علی اکبر هادی چاپ و صحافی: شرکت رایانه پرداز نگارش  
نوبت و تاریخ چاپ: اول، سال ۱۳۸۴ شماریگان: ۳۰۰۰ نسخه  
ناشر: انتشارات بیان جوان شابک: ۹۶۴-۹۶۴-۸۳۹۹-۳۸-۷-۷  
هرگونه نسخه‌برداری و چاپ از این کتاب، با اخذ مجوز کتبی از مؤسسه قرآنی تفسیر جوان بلامانع است.

نشانی: تهران - خیابان پاسداران - بین گلستان هشتم و نهم (روبروی پمپ بنزین) - شماره ۳۵۳ - طبقه همکف - واحد ۴  
تلفکس: ۰۹۱۲۱۰۸۵۳۲۲-۰۲۲۵۸۹۶۲۶ E\_mail : dr\_bistooni@tafsirejavan.com  
(۲۲۳)

## الْأَهْدَاءِ

إِلَى سَيِّدِنَا وَبَيْنَنَا مُحَمَّدٍ  
رَسُولِ اللَّهِ وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَإِلَى مَوْلَانَا  
وَمَوْلَى الْمُؤَحَّدِينَ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَإِلَى بَضْعَةِ  
الْمُضْطَفَى وَبَهْجَةِ قَلْبِهِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَإِلَى سَيِّدِي  
شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّبْطَيْنِ، الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَإِلَى الْأَيْمَةِ الشَّعْبَةِ  
الْمَعْصُومِينَ الْمُكْرَمِينَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ سَيِّمًا بَقِيَّتِهِ اللَّهُ فِي الْأَرْضِينَ وَوَارِثِ عُلُومِ  
الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ، الْمَعْدِّ لِقَطْعِ دَائِرِ الظُّلْمَةِ وَالْمُدْخِرِ لِأَحْيَاءِ الْفَرَائِضِ وَمَعَالِمِ الدِّينِ ،  
الْحُجَّجَةِ بْنِ الْحَسَنِ صَاحِبِ الْعَصْرِ وَالزَّمَانِ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرْجَهُ الشَّرِيفَ فَيَا مُعِزَّ  
الْأَوْلِيَاءِ وَيَا مُدِلَّ الْأَعْدَاءِ أَيُّهَا السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ قَدَّمْنَا  
وَأَهْلَنَا الضَّرَّ فِي غَيْبَتِكَ وَفِرَاقِكَ وَجُنْنَا بِبِضَاعِهِ  
مُزْجَاهٍ مِنْ وَلَائِكَ وَمَحَبَّتِكَ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ مِنْ مَنَّكَ وَ  
فَضْلِكَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا بِنَظَرِهِ رَحْمَةً مِنْكَ  
إِنَّا نَرِيكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ  
(۴)

## متن تأییدیه حضرت آیت الله خزعلی مفسر و حافظ کل قرآن کریم

بسم الله الرحمن الرحيم

هر زمانی را زبانی است یعنی در بستر زمان خواسته‌هایی نو نو پدید می‌آید که مردم آن دوران خواهان آنند. با وسایل صنعتی و رسانه‌های بی‌سابقه خواسته‌ها مضاعف می‌شود و امروز با اختلاف تمدن‌ها و اثرگذاری هریک در دیگری آرمان‌های گوناگون و خواسته‌های متنوع ظهور می‌یابد بر متفکران دوران و افراد دلسوز خودساخته در برابر این هنجارها فرض است تا کمر خدمت را

محکم بیندند و این خلأ را پر کنند همان گونه که علامه امینی با الغدیرش و علامه طباطبایی با المیزانش. در این میان نسل جوان را باید دست گرفت و بر سر سفره این پژوهشگران نشانند و رشد داد. جناب آقای دکتر محمد بیستونی رئیس هیئت مدیره مؤسسه قرآنی تفسیر جوان به فضل الهی این کار را بعهده گرفته و آثار ارزشمند مفسران را با زبانی ساده و بیانی (۵)

شیرین، پیراسته از تعقیدات در اختیار نسل جوان قرار داده علاوه بر این آنان را به نوشتن کتابی در موضوعی که منابع را در اختیارشان قرار داده دعوت می‌کند. از مؤسسه مذکور دیدار کوتاهی داشتیم، از کار و پشتکار و هدفمند بودن آثارشان اعجاب و تحسینم شعله‌ور شد، از خداوند منان افاضه بیشتر و توفیق افزونی برایشان خواستارم. به امید آنکه در مراحل غیرتفسیری هم از معارف اسلامی درهای وسیعی برویشان گشاده شود.

آمین رب العالمین .

۲۱ ربیع الثانی ۱۴۲۵

۲۱ خرداد ۱۳۸۳

ابوالقاسم خزعلی

(۶)

### تفکر غلط در ارتباط با مهریه

این تفکر غلط که: مهر را چه کسی داده و چه کسی گرفته، متأسفانه در جامعه جا افتاده است و خود توجیهی برای بالا بردن و سرباز زدن از پرداخت مهریه گردیده است، روایاتی که ذکر شد برای از بین بردن این فکر غلط می‌باشد و هشدار است که زوج هنگام پیمان زناشویی باید توجه به توان مالی خود نموده و خود را ملزم به پرداخت مهریه بداند و توجه هم باید توجه به توان مالی و پرداخت مهر از طرف زوج داشته باشد و یا آن را بعداً ببخشد. چه بسا بسیاری از نزاع‌ها و اختلافات خانوادگی همین زیاده مهر است، که از طرفی سطح توقع زنان بالا رفته و از طرفی سنگینی مهر یک فشار روحی برای مردان است و گاهی تلاش می‌کنند با لطایف‌الحیل از پرداخت آن فرار کنند. در کتاب بهشت خانواده یکی از علل اختلافات زن و شوهر دعاوی مالی شمرده شده، چنانکه مثلاً مهریه

ازدواج (۷)

زیادی برای زن معین شده باشد و شوهر پشیمان گشته و هر روز بهانه‌ای بگیرد و جر و بحثی درست کند تا زن را راضی نماید که مهریه خود را به نحوی کم کند یا نگیرد. (۱)

گاهی متأسفانه این اختلافات منجر به از هم پاشیدن شدن کانون خانواده می‌گردد، همانطوری که در تحقیقات به دست آمده می‌خوانیم:

طلاق یا به سبب تقاضای زن و یا به دلیل تمایل مرد به وقوع می‌پوندد و علت عمده آن یا ترک انفاق (و مهر) و بدرفتاری و ناهنجاری اخلاقی از سوی زوج است و یا عدم تمکین زن از شوهر و نداشتن توافق اخلاقی. در سال ۱۳۷۱ تعداد ۱۸۳۸۰ پرونده منجر به طلاق در دادگاه‌های مدنی خاص مطرح بود که منجر به

۱- بهشت خانواده، نوشته دکتر سید جواد مصطفوی، جلد ۱، صفحه ۳۶۲.

ازدواج (۸)

صدور حکم گردیده و دادگاه‌های مستقل نیز به ۳۴۴۹ مورد درخواست طلاق رسیدگی کرده و حکم داده‌اند. (۱)

به هر حال مهر چه کم باشد و چه زیاد، شوهر نمی‌تواند از پرداخت آن سرباززند. اگر چنانچه به هر دلیلی توان پرداخت آن را نداشته باشد، طبق توافق می‌تواند به صورت قسطی پرداخت نماید، همان‌طور که در ماده (۱۰۸۳) قانون مدنی آورده است: (برای تأدیه تمام یا قسمتی از مهر می‌توان مدت یا اقساطی قرار داد). (۲)

### بخشیدن مهریه از طرف زن

آنچه بر نظام طبیعت و خانواده و زناشویی حاکم است، عشق و محبت و

۱- کتاب نقد فضلنامه (حقوق زن)، شماره ۱۲، صفحه ۷۵: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

۲- بررسی فقهی حقوق خانواده، صفحه ۲۳۸.

ازدواج (۹)

اخلاق می‌باشد و اگر روابط فردی و اجتماعی و زناشویی رو به سردی گذاشت و محبت و اخلاق از میان رفت، آن گاه نوبت قانون می‌شود که به قضاوت بنشیند. قانون آخرین وسیله‌ای است که باید به آن رو آورد و متوسل شد، زن و شوهر همانطوری که با عشق و علاقه اولین قدم پیوند مقدس ازدواج را برداشتند، شایسته است تا آخر از این رمز بقاء پیروی نمایند. مهر از شرایط عقد نیست، بلکه بیشتر به عنوان هدیه و اعلام آمادگی برای آغاز یک زندگی شیرین و محبت‌آمیز است. بنابراین مهر بعد مادی ندارد. این زندگی شیرین با بخشیدن مهر از طرف زن به شوهر استمرار پیدا می‌کند. در فرهنگ دینی همانطور که بر پرداخت مهر از طرف شوهر به زن در صورت تقاضا سفارش و تأکید شده از طرف دیگر هم به بخشیدن مهر از طرف زن توصیه گردیده است. آن هم با رضایت و میل قلبی و به قصد قربت و به جهت حاکم نمودن روح گذشت و

(۱۰) ازدواج

فداکاری در زندگانی زناشویی و وارسته نمودن زندگی از پیرایه‌های مادی.

زن اگر همه مهر یا هر مقدار از مهر را که مایل باشد، می‌تواند ببخشد. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: هر زنی که مهریه‌اش را قبل از همبستر شدن به شوهرش ببخشد، خداوند به جای هردیناری، ثواب آزاد کردن یک بنده برایش می‌نویسد. سؤال شد یا رسول‌الله اگر بعد از دخول بخشید چطور؟ حضرت فرمود: این نشانه مودت و الفت است. (۱)

در این حدیث ملاحظه می‌شود، تفاوت است بین بخشیدن مهریه قبل از همبستر شدن و بعد از آن. معمولاً مرد مؤمن بعد از عقد نگران پرداخت دین یعنی مهریه همسرش می‌باشد و یک نوع اضطراب دارد و شاید بااطمینان کامل وارد بر

۱- مستدرک الوسائل، جلد ۱۵، صفحه ۸۱.

ازدواج (۱۱)

زندگی زناشویی نشود، در این موقع اگر زن مهر خود را نبخشد و شوهرش را از این دین رها نمود، در واقع ثواب آزاد کردن بنده را برده است.

معصوم علیه‌السلام فرمود: خداوند، عذاب قبر را از سه دسته از زنان برداشته است و آنها را درقیامت با فاطمه علیها‌السلام دختر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله محشور می‌نماید.

۱- زن‌هایی که بر غیرت شوهر خود صبر کنند. ۲- زن‌هایی که بر سوء خلق و رفتار شوهر خود صبر کنند. ۳- زن‌هایی که مهر خود را ببخشند. خداوند بر هریک از آنها ثواب هزار شهید عطاء می‌کند و می‌نویسد برای هریک از آنها عبادت سالی را. (۱)

در آیه ۴ سوره نساء پس از آن که توصیه شده است که مهر زن‌ها را شیرین

۱- وسائل الشیعه ، جلد ۱۵ ، صفحه ۳۷ .

(۱۲) ازدواج

و با رغبت به آنها بدهید ، فرموده : «فَإِنْ طِبَّنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرَاتِنًا» . پس اگر زنان از طیب خاطر مهر خود را به شما بخشیدند پس بخورید آن را سازگار و گوارا .

آیه فوق علاوه بر اینکه یک نوع تشویق ضمنی زنان بر بخشیدن مهر خود می‌باشد ، اشاره بر رضایت قلبی آنها بر بخشیدن مهر خود است ، یعنی بخشیدن مهر یا قسمتی از آن نباید از روی اکراه و اجبار و حتی مکر و خدعه باشد . علامه طباطبایی (ره) در ذیل آیه فوق فرموده است : «تصرف در مهریه را به طیب نفس زن مشروط نمود ، هم تأکید جمله قبل است که مشتمل بر اصل حکم بود و هم می‌فهماند حکم «بخورید» حکم وصفی است نه تکلیفی . یعنی معنی بخورید ، این است که خوردن آن جایز و حلال است ، نه اینکه بخواهد بفهماند خوردن مال همسر واجب است . کلمه (هنیئا) صفت مشبه از ماده (هناء) است و ماده هناء به

ازدواج (۱۳)

معنی آسان هضم شدن غذا و نیز به معنی قبول طبع است» . (۱)

گروهی از مفسرین کلمه (منه) را در آیه فوق (مِنْ بَعْضِهِ) گرفته و فرموده‌اند ، اگر قسمتی از مهر خود را بخشید ، با گوارا بخورید . از این مطلب استفاده نموده‌اند که زن مهر خود را ببخشد . (۲) اما اکثر مفسرین کلمه (منه) را جنس گرفته‌اند ، از بیان مهر ، یعنی اگر از آن مهر به شما چیزی بخشید ، گوارا بخورید و (مِنْ بَعْضِهِ) نمی‌باشد . (۳)

۱- (۱) : تفسیر المیزان ، جلد ۴ ، صفحه ۲۶۹ (ترجمه فارسی) .

۲- (۲) : تفسیر رهنما ، جلد ۳ ، صفحه ۲۸۲ .

۳- (۳) : تفسیر البیان ، جلد ۳ ، صفحه ۱۰۹ و تفسیر کترالدقائق ، جلد ۳ ، صفحه ۳۲۴ و تفسیر الوجیز ، جلد ۱ ، صفحه ۲۹۶ .

(۱۴) ازدواج

به نظر می‌رسد از باب اینکه زن مالک تمام مهر خود می‌باشد ، پس می‌تواند تمام مهر یا قسمتی از آن را ببخشد و محدودیتی نداشته باشد . پس قول اکثر که قول دوم است بیشتر مورد قبول می‌باشد .

نکات کوتاه از آیات مربوط به مهریه «وَأَتُوا النِّسَاءَ صِدْقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبَّنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرَاتِنًا» (۱) با استفاده از تفسیر راهنما نکاتی چند از آیه شریفه فوق قابل بهره‌برداری می‌باشد که ذیلاً به آنها اشاره می‌شود :

۱- وجوب پرداخت مهریه زنان . (وآتو)

۲- زنان مالک مهر خویش می‌باشند . (صَدَقَاتِهِنَّ)

۳- استقلال مالی زنان در نظام خانواده . (صَدَقَاتِهِنَّ)

۱- (۱) : ۴ / نساء .

ازدواج (۱۵)

۴- لزوم پرداخت مهریه به خود زن نه به دیگران . (وَأَتُوا النِّسَاءَ صِدْقَاتِهِنَّ)

۵- مهریه هدیه‌ای برای زن است . (صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً)

۶- مهریه هدیه‌ای است بدون عوض . (صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً)

۷- مهریه باید بدون منت و شیرین به زن پرداخت شود . (صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً)

۸- منع از حبس مهر توسط شوهر . (وَأَتُوا النِّسَاءَ صِدْقَاتِهِنَّ)

۹- زن می‌تواند مهریه خود را ببخشد . (فَإِنْ طِبَّنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا)

۱۰- بخشش مهر از طرف زن باید با طیب نفس باشد. (نفساً)

۱۱- حرمت تصرف مردان در مهر زنان بدون رضایت آنها. (فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا)

۱۲- حلال و گوارا بودن خوردن مهر زن برای شوهر در صورتی که آن را ببخشد. (هَنِيئًا مَرَاتِنَا)

(۱۶) ازدواج

۱۳- تعیین مهریه در عقد نکاح. (صَدَقَاتِهِنَّ)

۱۴- شوهر مجاز به استفاده از دارایی زن است، در صورت رضایت زن. (نَفْسًا)

۱۵- تصرف ولی زن در مهریه او بدون رضایت زن.

وَ أَنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوا الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ وَأَنْ

تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۱)

از این آیه شریفه نکاتی قابل استفاده است که به دنبال آیه قبل ذکر می شود.

۱۶- وجوب پرداخت نصف مهر در صورت طلاق قبل از دخول (وَأَنْ

۱- (۱): ۲۳۷ / بقره .

ازدواج (۱۷)

طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ،... فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ).

۱۷- عدم وجوب تعیین مهر.

۱۸- طلاق زنان به دست شوهران می باشد. (وَأَنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ)

۱۹- مهریه دینی است برای زنان و برعهده مردان (لَهُنَّ فَرِيضَةٌ)

۲۰- سقوط مهریه در صورت عفو زن. (إِلَّا أَنْ يَعْفُوا).

۲۱- سقوط مهریه در صورت عفو ولی زن. (أَوْ يَعْفُوا الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ)، - اگر الذی را ولی زن بگیریم - .

۲۲- اختیار ازدواج زن به دست ولی شرعی اوست. (الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ)

۲۳- توصیه به پرداخت مهریه کامل در صورت طلاق قبل از دخول، به خصوص اگر قبلاً مهریه کامل به زن داده شده باشد و این به

تقوی نزدیک تر است. (وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى).

ازدواج (۱۸)

۲۴- عفو مهریه توسط زن نزدیک به تقوی است. (وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى)

۲۵- ارزشمندی استحباب گذشت انسان از حق خود.

۲۶- گذشت انسان از حق خود، راهی نزدیک برای رسیدن به تقوی است.

۲۷- ولی زن مطلقه قبل از دخول می تواند از نصف مهر صرف نظر کند.

۲۸- گذشت مالی در مسائل خانواده راهی مناسب، برای رسیدن به تقوی می باشد.

۲۹- طلاق و مشکلات خانوادگی نباید موجب فراموشی ارزش ها و فضیلت ها شود. (وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ).

۳۰- بینایی گسترده و عمیق خداوند بر اعمال انسان ها. (إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ).

۳۱- توجه به نظارت خداوند زمینه ساز عمل به احکام الهی (به خصوص در

ازدواج (۱۹)

مسائل زناشویی) موجب تقوی و پرهیز از خطا می باشد.



۳۲- اگر در مسائل خانوادگی ناحقی شود، خداوند بینا است.

## حکم ازدواج با زنان غیرمسلمان (اهل کتاب)

«... طَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَلْلٌ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حَلْلٌ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ مُحْصَنِينَ غَيْرِ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ: ... طعام اهل کتاب برای شما و طعام شما برای آنها حلال است و نیز حلال شد نکاح و ازدواج زنان پارسای مؤمنه و زنان پارسای اهل کتاب در صورتی که شما اجرت و مهر آنها را بپردازید و آنها هم زناکار نباشند و رفیق و دوست نگیرند و هر کس به دین اسلام کافر شود عمل

(۲۰) ازدواج

خود را تباه کرده و در آخرت از زیانکاران خواهد بود». (۱)

آیه فوق بعد از بیان حلال بودن طعام اهل کتاب، درباره ازدواج با زنان پاکدامن از مسلمانان و اهل کتاب سخن می‌گوید و می‌فرماید: «زنان پاکدامن از مسلمانان و از اهل کتاب برای شما حلال هستند و می‌توانید با آنها ازدواج کنید به شرط آنکه مهر آنها را بپردازید و از طریق ازدواج مشروع باشد نه به صورت زنا آشکار و نه به صورت دوست پنهانی انتخاب کردن».

در حقیقت این قسمت از آیه نیز محدودیت‌هایی را که در مورد

۱- ۵ / مائده .

ازدواج (۲۱)

ازدواج مسلمانان با غیرمسلمانان بوده تقلیل می‌دهد و ازدواج آنها را با زنان اهل کتاب با شرایطی تجویز می‌نماید. امّا اینکه آیا ازدواج با اهل کتاب به هر صورت، خواه ازدواج دائم باشد یا موقت، مجاز است و یا منحصرًا ازدواج موقت جایز است در میان فقهای اسلام اختلاف نظر است.

قرائنی در این آیه وجود دارد که نشان می‌دهد نخست اینکه می‌فرماید: «به شرط اینکه اجر و مهر آنها را بپردازید» درست است که کلمه «اجر» هم در مورد «مهر عقد دائم» و هم در مورد «مهر ازدواج موقت» گفته می‌شود ولی بیشتر در مورد ازدواج موقت ذکر می‌شود.

و دیگر اینکه تعبیر به «غَيْرِ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ» (به شرط اینکه از راه زنا و گرفتن دوست پنهان نامشروع وارد نشوید)، نیز با ازدواج موقت مناسب‌تر است چه اینکه ازدواج دائم هیچ‌گونه شباهتی با مسأله زنا یا دوست پنهانی نامشروع ندارد، که از آن نهی شود ولی گاهی افراد

ازدواج (۲۲)

نادان و بی‌خبر ازدواج موقت را با زنا یا انتخاب دوست پنهانی اشتباه می‌کنند.

ذکر این نکته نیز لازم است که در مورد طعام اهل کتاب، هم اجازه داده شده که از طعام آنها بخورند با شرایطی و هم به آنها اطعام شود اما در مورد ازدواج، تنها گرفتن زن از آنان تجویز شده ولی زنان مسلمان به هیچ وجه مجاز نیستند که با مردان اهل کتاب ازدواج کنند و فلسفه آن ناگفته پیدا است زیرا زنان به خاطر اینکه عواطف رقیق‌تری دارند زودتر ممکن است عقیده همسران خود را بپذیرند تا مردان!

و از آنجا که تسهیلات فوق درباره معاشرت با اهل کتاب و ازدواج با زنان آنها ممکن است مورد سوء استفاده قرار گیرد و آگاهانه یا غیر آگاهانه به سوی آنها کشیده شوند در پایان آیه به مسلمانان هشدار می‌دهد می‌گوید: «کسی که نسبت به دین اسلام

کافر شود و راه مؤمنان را رها کرده ، در راه کافران

ازدواج (۲۳)

قرار گیرد ، اعمال او تباہ می‌شود و در آخرت در زمره زیانکاران خواهد بود» .

و اشاره می‌کند به اینکه تسهیلات مزبور علاوه بر اینکه گشایشی در زندگی شما ایجاد کند باید باعث نفوذ و توسعه اسلام در میان بیگانگان گردد، نه اینکه شمت‌تحت تأثیر آنها قرار گیرید و دست از آئین خود بردارید که در این صورت مجازات شما بسیار سنگین و سخت خواهد بود.

## حکم ازدواج با مشرکان

« وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَنَّ وَلَا مَئِمَّةً مُؤْمِنَةً خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكَةٍ وَلَا عَجَبْتُكُمْ ... : با زنان مشرک ازدواج نکنید مگر آنکه ایمان بیاورند و البته کنیزی با ایمان از زنی آزاد و مشرک بهتر است هر چند از مال و جمالش به شگفت آئید و به مردان مشرک زن ندهید تا ایمان بیاورند و همانا بنده مؤمن بسی بهتر از مردی آزاد و مشرک است هر چند [از مال و جاه او به شگفت آئید...» .

(۱)

ازدواج (۲۴)

این آیه زمانی نازل شد که شخصی بنام «مرثد» که مرد شجاعی بود از طرف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مأمور شد که از مدینه به مکه برود و جمعی از مسلمانان را که آنجا بودند با خود بیاورد وی به قصد انجام فرمان رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد مکه شد در آنجا با زنی زیبا بنام «عناق» برخورد نمود و آن زن او را مانند گذشته به گناه دعوت کرد ، اما «مرثد» که دیگر مسلمان شده بود تسلیم خواسته او نشد ، آن زن تقاضای ازدواج نمود «مرثد» گفت : این امر موکول به اجازه پیامبر صلی الله علیه و آله است . او پس از انجام مأموریت خود به مدینه بازگشت و جریان را به اطلاع پیغمبر صلی الله علیه و آله

۱- ۲۲۱ / بقره .

ازدواج (۲۵)

رساند ، این آیه نازل شد و بیان داشت که زنان مشرک و بت پرست شایسته همسری و ازدواج با مردان مسلمان نیستند . اسلام به خاطر اهمیتی که به زندگی زناشویی می‌دهد و به خاطر آثار قطعی وراثت و به خاطر تأثیر محیط تربیتی خانواده در سرنوشت فرزندان ، برای انتخاب همسر شرایط گوناگونی قائل شده است و از آنجا که زن مشرک شایسته همسری مسلمان نیست و بر فرض که برای همسری انتخاب شود فرزندان او روحیه و صفات وی را به حکم وراثت کسب می‌کنند و پس از تولد نیز اگر در دامن او تربیت شوند سرنوشت شومی خواهند داشت لذا قرآن در این آیه از ازدواج با زنان مشرک و بت پرست نهی فرموده ، از این گذشته مشرکان که افراد از اسلام محسوب می‌شوند اگر از طریق ازدواج به خانه‌های مسلمانان راه پیدا کنند ، جامعه اسلامی گرفتار هرج و مرج و دشمنان داخلی شده و صفوف از یکدیگر مشخص نخواهد شد ، آنان را هم پایه یک کنیز با ایمان نیز نداشته است ولی راه را به روی آنان نیز بسته است و برای اینکه احیانا از علاقه جنسی آنها برای نجات استفاده کرده باشد ، می‌گوید : «اگر ایمان بیاورند شایسته ازدواج خواهند بود» همچنین همان گونه که از ازدواج مردان مؤمن با زنان مشرک در صدر آیه نهی شده است .

ازدواج (۲۶)

از زن دادن به مردان کافر و مشرک هم نهی کرده و نیز همان گونه که کنیزکان مؤمن از زنان آزاده کافر اگرچه دارای جمال و جلال باشند بالاتر و از برای ازدواج شایسته‌ترند ، بردگان ، غلامان با ایمان از مردان زیبا و به ظاهر باشخصیت اما کافر ، برتر و

شایسته‌ترند، البته ازدواج زنان مؤمن با مردان کافر هم تا وقتی که مشرک هستند ممنوع می‌باشد و هنگامی که قبول ایمان نمودند ازدواج با آنان هیچ‌گونه مانعی ندارد.

در ادامه آیه خداوند می‌فرماید: «مشرکان شما را به آتش جهنم

ازدواج (۲۷)

می‌خوانند و خداوند به بهشت و مغفرت خود خواند از راه لطف و عنایت».

در این جمله علت تحریم ازدواج افراد با ایمان با مردان و زنان مشرک بیان شده است و آن اینکه: مشرکان، معاشران خود را، به خصوص اگر معاشرت از نظر زناشویی باشد که شدت تأثیر آن بیشتر و عمیق‌تر است، به طرف بت‌پرستی و روحیات ناپسند دعوت می‌کنند که سرانجامش، آتش قهر خداست.

در حالی که مؤمنان به خاطر ایمان و صفات عالی انسانی که از ایمان سرچشمه می‌گیرد، معاشران خود را به ایمان و فضیلت دعوت می‌کنند که سرانجامش بهشت و مغفرت و آمرزش خدا است.

و اما مشرکان چه کسانی هستند؟ این کلمه در قرآن بیشتر به بت‌پرستان اطلاق می‌شود و از همین جهت است که در بسیاری از آیات قرآن مشرکان در مقابل اهل کتاب (یهود، نصاری، مجوس) قرار داده شده‌اند.

ازدواج (۲۸)

### حکم ازدواج با زانی و زانیه

«الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرْمٌ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ: مرد زناکار جز با زن زناکار یا مشرک ازدواج نمی‌کند و زن زناکار را جز مرد زناکار یا مشرک به ازدواج خود در نمی‌آورد و این کار بر مؤمنان تحریم شده است» (۱).

این جمله بیان یک حکم شرعی و الهی است مخصوصاً می‌خواهد مسلمانان را از ازدواج با افراد زناکار بازدارد چراکه بیماری‌های اخلاقی همچون بیماری‌های جسمی غالباً واگیردار است و از این گذشته این کار یک نوع ننگ و عار برای افراد پاک محسوب می‌شود به علاوه فرزندان که در چنین دامان‌های لگه دار و شوم و

۱- ۳ / نور .

ازدواج (۲۹)

مشکوکی پرورش می‌یابند، سرنوشت مبهمی دارند .

روی این جهات اسلام این کار را منع کرده است و شاهد این تفسیر جمله «وَحُرْمٌ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» است که در آن تعبیر به تحریم شده است و شاهد دیگر روایاتی است که از امام باقر و امام صادق علیه‌السلام می‌خوانیم: «این آیه در مورد مردان و زنانی است که در عصر رسول خدا آلوده زنا بودند، خداوند مسلمانان را از ازدواج با آنها نهی کرد و هم‌اکنون نیز مردم مشمول این حکمند، هرکسی مشهور به این عمل شود و حد الهی بر او جاری شود، با او ازدواج نکنید تا توبه‌اش ثابت شود» (۱).

ضمناً باید توجه داشت که عطف «مشرکان» بر «زانیان» در واقع برای بیان

۱- مجمع‌البیان، ذیل آیه مورد بحث .

ازدواج (۳۰)

اهمیت مطالب است یعنی گناه «زنا» هم طراز گناه «شُرک» است پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «شخص زناکار در آن لحظه‌ای که

مرتکب این عمل می‌شود از ایمان بازداشته می‌شود و مؤمن نیست». (۱).

ظاهر آیه فوق تحریم ازدواج با زانی و زانیه است. البته این حکم در روایات اسلامی مقتید به مردان و زنانی شده است که مشهور به این عمل بوده و توبه نکرده‌اند، بنابراین اگر مشهور به این عمل نباشند، یا از اعمال گذشته خود کناره‌گیری کنند و تصمیم بر پاک‌ی و عفت گرفته و اثر توبه خود را عملاً نشان داده‌اند، ازدواج با آنها شرعاً بی‌مانع است.

در حدیث معتبری از امام صادق علیه‌السلام می‌خوانیم که: فقیه معروف «زراره» از

۱- نورالثقلین، جلد ۳، صفحه ۲۶.

ازدواج (۳۱)

آن حضرت پرسید: «تفسیر آیه "الزانی لا ینکح إلا زانیه" ... چیست؟» امام علیه‌السلام فرمود: «این آیه اشاره به زنان و مردانی است که مشهور به زنا بوده و به این عمل زشت شناخته شده بودند و امروز نیز چنین است، کسی که حد زنا بر او اجرا شود، یا مشهور به این عمل شنیع گردد، سزاوار نیست احدی با او ازدواج کند، تا توبه او ظاهر و شناخته گردد». (۱).

همچنین از حضرت رضا علیه‌السلام آمده است که فرمودند:

«حرام کرد خدا زنا را برای اینکه در زنا فسادهایی است از جمله کشتن نفس، از بین رفتن نسب و تربیت نشدن اطفال و از بین رفتن میراث و غیره» (۲).

۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۴، صفحه ۳۳۵.

۲- وسائل الشیعه، صفحه ۱۵، باب ۱.

ازدواج (۳۲)

آنچه در آیه فوق در مورد حد زنا آمده است یک حکم عمومی است که موارد استثنایی هم دارد از جمله «زنان محصن و محصنه» است که حد آن با تحقق شرایط اعدام است و نیز حکم زنا با محارم، اعدام است و همچنین حکم زنا به عنف و جبر نیز اعدام است.

## حکم ازدواج با زنان خبیثه

«الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّؤُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ»: زنان خبیث و ناپاک از آن مردان خبیث و ناپاکند و مردان ناپاک نیز تعلق به زنان ناپاک دارند و زنان پاک برای مردان پاکند و مردان پاک برای زنان پاک و اینان از نسبت‌های ناروایی که به آنها داده می‌شود، مبرا هستند و برای آنها آمرزش (الهی) و روزی پرارزش است». (۱).

ازدواج (۳۳)

«خبیثات» و «خبیثون» اشاره به زنان و مردان آلوده دامان است و به عکس «طیبات» و «طیبون» اشاره به زنان و مردان پاکدامن می‌باشد.

در حدیثی از امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام نقل شده است که: این آیه همانند «الزانی لا ینکح إلا زانیه أو مشرکه» می‌باشد زیرا گروهی بودند که تصمیم گرفتند با زنان آلوده ازدواج کنند، خداوند آنها را از این کار نهی کرد و این عمل را ناپسند شمرد» (۲).

۱- ۲۶ / نور.

ازدواج (۳۴)

همچنین در روایات می‌خوانیم که یاران امامان، گاه سؤال از ازدواج با زنان «خبیثه» می‌کردند که با جواب منفی رو به رو می‌شدند و این نشان می‌دهد که «خبیثه» اشاره به زنان ناپاک است و منظور از خبیث بودن این دسته از مردان و زنان یا طیب بودن آنها همان جنبه‌های عفت و ناموسی را شامل می‌شود.

به همین دلیل این آیه اشاره به یک حکم شرعی می‌باشد که ازدواج با زنان آلوده و ناپاک و ازدواج با مردان آلوده و ناپاک حداقل در مواردی که مشهور و معروف به عمل منافی عفت هستند ممنوع است.

در این جا سؤالی مطرح است و آن اینکه در طول تاریخ یا در محیط زندگی خود گاه مواردی را می‌بینیم که با این قانون هماهنگ نیستند، به عنوان مثال در خود قرآن آمده که، «همسر نوح و همسر لوط زنان بدی بودند و به آنها خیانت کردند» (۱) و در مقابل «همسر فرعون از زنان باایمان و پاکدامنی بود که گرفتار چنگال آن طاغوت بی‌ایمان گشته بود». (۱)

۱- مجمع البیان، ذیل آیه مورد بحث.

۲- ۱۰ / تحریم.

ازدواج (۳۵)

در پاسخ علاوه بر اینکه هر قانون کلی استثناهایی دارد باید به دو نکته توجه داشت:

۱- در تفسیر آیه گفته شد که منظور اصلی از «خبثت» همان آلودگی به اعمال منافی عفت است و «طیب» بودن نقطه مقابل آن می‌باشد، به این ترتیب پاسخ سؤال روشن می‌شود، زیرا هیچ‌یک از همسران پیامبران و امامان به‌طور قطع انحراف و آلودگی جنسی نداشتند و منظور از «خیانت» در داستان نوح و لوط، جاسوسی کردن به نفع کفار است نه خیانت ناموسی،

۲- از این گذشته همسران پیامبران و امامان در آغاز کار حتی کافر و

۱- ۱۱ / تحریم.

ازدواج (۳۶)

بی‌ایمان هم نبودند و گاه بعد از نبوت به گمراهی کشیده می‌شدند که مسلماً آنها نیز روابط خود را مانند سابق با آنها ادامه نمی‌دادند. همان‌گونه که همسر فرعون در آغاز کار با فرعون ازدواج کرد، بعداً که موسی مبعوث شد، ایمان آورد و چاره‌ای جز ادامه زندگی توأم با مبارزه نداشت، مبارزه‌ای که سرانجامش شهادت این زن باایمان بود.

## حکم ازدواج با دختران یتیم

«وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ...: اگر می‌ترسید که درباره یتیمان رعایت عدالت نکنید از زنان آن کس را که برایتان پاکیزه است دو یا سه یا چهار بگیرید...». (۱)

ازدواج (۳۷)

خداوند در این آیه به حفظ حقوق زوجیت یتیمان اشاره کرده می‌فرماید: «اگر می‌ترسید به هنگام ازدواج با دختران یتیم رعایت حقوق و عدالت را درباره حقوق زوجیت و اموال آنان ننمائید از ازدواج با آنها چشم‌پوشید و به سراغ زنان دیگر بروید».

از جمله شواهدی که تفسیر فوق را درباره آیه روشن می‌سازد آیه ۱۲۷ از سوره نساء است که در آن صریحاً مسأله رعایت عدالت را درباره ازدواج با دختران یتیم ذکر کرده است. در این آیه هم، توصیه به عدالت رفتار کردن در مورد ازدواج با دختران یتیم که اموال آنها را می‌گرفتند و نه با آنها ازدواج می‌کردند و نه اموال آنها را به خودشان می‌سپردند که بتوانند با دیگران ازدواج کنند و خداوند می‌فرماید: زشتی این عمل ظالمانه را آشکار می‌سازد و هرگونه

## ازدواج (۳۸)

عمل نیکی درباره افراد ضعیف و دختران یتیم از شما سر بزند پاداش مناسبی خواهد داشت

## حکم ازدواج با کنیزان

« وَ مَنِ لَّمْ يَشْتِطَّعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمَنْ مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فِتْيَانِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَانْكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرِ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ فَإِذَا أُحْصِنَ فَإِنَّ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ : و آنها که قدرت مالی و توانایی ازدواج با زنان "آزاد" پاکدامن باایمان ندارند می‌توانند با زنان پاکدامن از بردگان و کنیزان باایمان که در اختیار دارند ازدواج کنند ، خدا آگاه به ایمان شماست و آنها را به اجازه صاحبان آنها ازدواج نمایید و مهر آنها را به خودشان بدهید ، مشروط بر اینکه پاکدامن باشند

## ازدواج (۳۹)

نه مرتکب زنا به طور آشکار شوند و نه دوست پنهانی بگیرند و در صورتی که «شوهردار» باشند و مرتکب عمل منافی عفت شوند نصف مجازات زنان آزاد را خواهند داشت ، این اجازه (ازدواج با کنیزان) برای آنها است که (از نظر غریزه جنسی) شدیداً در زحمت باشند و اگر خودداری کنید برای شما بهتر است و صبر برای شما بهتر است و خداوند بخشنده و مهربان است» (۱).

این آیه شرایط ازدواج با کنیزان را بیان می‌کند ، نخست می‌گوید کسانی که قدرت ندارند که با زنان آزاد ازدواج کنند می‌توانند با کنیزانی ازدواج کنند که مهر و سایر مخارج آنها معمولاً سبک‌تر و سهل‌تر است . البته منظور از ازدواج با کنیزان این نیست که صاحب کنیز با کنیز ازدواج کند ، ۱- ۲۵ / نساء .

## ازدواج (۴۰)

بلکه با شرایط خاصی می‌تواند همانند همسر با او رفتار نماید ، بنابراین منظور از ازدواج افراد غیرمالک با کنیز است . ضمناً از تعبیری «مؤمنات» استفاده می‌شود که باید حتماً کنیز مسلمان باشد تا بتوان با او ازدواج کرد و بنابراین با کنیزان اهل کتاب ازدواج صحیح نیست .

جالب اینکه قرآن در این آیه از کنیزان تعبیر به «فتیات» کرده است که معمولاً این تعبیر آمیخته با احترام خاصی در مورد زنان است و غالباً در مورد دختران جوان به کار می‌رود.

از آنجا که بعضی در مورد ازدواج با کنیزان کراهت داشتند قرآن می‌گوید : «بعضی از بعض دیگرید» یعنی شما همه از یک پدر و مادر به وجود آمده‌اید بنابراین نباید از ازدواج با کنیزان که از نظر انسانی با شما هیچگونه تفاوتی ندارند و از نظر ارزش معنوی ارزش آنها مانند دیگران بسته به تقوی و پرهیزکاری آنان است ، کراهت داشته باشید .

## ازدواج (۴۱)

ولی «این ازدواج باید با اجازه مالک صورت گیرد» و بدون اجازه او باطل است و تعبیر از مالک به اهل اشاره به این است که آنها نباید با کنیزان خود همچون یک متاع رفتار کنند بلکه باید همچون سرپرست یک خانواده نسبت به فرزندان و اهل خود ، رفتاری کاملاً انسانی داشته باشند .

و همچنین قرآن می‌فرماید: «باید مهر متناسب و شایسته‌ای برای آنها قرار داد و آن را به خود آنان داد» و از تعبیر «بِالْمَعْرُوفِ»

(به‌طور شایسته) برمی‌آید که نباید در تعیین مهر آنها، ظلم و ستمی بر آنان شود بلکه حق واقعی آنها باید اداء گردد. و یکی دیگر از شرایط این ازدواج آن است که کنیزانی انتخاب شوند که مرتکب عمل منافی عفت، نگردند خواه به صورت آشکار بوده باشد «غَيْرِ مُسَافِحَاتٍ» و یا به صورت انتخاب دوست پنهانی (وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ).  
ازدواج (۴۲)

در اینجا ممکن است این سؤال پیش آید که با نهی از زنا، نیازی به نهی از گرفتن دوست پنهانی نبوده است؟ ولی با توجه به اینکه جمعی در جاهلیت عقیده داشتند که تنها زنا آشکار ناپسند است اما انتخاب دوست پنهانی مانعی ندارد! روشن می‌شود که چرا قرآن مجید به هردو قسمت تصریح کرده است.

خداوند در پایان این آیه می‌فرماید: «این ازدواج با کنیزان برای کسانی است که از نظر گزینه جنسی شدیداً در فشار قرار گرفته‌اند و قادر به ازدواج با زنان آزاد نیستند» بنابراین برای غیر آنها مجاز نیست و خودداری کردن از ازدواج با کنیزان تا آنجا که توانایی داشته باشند که دامانشان آلوده گناه نشود را به نفع دانسته است.

ولی باید توجه داشت که آنچه در مورد کنیزان در غیر مورد ضرورت ممنوع است ازدواج با آنهاست نه آمیزش جنسی از راه مالکیت.

ازدواج (۴۳)

چنانچه در آیه ۳۲ سوره نور می‌خوانیم:

قابل توجه است که در آیه مورد بحث به هنگامی که سخن ازدواج مردان و زنان بی‌همسر به میان می‌آید، به طور کلی دستور می‌دهد برای ازدواج آنان اقدام کنید اما هنگامی که نوبت به بردگان می‌رسد، آن را مقید به «صالح بودن» می‌کند.

جمعی از مفسران (مانند نویسنده «تفسیر المیزان» و همچنین «تفسیر مافی») آن را به معنی صلاحیت برای ازدواج تفسیر کرده‌اند، در حالی که اگر چنین باشد، این قید در مورد مردان و زنان آزاد نیز لازم است. بعضی دیگر گفته‌اند که منظور از صالح بودن، از نظر اخلاق و اعتقاد است چراکه صالحان از اهمیت ویژه‌ای در این امر برخوردار هستند ولی باز جای این سؤال باقی است که چرا در غیر بردگان این قید نیامده است؟

ازدواج (۴۴)

احتمال می‌دهیم منظور چیز دیگری باشد و آن اینکه در شرایط زندگی آن روز بسیاری از بردگان در سطوح پائینی از فرهنگ و اخلاق قرار داشتند، به طوری که هیچگونه مسئولیتی در زندگی مشترک احساس نمی‌کردند اگر باین حال اقدام به تزویج آنها می‌شد، همسر خود را به آسانی رها می‌کردند، لذا دستور داده شده است در مورد آنها که صلاحیت اخلاقی دارند، اقدام به ازدواج کنید و مفهومش این است که نخستین کوشش برای صلاحیت اخلاقی آنها شود تا آماده زندگی زناشویی شوند، سپس اقدام به ازدواجشان گردد.

### حکم ازدواج با زنان شوهردار و علت تحریم آن

«وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأَحَلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ... و زنان شوهردار (بر شما حرام است) مگر آنها را که مالک شده‌اید، این‌ها احکامی است که خداوند بر شما مقرر داشته و زنان  
ازدواج (۴۵)

دیگر غیر از این‌ها برای شما حلال است که با اموال خود آنها را اختیار کنید...» (۱).

خداوند در این آیه می‌فرماید که «ازدواج و آمیزش جنسی با زنان شوهردار نیز حرام است».

مقصود از «مُحْصِنَات» جمع «مُحْصِنَةٌ» از ماده «حَصَن» به معنی قلعه است و به همین مناسبت به زنان شوهردار و همچنین زنان عقیف و پاکدامن که از آمیزش جنسی با دیگران خود را حفظ می‌کنند و یا در تحت حمایت و سرپرستی مردان قرار دارند گفته می‌شود. این حکم اختصاص به زنان مسلمان ندارد بلکه زنان شوهردار از هر مذهب و ملّتی همین حکم را دارند یعنی ازدواج با آنها ممنوع است تنها استثنایی که این

۱- ۲۴ / نساء .

(۴۶) ازدواج

حکم خورده است در مورد زنان غیرمسلمانی است که به اسارت مسلمانان در جنگ‌ها درمی‌آیند و مسلمانان مالک آنها می‌شوند، اسلام اسارت آنها را به منزله طلاق از شوهران سابق تلقی کرده و اجازه می‌دهد بعد از تمام شدن عده آنها (یک بار قاعده شدن و یا اگر باردار باشند وضع حمل نمودن است) با آنان ازدواج کنند.

ولی این استثنا به اصطلاح «استثنای منقطع» است یعنی چنین زنان شوهرداری که در اسارت مسلمانان قرار می‌گیرند رابطه آنها به مجرد اسارت با شوهرانشان قطع می‌شود، درست همانند زن غیرمسلمان که با اسلام آوردن رابطه او با شوهر سابقش (در صورت ادامه کفر) قطع می‌شود و در ردیف زنان بدون شوهر قرار خواهند گرفت.

از اینجا روشن می‌شود که اسلام به هیچ وجه اجازه نداده است که مسلمانان

ازدواج (۴۷)

با زنان شوهردار حتی از ملل و مذاهب دیگر ازدواج کنند و به همین جهت «عده» بر آنها مقرر ساخته و در دوران عده از ارتباط زناشویی با آنها جلوگیری نموده است.

### حکم ازدواج با نامادری و علت تحریم آن

«وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا»: و ازدواج نکنید با زنانی که پدران شما با آنها ازدواج کرده‌اند، مگر آنها که در گذشته انجام شده است زیرا این کار عمل زشت و تنفرآوری است و روش نادرستی می‌باشد». (۱)

در زمان جاهلیت معمول بود که هرگاه کسی از دنیا می‌رفت و همسر و

۱- ۲۲ / نساء .

(۴۸) ازدواج

فرزندان از خود به یادگار می‌گذاشت در صورتی که آن همسر، نامادری فرزندان او بود، فرزندان نامادری را همانند اموال او به ارث می‌بردند و با او ازدواج می‌کردند، پس از اسلام، حادثه‌ای برای یکی از مسلمانان پیش آمد و آن اینکه: یکی از انصار بنام «ابوقیص» از دنیا رفت فرزندش به نامادری خود پیشنهاد ازدواج نمود، آن زن گفت: من تو را فرزند خود می‌دانم و چنین کاری را شایسته نمی‌بینم ولی با این حال از پیامبر کسب تکلیف می‌کنم، سپس موضوع را خدمت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله عرض کرد و کسب تکلیف نمود، آیه فوق نازل شد و از این کار به شدت نهی کرد.

در حقیقت این آیه خط بطلان به یکی از اعمال ناپسند دوران جاهلیت می‌کشد و می‌گوید: «با زنانی که پدران شما با آنها ازدواج کرده‌اند، ازدواج نکنید» و اما از آنجا که هیچ قانونی معمولاً شامل گذشته نمی‌شود، اضافه می‌فرماید: «مگر

ازدواج (۴۹)

ازدواج‌هایی که پیش از این انجام شده است».



سپس برای تأکید مطلب، سه تعبیر شدید درباره این نوع ازدواج بیان می‌فرماید:

نخست اینکه می‌گوید: این عمل، کار بسیار زشتی است و بعد اضافه می‌فرماید: عملی است که موجب تنفر در افکار عموم مردم است یعنی طبع بشر آن را نمی‌پسندد و در پایان می‌فرماید: روش نادرستی است.

روشن است که این حکم به خاطر مصالح و فلسفه‌های مختلفی مقرر شده، زیرا ازدواج با نامادری از یک سو همانند ازدواج با مادر است چون نامادری در حکم مادر دوم محسوب می‌شود و از سوی دیگر تجاوز به حریم پدر و هتک احترام او است.

و از همه گذشته این عمل، تخم نفاق را در میان فرزندان یک شخص

(۵۰) ازدواج

می‌باشد زیرا ممکن است بر سر تصاحب نامادری میان آن‌ها اختلاف واقع شود.

حکم ازدواج با دو خواهر در یک زمان و علت تحریم آن

«... وَ أَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا: ... و نیز حرام است بر شما اینکه جمع میان دو خواهر کنید مگر آنچه در گذشته واقع شده است خداوند آمرزنده و مهربان است.» (۱)

در این قسمت آیه بیان شده که ازدواج با دو خواهر در یک زمان واحد مجاز نیست و جمع در میان دو خواهر ممنوع است بنابراین اگر با دو خواهر یا بیشتر در زمان‌های مختلف و بعد از جدایی از خواهر قبلی انجام گیرد مانعی ندارد،

و از آنجا که در زمان جاهلیت جمع میان دو خواهر رایج بود و افرادی مرتکب چنین ازدواج‌هایی شده بودند قرآن بعد از جمله فوق می‌گوید: «این حکم عطف به گذشته نمی‌شود و کسانی که قبل از نزول این قانون چنین ازدواجی انجام داده‌اند کیفر و مجازاتی ندارند، اگرچه اکنون باید یکی از آن دو را انتخاب کنند و دیگری را رها کنند».

۱- ۲۳ / نساء .

ازدواج (۵۱)

رمز اینکه اسلام از چنین ازدواجی جلوگیری کرده شاید این باشد که دو خواهر به حکم نسب و پیوند طبیعی نسبت به یکدیگر علاقه شدید دارند ولی به هنگامی که رقیب هم شوند طبعاً نمی‌توانند آن علاقه سابق را حفظ کنند و به این ترتیب یک نوع تضاد عاطفی در وجود آنها پیدا می‌شود، که برای زندگی آنها زیان بار است، زیرا دائماً انگیزه «محبت» و انگیزه «رقابت» در وجود آنها در حال کشمکش و مبارزه‌اند.

ازدواج (۵۲)

### حکم ازدواج با محارم و علت تحریم آن

«حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَ بَنَاتُكُمْ وَ أَخَوَاتُكُمْ وَ عَمَّاتُكُمْ وَ خَالَاتُكُمْ وَ بَنَاتُ الْأَخِ وَ بَنَاتُ الْأُخْتِ وَ أُمَّهَاتُكُمْ اللَّائِيَّاتِ أَرْضَ عُنُقِكُمْ وَ أَخَوَاتُكُمْ مِنَ الرِّضَاعِ وَ أُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَ رَبَائِكُمْ اللَّائِيَّاتِ فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّائِيَّاتِ دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَ حَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَ أَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا: حرام شده است بر شما مادرانتان و دختران و خواهران و عمه‌ها و خاله‌ها و دختران برادر و دختران خواهر شما و مادر اینکه شما را شیر داده‌اند و خواهران رضاعی شما و مادران همسر و دختران همسران که در دامان شما پرورش یافته‌اند از همسر اینکه با آنها آمیزش جنسی داشته‌اید و چنانچه آمیزش جنسی با آنها نداشته‌اید (دختران آنها) برای شما مانعی ندارد و همسرهای پسرانتان که از نسل شما هستند (نه)

## ازدواج (۵۳)

پسرخوانده‌ها) و نیز حرام است بر شما اینکه جمع میان دو خواهر کنید مگر آنچه در گذشته واقع شده خداوند آمرزنده و مهربان است». (۱)

در این آیه به محارم یعنی زنانی که ازدواج با آنها ممنوع است اشاره شده است و براساس آن محرمیت از سه راه ممکن است پیدا شود:

- ۱- ولادت که از آن تعبیر به «ارتباط نسبی» می‌شود.
  - ۲- از طریق ازدواج که به آن «ارتباط سببی» می‌گویند.
  - ۳- از طریق شیرخوارگی که به آن «ارتباط رضاعی» می‌گویند.
- نخست اشاره به محارم نسبی که هفت دسته هستند کرده و می‌گوید: «مادران شما و دخترانتان و خواهرانتان و عمه‌ها و خاله‌هایتان و دختران برادر و دختران خواهرانتان بر شما حرام شده‌اند،
- ۱- ۲۳ / نساء .

## ازدواج (۵۴)

باید توجه داشت که منظور از مادر فقط آن زنی که انسان بلاواسطه از او تولد شده، نیست بلکه جدومادر جدّه و مادر پدر و مانند آنها را شامل می‌شود، همانطور که منظور از دختر، تنها دختر بلاواسطه نیست بلکه دختر و دختر پسر و دختر دختر و فرزندان آن‌ها را نیز در بر می‌گیرد و همچنین است در مورد پنج دسته دیگر.

ناگفته پیداست که همه افراد طبعاً از این گونه ازدواج‌ها تنفر دارند و به همین دلیل همه اقوام و ملل ازدواج با محارم را ممنوع می‌دانند.

از این گذشته امروز این حقیقت ثابت شده که ازدواج افراد همخون با یکدیگر خطرات فراوانی دارد یعنی بیماری نهفته و ارثی را آشکار و تشدید می‌کند.

به علاوه در میان محارم جاذبه و کشش جنسی معمولاً وجود ندارد زیرا محارم غالباً با هم بزرگ می‌شوند و برای یکدیگر یک موجود عادی و معمولی هستند.

## ازدواج (۵۵)

پس به محارم رضاعی اشاره کرده می‌فرماید: «و مادرانی که شما را شیر می‌دهند و خواهران رضاعی شما بر شما حرامند». گرچه قرآن در این قسمت از آیه تنها به دو دسته یعنی خواهران و مادران رضاعی اشاره کرده ولی طبق روایات فراوانی که در دست است محارم رضاعی منحصر به این‌ها نیستند بلکه طبق حدیث معروف که از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده: «تمام کسانی که از نظر ارتباط نسبی حرامند از نظر شیرخوارگی نیز حرام می‌شوند» البته میزان شیرخوارگی که تأثیر در محرمیت کند و همچنین شرایط و کیفیت آن در زیر بیان شده است.

اول: بچه شیر زن زنده را بخورد. دوم: شیر آن زن از حرام نباشد. سوم: بچه شیر را از پستان بمکد. چهارم: شیر، خالص و با چیز دیگر مخلوط نباشد.

## ازدواج (۵۶)

پنجم: شیر از یک شوهر باشد. ششم: بچه به واسطه مرض شیر را قی نکند و اگر قی کند، بنا بر احتیاط واجب کسانی که به واسطه شیر خوردن به آن بچه محرم می‌شوند، باید با او ازدواج نکنند. هفتم: پانزده مرتبه، یا یک شبانه روز شیر سیر بخورد یا مقداری شیر به او بدهند که بگوئید از آن شیر استخوانش محکم شده و گوشت در بدنش روئیده است. هشتم: دو سال بچه تمام نشده

باشد و اگر بعد از تمام شدن دو سال، او را شیر بدهند به کسی محرم نمی‌شود. (۱)

فلسفه تحریم محارم رضاعی این است که با پرورش گوشت و استخوان آنها با شیر شخص معینی شباهت به فرزندان او پیدا می‌کند، مثلاً زنی که کودکی را به اندازه‌ای شیر می‌دهد که بدن او با آن شیر نمو مخصوصی می‌کند یک نوع شباهت در میان آن کودک و سایر فرزندان آن زن پیدا می‌شود و در حقیقت هر کدام جزئی از بدن آن مادر محسوب می‌گردند و همانند دو برادر نسبی هستند.

۱- توضیح المسائل، آیت‌الله صانعی.

#### ازدواج (۵۷)

و در آخرین مرحله اشاره به دسته سوم از محارم کرده و آنها را تحت چند عنوان بیان می‌کند.

۱- «وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ: و مادران همسرانتان» یعنی به مجرد اینکه زنی به ازدواج مردی در آمد و صیغه عقد جاری گشت مادر او و مادر مادر او و ... بر او حرام ابدی می‌شوند.

۲- «وَرَبَائِبُكُمُ اللَّائِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّائِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ: و دختران همسرانتان که در دامان شما قرار دارند به شرط اینکه با آن همسر آمیزش جنسی پیدا کرده باشید» یعنی تنها با عقد شرعی یک زن «دختران او» که از شوهر دیگری بوده‌اند بر شوهر حرام نمی‌شوند، بلکه مشروط بر این است که علاوه بر عقد شرعی با آن زن همبستر هم شده باشد.

#### ازدواج (۵۸)

۳- «وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ: و همسران فرزندانتان که از نسل شما هستند».

در حقیقت تعبیر «حَلَائِلُ» از ماده «حَلَّ» به معنی زنی است که بر انسان حلال است و با مردی در یک محل زندگی و آمیزش جنسی دارد و تعبیر «مِنْ أَصْلَابِكُمْ» برای این است که روی یکی از رسوم غلط دوران جاهلیت خط بطلان کشیده شود، زیرا در آن زمان معمول بود افرادی را به عنوان فرزند خود انتخاب می‌کردند یعنی کسی که فرزند شخص دیگری بود به نام فرزند خود می‌خواندند و فرزند خوانده مشمول تمام احکام فرزند حقیقی بود و به همین دلیل با همسران فرزندخوانده خود ازدواج نمی‌کردند، فرزندخواندگی و احکام آن در اسلام به کلی بی‌اساس است.

#### ازدواج (۵۹)

۴- «وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ: و برای شما جمع در میان دو خواهر ممنوع است» یعنی ازدواج با دو خواهر در زمان واحد مجاز نیست.

### حکم ازدواج با زنان بیوه

«وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ: و کسانی از شما که می‌میرند و همسرانی باقی می‌گذارند، باید چهار ماه و ده روز انتظار بکشند (و عده نگه دارند) و هنگامی که به آخر مدتشان رسیدند، گناهی بر شما نیست که هر چه می‌خواهند، درباره خودشان به طور شایسته انجام دهند (و با مرد دلخواه خود ازدواج کنند) و خدا به آن چه عمل می‌کنید، آگاه است». (۱)

#### ازدواج (۶۰)

یکی از مسائل و مشکلات اساسی زنان، ازدواج بعد از مرگ شوهر است. از آنجا که ازدواج فوری زن با همسر دیگر بعد از مرگ شوهر با محبت و دوستی و حفظ احترام شوهر سابق و تعیین خالی بودن رحم از نطفه همسر پیشین، سازگار نیست و به علاوه موجب جریحه‌دار ساختن عواطف بستگان متوفی است آیه فوق ازدواج مجدد زنان را مشروط به نگه داشتن عده به مدت چهارماه و ده روز ذکر کرده است.

۱- ۲۳۴ / بقره .

## ازدواج (۶۱)

رعایت حریم زندگانی زناشویی حتی بعد از مرگ همسر موضوعی است فطری و لذا همیشه در قبایل مختلف آداب و رسوم گوناگونی برای این منظور بوده است به عنوان نمونه بعضی از قبایل پس از مرگ شوهر، زن را آتش زده و یا بعضی او را با مرده دفن می‌کردند و پاره‌ای از قبایل زن‌ها موظف بودند مدتی کنار قبر شوهر زیر خیمه سیاه با لباس‌های مندرس و کثیف، دور از هرگونه آرایش و زیور، شب و روز خود را بگذرانند. (۱)

آیه فوق بر تمام این خرافات و جنایات خطّ بطلان کشیده و به زنان بیه اجازه می‌دهد بعد از نگهداری عده و حفظ حریم زوجیت گذشته، اقدام به ازدواج کنند ولی به زنان یادآوری می‌کند که آنها از آزادی خود سوءاستفاده نکنند و به طور شایسته (بِالْمَعْرُوفِ) برای انتخاب شوهر جدید اقدام نمایند.

طبق روایاتی که از پیشوایان اسلام رسیده است، زنان موظفند در این مدت شکل سوگواری خود را حفظ کنند، یعنی مطلقاً آرایش نکنند، ساده باشند و البته فلسفه نگهداری این چنین عده‌ای نیز همین را ایجاب می‌کند.

۱- اسلام و عقاید و آراء بشری، صفحه ۶۱۷.

## ازدواج (۶۲)

همچنین آغاز عده، مرگ شوهر نیست بلکه موقعی است که خبر مرگ شوهر به زن می‌رسد، هر چند بعد از ماه‌ها باشد و این خود می‌رساند که تشریح این حکم قبل از هرچیز به خاطر حفظ احترام و حریم زوجیت است. اگرچه مسأله بارداری احتمالی زن در این قانون مسلماً مورد توجه بوده است.

چنانچه در آیه بعدی می‌فرماید:

«وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْنَنْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ وَلَكِنْ لَا تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا وَلَا تَعْرِضُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّى يَبْلُغَ الْكِتَابَ أَجَلَهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ : و بر شما گناهی نیست که (در عده وفات)،

## ازدواج (۶۳)

بطور سربسته (و محترمانه) از این زنان خواستگاری کنید، یا (این خواست قلبی را) در درونتان پوشیده دارید. خدا می‌داند که شما (به پیوند با آنان می‌اندیشید و) از آنان یاد خواهید کرد؛ (بر این تمایل و یاد کرد، گناهی نیست). اما (هرگز) با آنان قول و قرار نهانی نگذارید، مگر آنکه سخنی پسندیده گویند؛ و آهنگ پیوند زناشویی نکنید، تا آن مدت مقرر بسر آید. و بدانید که خدا آنچه را در درون شما (نهفته) است، می‌داند؛ از این رو، از (نافرمانی) او بترسید و بدانید که خدا بسیار آمرزنده و بردبار است» (۱).

«عَرَّضْتُمْ»: از باب «تعریض» است که به گفتار توأم با اشاره و کنایه گفته می‌شود. درست در برابر گفتار صحیح و ریشه آن «عرض» به معنای «جانب» است.

۱- ۲۳۵ / بقره .

## ازدواج (۶۴)

«خِطْبَةُ»: خواندن و دعوت کردن برای عقد.

«أَكْنَنْتُمْ»: پوشیده داشتید.

«سِرًّا»: به طور نهانی و محرمانه و پشت پرده.

قرآن کریم پس از ترسیم عده وفات و وظایف زنان در این مورد، مقررات و وظایف مربوط به مردان را برمی‌شمارد.

در این آیه شریفه، خواستگاری علنی در دوران عده وفات به روشنی نهی شده، اما خواستگاری با کنایه و اشاره و سر بسته روا است. «لَا تَعْرُؤُوا» از ماده «عَزم» به معنی قصد است و هنگامی که می‌فرماید: «وَلَا تَعْرُؤُوا عُقَدَةَ النِّكَاحِ» در واقع نهی از انجام عقد ازدواج به صورت مؤکد است، یعنی حتی نیت چنین کاری را در زمان عده نکنید.

ازدواج (۶۵)

این دستور در واقع برای آن است که هم حریم ازدواج سابق حفظ شده باشد و هم زنان بیوه از حق تعیین سرنوشت آینده خود محروم نگردند، دستوری که هم عادلانه است و هم توأم با حفظ احترام طرفین.

در حقیقت این یک امر طبیعی است که با فوت شوهر، زن به سرنوشت آینده خود فکرمی‌کند و مردانی نیز ممکن است - به خاطر شرایط سهل‌تر که زنان بیوه دارند - در فکر ازدواج با آنان باشند، از طرفی باید حریم زوجیت سابق نیز حفظ شود، آنچه در بالا آمد، دستور حساب شده‌ای است که همه این مسائل در آن رعایت شده است.

جمله «وَلَكِنْ لَا تُوَاعِدُوهُنَّ سِتْرًا» می‌فهماند که علاوه بر لزوم خودداری از خواستگاری آشکار، نباید در خفا و پنهانی با چنین زنانی در مدت عده ملاقات کرد و با صراحت خواستگاری نمود، مگر اینکه صحبت به گونه‌ای باشد که با آداب اجتماعی و موضوع مرگ شوهر سازش داشته باشد، یعنی در پرده و با کنایه صورت گیرد.

ازدواج (۶۶)

در روایات اسلامی در تفسیر این آیه برای خواستگاری کردن به طور سر بسته و به اصطلاح قرآن «قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ» مثال‌هایی ذکر شده، به عنوان نمونه در حدیثی از امام صادق می‌خوانیم که فرمود: «قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ» این است که مثلاً مرد به زن مورد نظرش بگوید: اِنِّی فِیکَ لِرَاغِبٌ وَاِنِّی لِلنِّسَاءِ لَمُکْرِمٌ فَلَا تَسْبِقِیْنِی بِنَفْسِکَ: من به تو علاقه دارم، زنان را گرامی می‌دارم، در مورد کار خود از من پیشی مگیر. (۱)

نکته قابل توجه اینکه گرچه آیه فوق بعد از آیه وفات قرار گرفته، ولی فقهاء تصریح کرده‌اند که حکم بالا، مخصوص عده وفات نیست، بلکه شامل غیر آن نیز می‌شود.

۱- نورالثقلین، جلد ۱، صفحه ۲۳۲، حدیث ۹۰۵.

ازدواج (۶۷)

مرحوم صاحب «حدائق» فقیه معروف می‌گوید: اصحاب ما تصریح کرده‌اند که تعریض و کنایه نسبت به خواستگاری در مورد زنی که در عده رجعی است، حرام می‌باشد. اما نسبت به زن مطلقه غیر رجعی هم از سوی شوهرش و هم از سوی دیگران جایز است، ولی تصریح به آن، برای هیچ کدام جایز نیست.

اما در عده بائن، تعریض از ناحیه شوهر و دیگران جایز است ولی تصریح تنها از سوی شوهر جایز است نه دیگری، شرح بیشتر این موضوع در کتب فقهی مخصوصاً در ادامه کلام صاحب «حدائق» آمده است. (۱)

سپس در ادامه آیه می‌فرماید: «ولی در هر حال عقد نکاح را نبندید تا عده آنها به سر آید».

۱- «حدائق»، جلد ۲۴، صفحه ۹۰.

ازدواج (۶۸)

و به طور مسلم اگر کسی در عده، عقد ازدواج را ببندد، باطل است، بلکه اگر آگاهانه این کار را انجام دهد، سبب می‌شود آن زن برای همیشه نسبت به او حرام گردد.

و به دنبال آن می‌فرماید: «بدانید که خداوند آنچه در دل دارید، را می‌داند، از مخالفت او بپرهیزید و بدانید که خداوند آمرزنده دارای جلم است».

سپس در ادامه آیه می‌فرماید: «این دستوری است که تنها افرادی از شما که ایمان به خدا و روز قیامت دارند و می‌توانند تمایلات خود را کنترل کنند از آن پند می‌گیرند».

و باز برای تأکید بیشتر می‌گوید: که این برای پاکی و نموّ خانواده‌های شما مؤثرتر و برای شستن آلودگی‌ها مفیدتر است و این را خدا می‌داند و شما نمی‌دانید و قابل توجه اینکه عمل به این دستورها موجب تزکیه و هم موجب طهارت معرفی شده است.

ازدواج (۶۹)

### دستورات مهم در امر ازدواج با زنان مهاجر و زنان کافر

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمْ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَأَمْتَحِنُوهُنَّ / اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ / فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ / لَا هُنَّ حِلٌّ لَهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ / وَآتُوهُنَّ مَا أَنْفَقُوا / وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ / وَلَا تُمَسِّكُوا بِعَصَمِ الْكُوفَرِ / وَاسْتَلُوا مَا أَنْفَقْتُمْ وَلْيَسْئَلُوا مَا أَنْفَقُوا / ذَلِكَمْ حُكْمُ اللَّهِ / يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ / وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ : ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که زنان با ایمان به عنوان هجرت نزد شما آیند، آن‌ها را آزمایش کنید - خداوند از ایمان آن‌ها آگاه‌تر است - هرگاه آنان را مؤمن یافتید، آن‌ها را به سوی کفار بازنگردانید، نه آن‌ها برای کفار حلالند و نه کفار برای آن‌ها حلال و آن‌چه را همسران آن‌ها (برای ازدواج با این زنان)

ازدواج (۷۰)

پرداخته‌اند، به آن‌ها بپردازید و گناهی بر شما نیست که با آن‌ها ازدواج کنید، هرگاه مهرشان را به آن‌ها بدهید و هرگز همسران کافر را در همسری خود نگه ندارید (و اگر کسی از زنان شما کافر شد و به بلاد کفر فرار کرد) حق دارید مهری را که پرداخته‌اید، مطالبه کنید، همان‌گونه که آن‌ها حق دارند مهر زنانشان را که از آنان جدا شده‌اند، از شما مطالبه کنند، این حکم خداوند است که در میان شما حکم می‌کند و خداوند دانا و حکیم است» (۱).

۱- اولین دستور درباره آزمایش «زنان مهاجرات» است، دستور به امتحان، با اینکه آن‌ها را مؤمنان نامیده به خاطر آن است که آن‌ها ظاهراً شهادتین را بر زبان جاری می‌کردند و در سلب اهل ایمان بودند اما امتحان برای این بود که اطمینان حاصل شود که این ظاهر با باطن هماهنگ است اما نحوه این امتحان به این ترتیب بوده که آن‌ها را سوگند به خدا می‌دادند که مهاجرتشان جز برای قبول اسلام نبوده و آن‌ها باید سوگند یاد کنند که به خاطر دشمنی با همسر و یا علاقه به مرد دیگری یا علاقه به سرزمین مدینه و مانند آن، هجرت ننموده‌اند.

۱- ۱۰ / ممتحنه .

ازدواج (۷۱)

۲- در دستور بعد می‌فرماید: « فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ ... »

با وجود اینکه یکی از مواد تحمیلی پیمان حدیبیه این بود که افرادی را که به عنوان مسلمان از مکه به مدینه هجرت می‌کردند، به مکه بازگردانند، اما این ماده شامل زمان نمی‌شد، لذا پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله هرگز آن‌ها را به کفار بازنگرداند. کاری که اگر انجام می‌شد با توجه به ضعف فوق‌العاده زنان در آن جامعه سخت خطرناک بود.

۳- درسومین مرحله که درحقیقت دلیلی است برای حکم قبل، می‌گوید: «لَا هُنَّ ... لَهُنَّ» باید همچنین باشد چراکه ایمان و کفر در

یک جا جمع نمی‌شود و پیمان

## ازدواج (۷۲)

مقدس ازدواج نمی‌تواند میان مؤمن و کافر رابطه‌ای برقرار سازد چرا که این‌ها در دو خط مستقیم قرار دارند در حالی که پیمان ازدواج باید نوعی وحدت در میان دو زوج برقرار سازد و این دو با هم سازگار نیست .

۴- از آنجا که معمول عرب بود که مهریه زنان خود را قبلاً می‌پرداختند : در چهارمین دستور می‌افزاید : « وَ أَتَوْهُمْ ... أَنْفَقُوا » .

درست است که شوهرشان کافر است اما چون اقدام بر جدایی به وسیله ایمان از طرف زن شروع شده ، عدالت اسلامی ایجاب می‌کند که خسارات همسرش خصوصاً مهریه وی پرداخته شود .

اما چه کسی باید این مهر را بپردازد ؟

ظاهر این است که این کار برعهده حکومت اسلامی و بیت‌المال است ؟ چرا که تمام اموری که مسئول خاصی در جامعه اسلامی ندارد ، برعهده حکومت

## ازدواج (۷۳)

است و «خصاب» جمع در آیه فوق گواه این است .

۵- در حکم دیگری می‌فرماید : «وَلَا جُنَاحَ...» .

مبادا تصور کنید که چون قبلاً مهری از شوهر سابق گرفته‌اند و معادل آن از بیت‌المال به شوهرشان پرداخته شده ، اکنون که با آنها ازدواج می‌کنید دیگر مهری در کار نیست و برای شما مجرانی تمام می‌شود ، نه ، حرمت زن ایجاب می‌کند که در ازدواج جدید نیز مهر مناسبی برای او در نظر گرفته شود .

همچنین باید توجه داشت که در اینجا زن بدون طلاق از شوهر کافر جدا می‌شود ، ولی باید عده نگه دارد .

۶- اما قضیه هرگاه برعکس باشد ، یعنی شوهر اسلام را بپذیرد و زن بر کفر باقی بماند ، در اینجا نیز رابطه زوجیت به هم می‌خورد و نکاح فسخ می‌شود چنانچه در ادامه همین آیه می‌فرماید : « وَلَا ..... الْكُوفِرِ » .

## ازدواج (۷۴)

«عَصِيْمٌ» جمع «عصمت» در اصل به معنی «منع» و در اینجا به معنی «نکاح زوجیت» است و البته بعضی تصریح کرده‌اند که منظور نکاح دائم است .

«كُوفِرٌ» جمع «کافر» به معنی «زنان کافر» است .

در اینکه آیا این حکم مخصوص زنان مشرک است و یا اهل کتاب مانند زنان مسیحی «یهودی» ، ... را شامل می‌شود در میان فقها محل بحث است ولی ظاهر آیه مطلق است و همه زنان کافر را شامل می‌شود .

۷- در آخرین حکم که در آیه ذکر شده ، سخن از مهر زنانی است که از اسلام جدا می‌شوند و به اهل کفر می‌پیوندند ، می‌فرماید : « وَ اسْتَلُّوا ..... مَا أَنْفَقُوا » و این مقتضای عدالت و احترام به حقوق متقابل است .

و در پایان آیه به عنوان تأکید می‌فرماید : « ذَلِكُمْ ... »

این‌ها همه احکامی است که همه از علم الهی سرچشمه گرفته و آمیخته با

## ازدواج (۷۵)

حکمت است و حقوق همه افراد در آن منظور شده است و توجه به این حقیقت که همه از سوی خدا است بزرگ‌ترین ضمانت اجرایی برای این احکام محسوب می‌شود .

## ازدواج با زنان مطلقه

« وَ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُوهُنَّ لَوْ هُنَّ آنَ يَنْكِحْنَ إِذَا تَرَاضُوا بَيْنَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ ذَلِكَ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَمْ أَزْوَاجٌ لَكُمْ وَأَطْهَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ : و هنگامی که زنان را طلاق دادید و عده خود را به پایان رسانیدند ، مانع آن‌ها نشوید که با همسران ( سابق ) خویش ازدواج کنند ، اگر در میان آنان به طرز پسندیده‌ای تراضی برقرار گردد ، این دستوری است که تنها افرادی از شما که ایمان به خدا و روز قیامت دارند ، از آن پند می‌گیرند ( و به آن عمل می‌کنند ) ، این (دستور) برای رشد

(۷۶) ازدواج

(خانواده‌های) شما مؤثرتر و برای شستن آلودگی‌ها مفیدتر است و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید». (۱)

در زمان جاهلیت زنان در زنجیر اسارت مردان بودند و بی‌آنکه به اراده و تمایل آنان توجه شود مجبور بودند زندگی خود را طبق تمایلات مردان خود کامه تنظیم کنند.

از جمله در مورد انتخاب همسر ، به خواسته و میل زن هیچ گونه اهمیتی داده نمی‌شد ، حتی اگر زن با اجازه ولی ازدواج می‌کرد ، پس از همسرش جدا می‌شد ، باز پیوستن ثانوی او به همسر اول بستگی به اراده مردان فامیل داشت و بسیار می‌شد با اینکه زن و شوهر بعد از جدایی علاقه به بازگشت داشتند مردان خویشاوند روی پندارها و موهوماتی مانع می‌شدند ، قرآن صریحا این روش را محکوم کرده می‌گوید : «هنگامی که زنان را طلاق دادید ، عده خود را به پایان رسانیدند ، مانع آنها نشوید که با همسران (سابق) خویش ازدواج کنند اگر در میان آنها رضایت به طرز پسندیده‌ای حاصل شود» .

۱- ۲۳۲ / بقره .

ازدواج (۷۷)

این در صورتی است که مخاطب در این آیه اولیاء و مردان خویشاوند باشد ولی این احتمال نیز داده شده است که مخاطب در آن ، همسر اول باشد ، یعنی هنگامی که زنی را طلاق دادید ، مزاحم ازدواج مجدد او با شوهران دیگر نشوید ، زیرا بعضی از افراد لجاج هم در گذشته و هم در امروز بعد از طلاق دادن زن ، نسبت به ازدواج با همسر دیگری حساسیت به خرج می‌دهند که چیزی جز یک اندیشه جاهلی نیست .

ضمنا بلوغ اجل در آیه مورد بحث به قرینه ازدواج مجدد منظور پایان کامل عده است .

ازدواج (۷۸)

بنابراین از آیه استفاده می‌شود که زنان «نَبِيَّهٌ» (آنان که حداقل یک بار ازدواج کرده‌اند) ، در ازدواج مجدد خود هیچ گونه نیازی به جلب موافقت اولیاء ندارند ، حتی مخالفت آنها نیز بی‌اثر است .

## عَلَّتْ هَايَ مَحْدُودِيَّتِ فِي زَوْجَانِ فِي الْقُرْآنِ

« يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذَيِّبَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُبُلَ الدِّينِ مِنَ قَبْلِكُمْ وَيَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ : خداوند می‌خواهد (با این دستورها راه‌های خوشبختی و سعادت) برای شما آشکار سازد و به سنت‌های صحیح پیشینیان رهبری کند و شما را از گناه پاک سازد و خداوند دانا و حکیم است». (۱)

۱- ۲۶ / نساء .

ازدواج (۷۹)



« وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يُتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا : و خدا می خواهد شما را ببخشد و از آلودگی پاک نماید ، اما آنها که پیرو شهواتند می خواهند شما به کلی منحرف شوید» . (۱)

« يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا : خدا می خواهد کار را بر شما سبک کند و انسان ، ضعیف آفریده شده» . (۲)

به دنبال احکام مختلف گذشته در زمینه ازدواج و قیود و شروط که در آیات بیان شده این سؤال در ذهن منعکس می شود ، که منظور از این همه محدودیت ها و قید و بندهای قانونی چیست ؟

۱- ۲۷ / نساء .

۲- ۲۸ / نساء .

(۸۰) ازدواج

آیات فوق در حقیقت پاسخ به این سؤالات می دهد و می گوید : «خداوند می خواهد به وسیله این مقررات حقایق را برای شما آشکار سازد و به راههایی که مصالح و منافع شما در آن است ، شما را رهبری کند وانگهی شما در این برنامه تنها نیستید ، اقوام پاک گذشته نیز این گونه سنت ها داشته اند ، به علاوه خدا می خواهد شما را ببخشد و نعمت های خود را که بر اثر انحرافات شما قطع شده باردیگر به شما بازگرداند» . و مجددا تأکید می کند که «خدا به وسیله این احکام می خواهد نعمت ها و برکاتی که بر اثر آلودگی به شهوات از شما قطع شده ، به شما بازگردد ، ولی شهوت پرستانی که در امواج گناهان غرق هستند ، می خواهند شما از طریق سعادت به کلی منحرف شوید» و همانند آنها از فرق تا قدم آلوده گناهان گردید .

اکنون شما فکر کنید ، آیا آن محدودیت آمیخته با سعادت و افتخار برای شما بهتر است یا این آزادی و بی بند و باری توأم با آلودگی و نکبت !؟

ازدواج (۸۱)

این آیات در حقیقت به افرادی که در عصر و زمان ما نیز به قوانین مذهبی مخصوصا در زمینه مسائل جنسی ایراد می کنند ، پاسخ می گوید ، که این آزادی های بی قید و شرط سرابی بیش نیست و نتیجه آن انحراف عظیم از مسیر خوشبختی و تکامل انسانی و گرفتار شدن در بیراهه ها و پرتگاه ها است که نمونه های زیادی از آن را با چشم خودمان به شکل متلاشی شدن خانواده ها ، انواع جنایات جنسی ، فرزندان نامشروع ، انواع بیماری های آمیزشی ، ناراحتی های روانی ، مشاهده می کنیم .

همچنین در آیه بعدی اشاره به این نکته می کند که «حکم سابق درباره آزادی ازدواج با کنیزان تحت شرایطی معین در حقیقت یک نوع تخفیف و توسعه محسوب می شود زیرا انسان اصولاً موجود ضعیفی است و در برابر طوفان غرایز گوناگون که از هر سو به او حمله ور می شود باید طرق مشروعی برای ارضای غرایز به او ارائه شود تا بتواند خود را از انحراف حفظ کند .

ازدواج (۸۲)

## ازدواج موقت

یکی از قوانین درخشان اسلام از دیدگاه مذهب جعفری این است که ازدواج به دو نحوی تواند صورت بگیرد: دائم، موقت، که درباره ای از آثار مشابهند و در قسمتی اختلاف دارند که برای فهم علت وضع این قانون در اسلام ، اشاره به این شباهت ها و اختلاف ها در قسمت ذیل شده است :

اختلاف ها : در ازدواج موقت زن و مرد تصمیم می گیرند ازدواج آنها تا مدت معینی ادامه داشته باشد و پس از آن اگر مایل بودند ، تمدید کنند و گرنه از هم جدا می شوند . تفاوت اصلی دو نوع ازدواج در آزادی بیشتر ازدواج موقت است : مثلاً در ازدواج دائم مرد باید متحمل خرج زن شود ؛ زن خواه ناخواه باید مرد را بعنوان رئیس خانواده بپذیرد و دستوراتش را در حدود مصالح خانواده

اطاعت کند اما در ازدواج موقت این موارد بستگی به پیمانی دارد که مرد و زن با هم می‌بندند. در ازدواج دائم، زن و شوهر از هم ارث می‌برند، اما در موقت چنین نیست. در دائم هیچ‌یک بدون جلب رضایت دیگری حق جلوگیری از بچه‌دار شدن را ندارد، اما در موقت جلب رضایت طرف دیگر برای این کار ضروری نیست.

ازدواج (۸۳)

شباهت‌ها: فرزند ناشی از ازدواج موقت فرقی با فرزند ناشی از ازدواج دائم ندارد. مهر در هر دو لازم است با این تفاوت که عدم آن در موقت موجب بطلان عقد می‌شود، اما در دائم بدون باطل کردن عقد مهرالمثل تعیین می‌شود، در هر دو، مادر و دختر زوجه بر زوج و پدر و پسر زوج بر زوجه حرام و محرم می‌گردند و نیز جمع بین دو خواهر در هر دو مورد جایز نیست، خواستگاری هم از زوجه دائم و هم از زوجه غیردائم بر دیگران حرام است و زنای با هر یک موجب حرمت ابدی می‌شود. در هر دو مورد، زن باید عده نگه دارد با این تفاوت که عده زن دائم سه‌نوبت عادت ماهانه است و عده زن موقت دونوبت یا چهل و پنج روز (۱).

ازدواج (۸۴)

«... فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا : ... و زنانی را که متعه می‌کنید مهر آنها را، واجب است پردازید و گناهی بر شما نیست نسبت به آنچه با یکدیگر توافق کرده‌اید بعد از تعیین مهر، خداوند دانا و حکیم است.» (۲).

این قسمت از آیه فوق، اشاره به مسأله ازدواج موقت و به اصطلاح «متعه» است و می‌گوید: «زنانی را که متعه می‌کنید مهر آنها را به عنوان یک واجب باید پردازید» و از آن استفاده می‌شود که اصل تشریح ازدواج موقت، قبل از نزول این آیه برای مسلمانان مسلم بوده که در این آیه نسبت به پرداخت مهر آنها توصیه می‌کند.

۱- استاد شهید مطهری.

۲- ۲۳ / نساء.

ازدواج (۸۵)

و از آنجا که این بحث یکی از مباحث مهم تفسیری و فقهی و اجتماعی است لازم است از چند جهت مورد بررسی قرار گیرد.

۱- قرائنی که در آیه فوق وجود دارد دلالت آن را بر ازدواج موقت تأکید می‌کند.

۲- ازدواج موقت در عصر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بوده و بعداً نسخ شده است.

۳- ضرورت اجتماعی این نوع ازدواج.

۴- پاسخ به پاره‌ای از اشکالات.

درباره قسمت اول باید توجه داشت که: اولاً کلمه «مُتَّعَهُ» که «اسْتَمْتَعْتُمْ» از آن گرفته شده است در اسلام به معنی ازدواج موقت است و به اصطلاح در این باره حقیقت شرعی می‌باشد، گواه آن این است که این کلمه (متعه) با همین معنی در روایات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و کلمات صحابه مکرر به کار برده شده است.

ازدواج (۸۶)

ثانیاً: اگر این کلمه به معنی مزبور نباشد باید به معنی لغوی آن یعنی «بهره‌گیری» تفسیر شود در نتیجه معنی آیه چنین خواهد شد: «اگر از زنان دائم بهره گرفتید مهر آنها را پردازید» در حالی که می‌دانیم پرداختن مهر مشروط به بهره‌گیری از زنان نیست بلکه تمام مهر بنا به مشهور یا حداقل نیمی از مهر به مجرد عقد ازدواج دائم، واجب می‌شود.

ثالثاً: بزرگان «اصحاب» و «تابعین» (۱) مانند ابن عباس دانشمند و مفسر معروف اسلام و گروه زیادی از مفسران اهل

تسنن و تمام مفسران اهل بیت علیهم‌السلام همگی از آیه فوق، حکم ازدواج موقت را فهمیده‌اند.

۱- کسانی که بعد از «صحابه» روی کار آمدند و زمان پیامبر را درک نکردند.

ازدواج (۸۷)

رابعاً: ائمه اهل بیت که به اسرار وحی از همه آگاه‌تر بودند، متفقاً آیه را به همین معنی تفسیر نموده‌اند و روایات فراوانی در این زمینه نقل شده است از جمله:

از امام صادق علیه‌السلام نقل شده که فرمود: «حکم متعه در قرآن نازل شده و سنت پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بر طبق آن جاری گردیده است». (۱)

و از امام محمد باقر علیه‌السلام نقل شده است که فرمود: «قرآن مجید در این باره (متعه) سخن گفته آنجا که می‌فرماید: فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً». (۲)

و از امام باقر علیه‌السلام نیز نقل شده است که در پاسخ شخصی بنام عبدالله بن

۱- نورالثقلین، جلد ۱، صفحه ۴۶۷.

۲- نورالثقلین، جلد ۱، صفحه ۴۶۷.

(۸۸) ازدواج

عمیر لثی در مورد متعه فرمود: «خداوند آن را در قرآن و بر زبان پیامبرش حلال کرده است و آن تا روز قیامت حلال می‌باشد» (۱).

### آیا حکم ازدواج موقت نسخ شده است؟

اتفاق عموم علمای اسلام بلکه ضرورت دین بر این است که ازدواج موقت در آغاز اسلام مشروع بوده و حتی مسلمانان در آغاز اسلام به آن عمل کرده‌اند و جمله معروفی که از عمر نقل شده «دو متعه در زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بود که من آنها را حرام کردم و بر آنها مجازات می‌کنم، متعه زنان و حج تمتع» (۲) دلیل روشنی بر وجود این حکم در عصر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله است منتها مخالفان این حکم، مدّعی هستند که بعداً نسخ و تحریم شده است.

۱- تفسیر برهان، صفحه ۳۶۰، جلد ۱.

۲- کنزالعرفان، جلد ۲، صفحه ۱۵۸.

ازدواج (۸۹)

اما جالب توجه اینکه روایاتی که درباره نسخ حکم مزبور ادّعا می‌کنند کاملاً مختلف و پریشان است.

قدر مسلم این است که اصل مشروع بودن این حکم و این نوع ازدواج در زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله قطعی است و هیچ‌گونه دلیل قابل اعتمادی درباره نسخ شدن آن در دست نیست بنابراین طبق قانون مسلمی که در علم اصول به ثبوت رسیده باید حکم به بقاء این قانون کرد.

جمله مشهوری که از عمر نقل شده نیز گواه روشنی است در این حقیقت که این حکم در زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله هرگز نسخ شده است.

بدیهی است هیچ‌کس جز پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله حق نسخ احکام را ندارد و تنها او است که می‌تواند به فرمان خدا پاره‌ای از احکام را نسخ کند و بعد از رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله باب نسخ به کلی مسدود می‌شود و گرنه هر کسی می‌تواند به اجتهاد خود قسمتی

(۹۰) ازدواج

از احکام الهی را نسخ کند و دیگر چیزی بنام شریعت ابدی باقی نخواهد ماند و اصولاً اجتهاد در برابر سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله اجتهاد در مقابل نص است که فاقد هرگونه اعتبار می‌باشد.

جالب اینکه در صحیح ترمذی که از کتب صحاح معروف اهل تسنن است می‌خوانیم: کسی از اهل شام از عبدالله بن عمر درباره متعه سؤال کرد او در جواب صریحاً گفت: این کار حلال و خوب است. مرد شامی گفت: پدر تو از این عمل نهی کرده است، عبدالله بن عمر برآشفت و گفت: اگر پدرم از چنین کاری نهی کرد و پیامبر صلی الله علیه و آله آن را اجازه دهد آیا سنت مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله را رها کنم و از گفته پدرم پیروی کنم؟ برخیز و از نزد من دور شو!». (۱).

۱- شرح لعمه، جلد ۲، کتاب النکاح.

ازدواج (۹۱)

### ازدواج موقت یک ضرورت اجتماعی

این یک قانون کلی و عمومی است که اگر به غرایز طبیعی انسان به صورت صحیحی پاسخ گفته نشود برای اشباع آنها متوجه طرق انحرافی خواهد شد زیرا این حقیقت قابل انکار نیست که غرایز طبیعی را نمی‌توان از بین برد و فرضاً هم بتوانیم از بین ببریم، چنین اقدامی عاقلانه نیست زیرا این کار یک نوع مبارزه با قانون آفرینش است.

بنابراین راه صحیح آن است که آنها را از طریق معمولی اشباع و از آنها در مسیر سازندگی بهره‌برداری کنیم و این موضوع را نیز نمی‌توان انکار کرد که گزینه جنسی یکی از نیرومندترین غرایز انسانی است.

اکنون این سؤال پیش می‌آید که در بسیاری از شرایط و محیط‌ها، افراد فراوانی در سنین خاصی قادر به ازدواج دائم نیستند، یا افراد متأهل در مسافرت‌های طولانی و یا مأموریت‌ها با مشکل عدم ارضای گزینه جنسی رو به رو می‌شوند.

ازدواج (۹۲)

این موضوع مخصوصاً در عصر ما که سن ازدواج بر اثر طولانی شدن دوره تحصیل و مسائل پیچیده اجتماعی بالا رفته و کمتر جوانی می‌تواند در سنین پایین یعنی در داغ‌ترین دوران گزینه جنسی اقدام به ازدواج کند، شکل حادثی به خود گرفته است.

با این وضع چه باید کرد؟ آیا باید مردم را به سرکوب کردن این گزینه تشویق نمود همانند رهبان‌ها؟ و یا اینکه آنها را در برابر بی‌بند و باری جنسی آزاد گذاشت و همان صحنه‌های زننده و ننگین را مجاز دانست که همان پذیرفتن کمونیسیم جنسی است که به یک پسر اجازه داده شود از صدها دختر کام بگیرد و به یک دختر اجازه داده شود با ده‌ها پسر ارتباط نامشروع داشته باشد و چندین بار سقط جنین کند، در آن صورت آیا چنین پسران و دخترانی با چنین روابطی پس از ازدواج دائم، مرد زندگی و زن خانواده خواهند بود؟ البته که جواب منفی است.

ازدواج (۹۳)

و یا اینکه راه سومی را در پیش گیریم که نه مشکلات ازدواج دائم را به بار آورد و نه آن بی‌بند و باری جنسی را؟ خلاصه اینکه: «ازدواج دائم» نه در گذشته و نه در امروز به تنهایی جوابگوی نیازمندی‌های جنسی همه طبقات مردم نبوده و نیست و ما بر سر دو راهی قرار داریم یا باید «فحشاء» را مجاز بدانیم و یا حکم ازدواج موقت را بپذیریم.

طرح ازدواج موقت نه شرایط سنگین ازدواج دائم را دارد که با عدم تمکن مالی یا اشتغالات تحصیلی و مانند آن نسازد و نه زیان‌های فجایع جنسی و فحشاء را دربردارد.

ازدواج (۹۴)

## ایرادهایی که بر ازدواج موقت وارد می‌شود

۱- گاهی گفته می‌شود چه تفاوتی میان «ازدواج موقت» و «فحشاء» وجود دارد؟ هر دو «خودفروشی» در برابر پرداختن مبلغی محسوب می‌شود و در حقیقت این نوع ازدواج نقابی است بر چهره فحشاء و آلودگی‌های جنسی! تنها تفاوت آن دو در ذکر دو جمله ساده یعنی اجرای صیغه است.

- آنچه از مفهوم ازدواج موقت به دست می‌آید این است که ازدواج موقت تنها با گفتن دو جمله تمام نمی‌شود بلکه مقرراتی همانند ازدواج دائم دارد، یعنی چنان زنی در تمام مدت ازدواج موقت، منحصرأ در اختیار این مرد باید باشد و به هنگامی که مدت پایان یافت باید عده نگاه دارد، یعنی حداقل چهل و پنج روز باید از اقدام به هرگونه ازدواج با شخص دیگری خودداری کند. تا اگر از مرد اول باردار شده وضع او روشن گردد، حتی اگر با وسایل جلوگیری اقدام به جلوگیری از انعقاد نطفه کرده بازهم رعایت این مدت واجب است و اگر از او صاحب فرزندی شد باید همانند فرزند ازدواج دائم مورد حمایت او قرار گیرد و تمام احکام فرزند بر او جاری خواهد شد، در حالی که در فحشاء هیچ‌یک از این شرایط و قیود وجود ندارد.

ازدواج (۹۵)

۲- ازدواج موقت سبب می‌شود که افراد بی‌سرپرست همچون فرزندان نامشروع تحویل جامعه داده شود و باعث شود فرزندان از حمایت پدری و مادری محروم بمانند؟

- ازدواج موقت این تفاوت را با ازدواج دائم دارد که در دائم هیچ‌یک بی‌رضایت دیگری نمی‌تواند از زیر بار تناسل شانه خالی کند، اما در موقت هر دو طرف آزادانه می‌توانند از بچه‌دار شدن جلوگیری کنند و همچنین تفاوتی بین فرزند در این دو ازدواج نیست و فرزندان ازدواج موقت کمترین و کوچک‌ترین تفاوتی با فرزندان ازدواج دائم حتی در میراث و سایر حقوق اجتماعی ندارند و اگر فرضاً پدر یا مادر از وظیفه خود امتناع کنند قانون آنها را مکلف و مجبور می‌کند.

ازدواج (۹۶)

۳- «ازدواج موقت» سبب می‌شود که بعضی از افراد هوسباز از این قانون سوء استفاده کرده و هرگونه فحشاء را در پشت پرده انجام دهند تا آنجا که افراد محترم هرگز تن به ازدواج موقت نمی‌دهند و زنان با شخصیت از آن ابا دارند؟

- اگر فرضاً عده‌ای از زیارت خانه خدا سوء استفاده کردند و در این سفر اقدام به فروش مواد مخدر کردند آیا باید جلو مردم را از شرکت در این کنگره عظیم اسلامی بگیریم یا جلو سوء استفاده کنندگان را!

و اگر ملاحظه می‌کنیم که امروز افراد محترم از این قانون اسلامی کراهت دارند، عیب قانون نیست، بلکه عیب عمل کنندگان به قانون و یا صحیح‌تر، سوء استفاده کنندگان از آن است، اگر در جامعه امروز هم ازدواج موقت به صورت سالم درآید و حکومت اسلامی تحت ضوابط و مقررات خاص، این موضوع را به طور صحیح پیاده کند هم جلو سوء استفاده‌ها گرفته خواهد شد و هم افراد محترم به هنگام ضرورت‌های اجتماعی از آن کراهت نخواهند داشت.

ازدواج (۹۷)

۴- مجاز شمردن ازدواج موقت مساوی با تجویز تشکیل حرمسرا، بلکه تجویز هوسرانی است که به هر شکل و صورتی منافعی اخلاق و عامل سقوط و تباهی می‌باشد.

- این مسأله را باید از دو جنبه بررسی کرد یکی اینکه عامل تشکیل حرمسرا از جنبه اجتماعی چه بوده و دیگر اینکه آیا منظور از تشریح قانون ازدواج موقت، فراهم کردن وسیله هوسرانی و حرمسرا سازی برای عده‌ای از مردان است.

الف: علل اجتماعی حرمسراسازی: دو عامل در اینجا دخالت دارد، یکی تقوا و عفاف زن است؛ یعنی شرایط اخلاقی و اجتماعی محیط باید طوری باشد که به زنان اجازه ارتباط جنسی با چند مرد ندهد. در این شرایط مرد هوسرانی متمکن چاره خود را

منحصر در گردآوری گروهی از زنان نزد خود و تشکیل حرمسرا می‌داند .

#### ازدواج (۹۸)

عامل دیگر نبودن عدالت اجتماعی است که عده‌ای از مردان قادر به تشکیل عائله و داشتن همسر نیستند لذا عدد زنان مجرد افزایش یافته ، زمینه حرمسراسازی فراهم می‌گردد. لذا اگر عدالت اجتماعی و وسیله تشکیل عائله برای همه فراهم شود، قهرا هر زنی به یک مرد تعلق می‌گیرد و زمینه عیاشی و حرمسراسازی منتفی می‌شود .

ب : آیات شریع ازدواج موقت، برای تأمین هوسرانی است ؟ بلاشک ادیان آسمانی عموماً برضد هوسرانی و هواپرستی قیام کرده‌اند تا آنجاکه این امر در غالب ادیان به صورت تحمل ریاضت‌های شاق درآمده است اسلام نیز هواپرستی را در ردیف بت پرستی قرار داده و آدم ذواق را یعنی کسی که هدفش کامجویی از زنان گوناگون باشد ، ملعون معرفی کرده است . از نظر اسلام تمام غرایز انسان باید در حدود اقتضای طبیعت اشباع گردد. دنیای امروز ظاهراً رسم حرمسراسازی رانسخ کرده، اما برای این کار عامل عفاف و تقوای زن را از بین برده ، نه عامل ناهمواری‌های اجتماعی را ، یعنی زنان را هرجایی نموده و بزرگ‌ترین خدمت را از این راه به مردان هوسران انجام داده است .

#### ازدواج (۹۹)

### «راسل» و ازدواج موقت

برتراند راسل دانشمند معروف انگلیسی در کتاب زناشویی و اخلاق پس از طرح یکی از قضات محاکم جوانان بنام «بن بی لیندسی» در مورد «زناشویی دوستانه» چنین می‌نویسد : «که طبق طرح "لیندسی" جوانان باید قادر باشند در یک نوع زناشویی جدید وارد شوند که با زناشویی‌های معمولی (دائم) از سه جهت تفاوت دارد : نخست اینکه طرفین قصد بچه‌دار شدن نداشته باشند : از این رو باید بهترین طرق پیشگیری از بارداری را به آنها بیاموزند . دیگر اینکه جدائی آنها به آسانی صورت پذیرد، سوّم اینکه پس از طلاق، زن هیچگونه حق نفقه نداشته باشد» .

#### ازدواج (۱۰۰)

«راسل» بعد از ذکر پیشنهاد «لیندسی» که خلاصه آن در بالا بیان شده چنین می‌گوید : «من تصوّر می‌کنم که اگر چنین امری به تصویب قانونی برسد گروه کثیری از جوانان از جمله دانشجویان دانشگاه‌ها تن به ازدواج موقت بدهند و در یک زندگی مشترک موقتی پای بگذارند ، زندگی که متضمن آزادی است و رها از بسیاری از نابسامانی‌ها و روابط جنسی پرهرج و مرج فعلی می‌باشد» . (۱)

۱- کتاب زناشویی و اخلاق .

#### ازدواج (۱۰۱)

همانطور که ملاحظه می‌شود طرح فوق درباره ازدواج موقت از جهات زیادی همانند طرح اسلام است منتها شرایط و خصوصیات که اسلام برای ازدواج موقت آورده از جهات زیادی روشن‌تر و کامل‌تر است . در ازدواج موقت اسلامی هم جلوگیری از فرزند کاملاً بی‌مانع است و هم جداشدن آسان و هم نفقه واجب نیست .

### مذموم بودن تنوع‌طلبی و زن‌بارگی در روایات

در اینجا تذکر نکته مهمی خوب است و آن اینکه ازدواج موقت را سایر فرق اسلامی مجاز نمی‌شمارند . البته همه اتفاق نظر دارند که در صدر اسلام این امر مجاز بوده و خلیفه دوم «عمر» در زمان خود آن را تحریم کرده است ، مسلماً این علت ، امری موقتی

بیش نبود، ولی بعدها در اثر جریاناتی، سیره خلفای پیشین به عنوان یک برنامه ثابت تلقی شد، اینجا بود که ائمه اطهار به خاطر جلوگیری از ترک و فراموشی این سنت اسلامی به آن ترغیب و تشویق می‌کردند به نظر می‌رسد آنجا که ائمه اطهار علیهم‌السلام مردان زن دار را از ازدواج موقت منع کرده‌اند، به اعتبار حکمت و هدف اولی آن است که به مردم بگویند این قانون برای مردانی که احتیاجی به آن ندارند وضع نشده است و آنجا که عموم افراد را ترغیب کرده‌اند به خاطر آن حکمت ثانوی یعنی برای احیای این سنت متروکه بوده است. به هر حال آنچه مسلم است اینکه هرگز منظور اسلام از تشریح و منظور ائمه از ترغیب به ازدواج موقت، این نبوده که وسیله هوسرانی و حرم‌سازایی برای حیوان صفتان، یا وسیله بیچارگی برای عده‌ای از زنان اغفال شده و فرزندان بی‌سرپرست فراهم کنند. (۱)

به گونه‌ای که از امام علی علیه‌السلام نقل شده است که فرمود: «اگر عمر متعه را حرام نکرده بود جز افراد خبیث کسی مرتکب زنا نمی‌شد». (۱)

ازدواج (۱۰۲)

۱- نظام حقوق زن در اسلام، صفحه ۵۴.

ازدواج (۱۰۳)

تشویق به متعه گرفتن زیاد و در واقع زن‌بارگی و تنوع‌طلبی با فرهنگ اهل بیت و ائمه اطهار علیهم‌السلام مطابقت ندارد و بنابراین چگونه می‌تواند معقول باشد که امام صادق علیه‌السلام در پاسخ سؤال مربوط به محدودیت متعه به چهار زن بگوید: می‌توانی هزار زن متعه بگیری زیرا آنها زن کرایه‌ای هستند. در حالی که در برخی از روایات شدیداً از کسانی که زن دارند و در عین حال دنبال متعه می‌روند سرزنش شده و تصریح شده که حکمت تشریح متعه برای استفاده کسانی است که از داشتن زن محرومند که بدین وسیله هم نیاز جنسی آنها مرتفع می‌شود و هم دچار بی‌عفتی و بی‌بند و باری نمی‌گردند. برای روشن‌تر شدن مطلب بد نیست سه روایت گویا را در این زمینه نقل کنیم:

۱- شرح لعمه، جلد ۵، صفحه ۲۸۳.

ازدواج (۱۰۴)

۱- علی بن یقطین می‌گوید: از امام موسی بن جعفر علیه‌السلام در مورد متعه سؤال کردم حضرت فرمود: تو را با متعه چکار؟ در حالی که با داشتن زن خداوند تو را از متعه بی‌نیاز کرده است.

۲- فتح بن یزید می‌گوید: از موسی بن جعفر علیه‌السلام در مورد متعه سؤال کردم حضرت فرمود: حلال و مباح است برای کسی که با داشتن زن از آن بی‌نیاز نیست، اگر زن داشت در صورتی برایش مباح است که از زنش دور باشد.

۳- امام موسی بن جعفر علیه‌السلام به بعضی از دوستانش نوشت: امروز اصرار بر متعه نداشته باشید آنچه بر شما واجب است به پاداشتن سنت است بنابراین با روی آوردن زیاد به متعه از خانواده‌تان غافل نشوید که ممکن است کفر بورزند و بیزاری بجویند و بر کسی که به این سنت امر کرده نفرین کنند و ما را مورد لعن قرار دهند. (۱)

ازدواج (۱۰۵)

## تعدد زوجات

تک همسری، طبیعی‌ترین شکل زناشویی است که در آن هریک از زن و شوهر، احساسات و عواطف و منافع جنسی دیگری را فقط از آن خود می‌دانند نقطه مقابل تک همسری، چند همسری است که اسلام تعدد زوجات یا چند زنی را برخلاف چند شوهری و کمونیسم جنسی کاملاً نسخ و لغو نکرد، بلکه آن را مقید ساخت، یعنی از طرفی نامحدودی آن را از بین برد و برای آن

حداکثری قائل شد و از طرف دیگر شرایطی برایش گذاشت که به هر کس اجازه انتخاب همسران متعدد نداد .

۱- روایات از وسائل الشیعه ، جلد ۱۴ ، صفحه ۴۵۰ ، باب ۵ .

(۱۰۶) ازدواج

خداوند در آیه ذیل می‌فرماید :

« وَ اِنْ خِفْتُمْ اَلْاَ تَقْسَطُوا فِی الْیْتَامٰی فَاَنْکِحُوْا مَا طَابَ لَکُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثٰی وَ ثَلَاثٌ وَ رُبَاعٌ فَاِنْ خِفْتُمْ اَلَّا تَعْدِلُوْا فَوَاحِشَةً اَوْ مَا مَلَکَتْ اَیْمَانُکُمْ ذٰلِکَ اَذْنٰی الْاَلَّ تَعُوْلُوْا: و اگر می‌ترسید که (به هنگام ازدواج با دختران یتیم) رعایت عدالت درباره آنها نکنید ، با زنان پاکدامن ازدواج کنید ، دو یا سه یا چهار همسر و اگر می‌ترسید عدالت را رعایت نکنید تنها به یک همسر قناعت نمائید و یا از زنانی که مالک آنها هستید استفاده کنید ، این کار بهتر از ظلم و ستم جلوگیری می‌کند» . (۱)

«مثنی» در لغت به معنی «دوتا دوتا» و «ثلاث» به معنی «سه تا سه تا» و «رباع» به معنی (چهارتا چهارتا) می‌باشد و از آنجا که روی سخن در آیه به همه

۱- ۳ / نساء .

ازدواج (۱۰۷)

مسلمانان است معنی آیه چنین می‌شود که شما برای دوری از ستم کردن در حق دختران یتیم می‌توانید از ازدواج آنها خودداری کنید و با زنانی ازدواج کنید که موقعیت اجتماعی و فامیلی آنها به شما اجازه ستم کردن را نمی‌دهد و می‌توانید از آنها دو نفر یا سه نفر یا چهار نفر به همسری خود انتخاب کنید منتها چون مخاطب ، همه مسلمانان بوده است تعبیر به دو تا دو تا و مانند آن شده است و گرنه جای تردید نیست که حداکثر تعدد زوجات بیش از چهار نفر نیست آن هم با فراهم شدن شرایط خاصش .

به هر حال آیه فوق دلیل صریحی است بر مسأله جواز تعدد زوجات منتها با شرایط چون بلافاصله می‌گوید : این در صورت حفظ عدالت کامل است اما اگر نمی‌توانید عدالت را رعایت کنید به همان یک همسر اکتفا نمائید تا از ظلم و ستم بر دیگران برکنار باشید و یا به جای انتخاب همسر دوم از کنیزی که مال شما است استفاده کنید زیرا شرایط آنها سبک‌تر است .

ازدواج (۱۰۸)

### تعدد زوجات یک ضرورت اجتماعی است

آیه فوق مسأله تعدد زوجات را با شرایط سنگینی و در حدود معینی مجاز شمرده است و در اینجا با ایرادها و حملات مخالفان آن روبه‌رو می‌شویم که با مطالعات زودگذر و تحت احساسات حساب نشده به مخالفت با این قانون اسلامی برخاسته‌اند و ایراد می‌گیرند که اسلام به مردان اجازه داده برای خود حرمسرا بسازند و به طور نامحدود همسر بگیرند .

در حالی که نه اسلام اجازه تشکیل حرمسرا به آن معنی که آنها می‌پندارند داده و نه تعدد زوجات را بدون قید و شرط و نامحدود قرار داده است .

توضیح اینکه : با مطالعه وضع محیط‌های مختلف قبل از اسلام به این نتیجه می‌رسیم که تعدد زوجات به طور نامحدود امری عادی بوده و حتی بعضی از مواقع بت پرستان به هنگام مسلمان شدن بیش از ده زن و یا کمتر داشته‌اند بنابراین تعدد زوجات از پیشنهادها و ابتکارات اسلام نیست بلکه اسلام آن را در چهارچوب ضرورت‌های زندگی انسانی محدود ساخته و برای آن قیود و شرایط سنگین قائل شده است .

ازدواج (۱۰۹)

قوانین اسلام براساس نیازهای واقعی بشر دور می‌زند نه تبلیغات ظاهری و احساسات رهبری شده مسأله تعدد زوجات نیز از همین



زاویه در اسلام مورد بررسی قرار گرفته، زیرا هیچ کس نمی‌تواند انکار کند که مردان در حوادث گوناگون زندگی بیش از زنان در خطر نابودی قرار دارند و در جنگ‌ها و حوادث دیگر قربانیان اصلی را آن‌ها تشکیل می‌دهند.

و نیز نمی‌توان انکار کرد که عمر زندگی جنسی مردان، از زنان طولانی‌تر است زیرا زنان در سنین معینی آمادگی جنسی خود را از دست می‌دهند در حالی که در مردان چنین نیست.

(۱۱۰) ازدواج

و نیز زنان به هنگام عادت ماهانه و قسمتی از دوران حمل، عملاً ممنوعیت جنسی دارند در حالی که در مردان این ممنوعیت‌ها وجود ندارد.

از همه گذشته زنانی هستند که همسران خود را به علل گوناگونی از دست می‌دهند و معمولاً نمی‌توانند به عنوان همسر اول، مورد توجه مردان قرار گیرند و اگر مسأله تعدد زوجات در کار نباشد آنها باید برای همیشه بدون همسر باقی بمانند.

با در نظر گرفتن این واقعیت‌ها در این گونه موارد که تعادل میان مرد و زن به عللی بهم می‌خورد ناچاریم یکی از سه راه را انتخاب کنیم.

۱- مردان تنها به یک همسر در همه موارد قناعت کنند و زنان اضافی تا پایان عمر بدون همسر باقی بمانند و تمام نیازهای فطری و خواسته‌های درونی خود را سرکوب کنند.

ازدواج (۱۱۱)

۲- مردان فقط دارای یک همسر قانونی باشند ولی روابط آزاد و نامشروع جنسی را با زنان که بی‌شوهر مانده‌اند به شکل معشوقه برقرار سازند.

۳- کسانی که قدرت دارند بیش از یک همسر را اداره کنند و از نظر «جسمی» و «مالی» و «اخلاقی» مشکلی برای آنها ایجاد نمی‌شود و قدرت بر اجراء عدالت کامل در میان همسران و فرزندان خود دارند به آنها اجازه داده شود که بیش از یک همسر برای خود انتخاب کنند. مسلماً غیر از این سه راه، راه دیگری وجود ندارد.

- اگر بخواهیم راه اول را انتخاب کنیم باید با فطرت و غرایز و نیازهای روحی و جسمی بشر به مبارزه برخیزیم و عواطف و احساسات این گونه زنان را نادیده بگیریم، این مبارزه‌ای است که پیروزی در آن نیست.

به تعبیر دیگر مسأله تعدد همسر را در موارد ضرورت نباید تنها از دریچه

(۱۱۲) ازدواج

چشم همسر اول، مورد بررسی قرار داد، بلکه از دریچه چشم همسر دوم نیز باید مورد مطالعه قرار گیرد و آنها که مشکلات همسر اول را در صورت تعدد زوجات عنوان می‌کنند کسانی هستند که یک مسأله سه زاویه‌ای را تنها از دید یک زاویه نگاه می‌کنند زیرا مسأله تعدد همسر، هم از زاویه دید مرد و هم از زاویه دید همسر اول و هم از زاویه دید همسر دوم باید مطالعه شود و با توجه به مصلحت مجموع، در این باره قضاوت کنیم.

- و اگر راه دوم را انتخاب کنیم باید فحشاء را به رسمیت بشناسیم و تازه زنانی که به عنوان معشوقه مورد بهره‌برداری جنسی قرار می‌گیرند نه تأمین‌کننده دارند و نه آینده‌ای و شخصیت آنها در حقیقت لگدمال شده است و این‌ها اموری نیست که هر انسان عاقلی آن را تجویز کند.

- بنابراین تنها راه سوم باقی می‌ماند که هم به خواسته‌های فطری و نیازهای غریزی زنان پاسخ مثبت می‌دهد و هم از عواقب شوم فحشاء و نابسامانی زندگی این دسته از زنان برکنار است و جامعه را از گرداب گناه بیرون می‌برد.

ازدواج (۱۱۳)

البته باید توجه داشت که جواز تعدّد زوجات با اینکه در بعضی از موارد یک ضرورت اجتماعی است و از احکام مسلم اسلام محسوب می‌شود اما تحصیل شرایط آن در امروز با گذشته تفاوت بسیار پیدا کرده است، زیرا زندگی در سابق یک شکل ساده و بسیط داشت و لذا رعایت کامل مساوات بین زنان آسان بود و از عهده غالب افراد برمی‌آمد ولی در عصر و زمان ما باید کسانی که می‌خواهند از این قانون استفاده کنند مراقب عدالت همه‌جانبه باشند و اگر قدرت بر این کار دارند چنین اقدامی بنمایند و اساساً اقدام به این کار نباید از روی هوی و هوس باشد.

از همه این‌ها گذشته تمایل پاره‌ای از مردان را به تعدّد همسر نمی‌توان انکار کرد، این تمایل اگر جنبه هوس داشته باشد قابل ملاحظه نیست اما گاه می‌شود که بر اثر عقیم بودن زن و علاقه شدید مرد به داشتن فرزند، این تمایل را منطقی می‌کند و یا گاهی بر اثر تمایلات جنسی و عدم توانایی همسر اول برای انجام این خواسته‌گریزی، مرد، خود را ناچار به ازدواج دوم می‌بیند، حتی اگر از طریق مشروع انجام نشود از طریق نامشروع اقدام می‌کند. در این گونه موارد نیز نمی‌توان منطقی بودن خواسته مرد را انکار کرد.

#### ازدواج (۱۱۴)

البته نمی‌توان انکار کرد که تعدّد زوجات در این عصر مترادف تراکم مصیبت‌ها، تشدید بلیات، درد بی‌درمان جامعه است، در صورتی که تعدّد زوجات از نظر اسلام برای زوال مصیبت‌ها، تقلیل فاحشات، انسجام و نظام خانواده و تکثیر نسل جامعه مقزّر تشریح گردیده است، آری شهوت‌پرستی و زن‌بارگی شوهران، حسادت و خودخواهی زنان اول و مکاری زنان دوم، در این ازدواج (۱۱۵)

عصر سبب شده است که دستور مقدس اسلام و صریح آیه حکیمانه قرآن، از نظر مسلمانان غیر قابل عمل و حکمی ارتجاعی وانمود شود، در حالی که این عیب از قانون نیست و اعمال افراد را نباید به حساب دستورهای اسلام گذاشت، در اینجا باید گفت:

آبادی میخانه ز ویرانی ماست جمعیت کفر از پریشانی ماست

اسلام به ذات خود ندارد عیبی هر عیب که هست در مسلمانی ماست

در این جا این سؤال پیش می‌آید که ممکن است شرایط و کیفیاتی که در بالا گفته شد برای زن یا زنانی پیدا شود آیا در این صورت می‌توان به او اجازه داد که دو شوهر برای خود انتخاب کند؟

پاسخ: اولاً: میل جنسی در مردان به مراتب بیش از زنان است و از جمله ناراحتی‌هایی که در کتب علمی مربوط به مسائل جنسی درباره غالب زنان ذکر

#### ازدواج (۱۱۶)

می‌کنند مسأله «سردمزاجی» است درحالی که در مردان، موضوع برعکس است.

ثانیا: تعدّد همسر در مورد مردان هیچ‌گونه مشکل اجتماعی و حقوقی ایجاد نمی‌کند در حالی که درباره زنان اگر فرضاً دو همسر انتخاب کند، مشکلات فراوانی به وجود خواهد آمد که ساده‌ترین آنها مسأله مجهول بودن نسب فرزند است که معلوم نیست مربوط به کدام یک از دو همسر باشد و مسلماً چنین فرزندى مورد حمایت هیچ‌یک از مردان قرار نخواهد گرفت و فرزندى که پدر او مجهول باشد کمتر مورد علاقه مادر قرار خواهد گرفت و با این ترتیب چنین فرزندانى از نظر عاطفی در محرومیت مطلق قرار می‌گیرند و شاید نیاز به تذکر نداشته باشد که توسل به وسائل پیشگیری از انعقاد نطفه، هیچگاه اطمینان‌بخش نیست.

ثالثاً: بیش از یک شوهر داشتن، هم با طبیعت زن منافی است و هم با منافعتش،

#### ازدواج (۱۱۷)

روی این جهات، تعدد همسر برای زنان نمی‌تواند منطقی بوده باشد، درحالی که در مورد مردان با توجه به شرایط آن، هم منطقی است و هم عملی.

### منظور از عدالت درباره همسران چیست؟

آیا این عدالت مربوط به امور زندگی از قبیل هم‌خوابگی و وسایل زندگی و رفاه و آسایش است یا منظور عدالت در حریم قلب و عواطف انسانی نیز هست؟

شک نیست که «عدالت» در محبت‌های قلبی خارج از قدرت انسان است چه کسی می‌تواند محبت خود را که عواملی در بیرون وجود اوست از هر نظر تحت کنترل درآورد؟ به همین دلیل رعایت این نوع عدالت را خداوند واجب نشمرده و در آیه ۱۲۹ سوره نساء می‌فرماید: «شما هر قدر کوشش کنید نمی‌توانید در میان همسران خود از نظر تمایلات قلبی عدالت و مساوات برقرار سازید».

(۱۱۸) ازدواج

بنابراین محبت‌های درونی مادامی که موجب ترجیح بعضی از همسران بر بعضی دیگر از جنبه‌های عملی نشود ممنوع نیست، آنچه مرد موظف به آن است رعایت عدالت در جنبه‌های عملی و خارجی است.

### عدالت شرط تعدد زوجات است

«وَلَنْ تَسِيءُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُوهَا كَالْمَعْلَقَةِ وَإِنْ تُصِلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا: هرگز نمی‌توانید بین زنان برابری کامل برقرار سازید هرچند بر این کار حرص داشته باشید، پس میل را به یکطرف نکنید که زن دیگر را سرگردان کنید، اگر اصلاح کنید و تقوی پیشه کنید خداوند آمرزنده و مهربان است» (۱). ۱- ۱۲۹ / نساء.

ازدواج (۱۱۹)

این آیه حکم عدالت بین زنان را تشریح می‌کند و می‌فرماید شما نمی‌توانید عدالت را بین زنانان مراعات کنید در تمام امور و از جمیع جهات به خصوص از جهت دلبستگی و محبت قلبی که در اختیار انسان‌ها نیست و نباید تمام محبت را نسبت به یکی نمود و دیگری حیران بماند، نه شوهر داشته باشد و نه بیوه تا شوهر کند و تعدد زوجات زمانی جایز است که مساوات و عدالت بین آنها استوار گردد و اگر نتواند به یک‌زن قناعت کند.

در این جا این سؤال پیش می‌آید که مراعات عدالت حتی در مورد محبت و علاقه قلبی امکان‌پذیر نیست بنابراین درباره همسر متعدد چه باید کرد؟

آیه مورد بحث به این سؤال پاسخ می‌دهد که «عدالت از نظر محبت» در میان همسران امکان‌پذیر نیست، هرچند در این زمینه کوشش شود.

ازدواج (۱۲۰)

از جمله «وَلَوْ حَرَصْتُمْ» استفاده می‌شود که در میان مسلمانان، افرادی بودند که در این زمینه سخت کوشش می‌کردند و شاید علت کوشش آنها دستور مطلق به عدالت در این آیه بوده است آنجا که می‌فرماید:

«فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً» (۱).

از آنجا که محبت‌های قلبی، عوامل مختلفی دارد که بعضا از اختیار انسان بیرون است، دستور به رعایت عدالت در مورد آن داده

نشده است، ولی نسبت به اعمال و رفتار و رعایت حقوق در میان همسران که برای انسان امکان‌پذیر است روی عدالت تأکید شده است.

در عین حال برای اینکه مردان از این حکم، سوء استفاده نکنند به دنبال این جمله می‌فرماید:

۱- ۳ / نساء .

ازدواج (۱۲۱)

«اکنون که نمی‌توانید مساوات کامل را از نظر محبت، میان همسران خود، رعایت کنید حداقل تمام تمایل قلبی خود را متوجه یکی از آنان نسازید که دیگری به صورت بلا تکلیف درآید».

در روایات اسلامی مطالبی درباره عدالت در میان همسران نقل شده که عظمت این قانون را مشخص می‌سازد از جمله اینکه: در حدیثی می‌خوانیم حضرت علی علیه‌السلام در آن روزی که متعلق به یکی از دو همسرش بود، حتی وضوی خود را در خانه دیگری نمی‌گرفت. (۱)

و درباره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌خوانیم که حتی به هنگام بیماری در خانه یکی از همسران خود توقف نمی‌کرد. (۲)

۱- تفسیر تبیان، جلد ۳، صفحه ۳۵۰.

۲- تفسیر تبیان، جلد ۳، صفحه ۳۵۰.

ازدواج (۱۲۲)

و درباره «معاذبن جمل» نقل شده که دو همسر داشت و هر دو در بیماری طاعون با هم از دنیا رفتند، او حتی برای مقدم داشتن دفن یکی بر دیگری از قرعه استفاده کرد تا کاری برخلاف عدالت انجام نداده باشد. (۱)

### پاسخ به یک سؤال لازم در مورد تعدد زوجات

بعضی‌ها می‌گویند که تعدد زوجات مشروط به عدالت است و عدالت هم ممکن نیست، بنابراین تعدد زوجات در اسلام ممنوع است؟

اتفاقاً از روایات اسلامی برمی‌آید که نخستین کسی که این ایراد را مطرح کرده «ابن ابی العوجاء» از مآذین معاصر امام صادق علیه‌السلام بود که این ایراد را به

۱- تفسیر تبیان، جلد ۳، صفحه ۳۵۰.

ازدواج (۱۲۳)

هشام بن حکم دانشمند در میان گذاشت و او به خدمت امام صادق علیه‌السلام رسید و عرض کرد چنین سؤالی پیش آمده است.

امام در پاسخ فرمود: منظور از عدالت در آیه ۳ سوره نساء عدالت در نفقه و رعایت حقوق همسری و طرز رفتار و کردار است و اما منظور از عدالت که در آیه ۱۲۹ سوره نساء آمده و امری محال شمرده شده عدالت در تمایلات قلبی است بنابراین تعدد زوجات با حفظ شرایط اسلامی نه ممنوع است و نه محال. (۱)

بنابراین خداوند در این آیه صریحاً می‌فرماید: تمام تمایل قلبی خود را متوجه یک همسر نکنید و به این ترتیب انتخاب دو همسر را مجاز شمرده است منتها به شرط اینکه عملاً درباره یکی از آن دو ظلم نشود اگرچه از نظر تمایل قلبی نسبت به آنها تفاوت داشته باشد.

۱- تفسیر برهان، جلد ۱، صفحه ۴۲۰.

## ازدواج (۱۲۴)

نکته:

نکته‌ای که باید در اینجا ذکر شود این است که اسلام نه چند همسری را اختراع کرد و نه آن را نسخ نمود آنچه اسلام انجام داد این بود که برای این رسم اصلاحاتی پدید آورد از جمله:

اولین اصلاحی که اسلام در این زمینه به عمل آورد این بود که آن را محدود کرد، قبل از اسلام تعدد زوجات نامحدود بود و یک نفر به تنهایی می‌توانست چندین زن داشته باشد و حرمسراهایی به وجود آورد، ولی اسلام داشتن بیش از چهار زن را اجازه نداد. اصلاح دیگر اسلام در زمینه عدالت بود که اجازه نداد به هیچ‌وجه تبعیضی میان زنان یا فرزندان زنان مختلف صورت گیرد. و گذشته از شرط عدالت، شرایط و تکالیف دیگری نیز متوجه مرد است، مثلاً

## ازدواج (۱۲۵)

مردی حق تعدد زوجات دارد که امکانات مالی او به وی اجازه این کار را بدهد. همچنین امکانات جسمی و غریزی نیز به نوبه خود شرط است و در حدیث است که اگر کسی گروهی از زنان را به نزد خود گرد آورد که نتواند آنها را از لحاظ جنسی اشباع کند و آنها به زنا و فحشاء بیفتند، گناه این فحشاء به گردن اوست.

و همچنین معلوم شد که اسلام با تجویز تعدد زوجات قصد تحقیر زن را نداشت، بلکه می‌خواست حقوق او را حفظ کند و از ملعبه شدن وی به دست مردان جلوگیری کند. (۱)

## گوشه‌ای از فلسفه تعدد زوجات پیامبر

« يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَخْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ اللَّاتِي آتَيْتَ أَجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ

۱- استاد شهید مرتضی مطهری.

## ازدواج (۱۲۶)

مِمَّا آفَاءَ اللَّهِ عَلَيْكَ وَبَنَاتٍ عَمَّاتِكَ وَبَنَاتٍ خَالَكَ وَبَنَاتٍ خَالَاتِكَ اللَّاتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ وَأُمَّرَاءُ مَوْلَانَهُ أَنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْكُمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا: ای پیامبر! ما همسران تو را که مهرشان را پرداخته‌ای برای تو حلال کردیم و همچنین کنیزانی که از طریق غنایمی که خداوند به تو بخشیده است مالک شده‌ای و دختران عموی تو و دختران عمه‌ها و دختران دایی تو و دختران خاله‌ها که با تو مهاجرت کردند. هرگاه زنان باایمانی خود را به پیامبر ببخشند چنانچه پیامبر بخواهد می‌تواند با او ازدواج کند، اما چنین ازدواجی تنها برای تو مجاز است نه سایر مؤمنان، ما می‌دانیم برای آنها در مورد همسرانشان و کنیزانشان چه حکمی مقرر داشته‌ایم، این به خاطر آن است که مشکلی در ادای رسالت بر تو نبوده باشد و خداوند آمرزنده و مهربان است». (۱)

## ازدواج (۱۲۷)

خداوند در این آیه می‌فرماید: «این به خاطر آن است که مشکل و حرجی در ادای رسالت بر تو نبوده باشد».

جمله اخیر در آیه فوق در واقع اشاره به فلسفه این احکام مخصوص پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله است، این جمله می‌گوید: پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله شرایطی دارد که دیگران ندارند و همین تفاوت سبب تفاوت در احکام شده است.

به تعبیر روشن‌تر می‌گوید: هدف این بوده که قسمتی از محدودیت‌ها و مشکلات از دوش پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از طریق این احکام برداشته شود.

و این تعبیر لطیفی است که نشان می‌دهد ازدواج پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله با زنان متعدد و مختلف برای حل یک سلسله

مشکلات اجتماعی و سیاسی در زندگی او بوده است .

۱- ۵۰ / احزاب .

(۱۲۸) ازدواج

زیرا می‌دانیم هنگامی که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله ندای اسلام را بلند کرد تک و تنها بود و تا مدت‌ها جز عده محدود و کمی به او ایمان نیاوردند ، او بر ضد تنها معتقدات خرافی عصر خود قیام کرد و به همه اعلام جنگ داد ، طبیعی است که همه اقوام و قبایل آن محیط بر ضد او بسیج شوند .

بنابراین پیامبر باید از تمام وسایل برای شکستن اتحاد نامقدس دشمنان استفاده کند که یکی از آنها ایجاد رابطه خویشاوندی از طریق ازدواج با قبایل مختلف بود ، زیرا محکم‌ترین رابطه در میان عرب جاهلی رابطه خویشاوندی محسوب می‌شد و داماد قبیله را همواره از خود می‌دانستند و دفاع از او را لازم و تنها گذاشتن او را گناه می‌شمردند .

قرائن زیادی در دست است که نشان می‌دهد ازدواج‌های پیامبر لااقل در بسیاری از موارد جنبه سیاسی داشته است .

ازدواج (۱۲۹)

و بعضی ازدواج‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله مانند ازدواج با «زینب» برای شکستن سنت جاهلی بوده که در آیه ۳۷ سوره احزاب در این باره بیان شده است که در زمینه خودداری از ازدواج با همسران مطلقه پسرخوانده‌ها بوده است و این خود اشاره‌ای به یک مسأله کلی ازدواج‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله امر ساده‌ای نبود بلکه هدف‌هایی را تعقیب می‌کرد که در سرنوشت مکتب او اثر داشت .

و بعضی دیگر برای کاستن از عدوات ، یا طرح دوستی و جلب محبت اشخاص و یا اقوام متعصب و لجوج بوده است . روشن است کسی که در سن ۲۵ سالگی که عنفوان جوانی او بوده با زنی بیوه چهل ساله‌ای ازواج می‌کند و تا ۵۳ سالگی تنها به همین یک زن بیوه قناعت می‌نماید و به این ترتیب دوران جوانی خود را پشت سر گذاشته و به سن کهولت می‌رسد و بعد به ازدواج‌های متعددی دست می‌زند حتما دلیل و فلسفه‌ای دارد و با هیچ حسابی آن را نمی‌توان به انگیزه‌های علاقه جنسی پیوند داد ، زیرا با اینکه مسأله ازدواج متعدد در میان عرب در آن روز بسیار ساده و عادی بوده و هیچ گونه محدودیتی برای گرفتن همسری قائل نبودند برای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله ازدواج‌های متعدد در سنین جوانی نه مانع اجتماعی داشت و نه شرایط سنگین مالی و نه کمترین نقصی محسوب می‌شد .

ازدواج (۱۳۰)

جالب اینکه در تواریخ آمده است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله تنها با یک زن «باکره» ازدواج کرد و او «عایشه» بود بقیه همسران او همه زنان بیوه بودند که طبعاً نمی‌توانستند از جنبه‌های جسمی چندان تمایل کسی را برانگیزاند . (۱)

۱- بحارالانوار ، جلد ۲۲ ، صفحه ۱۹۱ .

ازدواج (۱۳۱)

حتی در بعضی از تواریخ می‌خوانیم که پیامبر با زنان متعددی ازدواج کرد و جز مراسم عقد انجام نشد و هرگز آمیزش با آنها نکرد ، حتی در مواردی تنها به خواستگاری بعضی از زنان قبایل قناعت کرد . (۱)

از سوی دیگر با اینکه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله مسلماً مرد عقیمی نبود ولی فرزندان کمی از او به یادگار ماند ، درحالی که اگر ازدواج‌ها به خاطر جذب جنسی این زنان انجام می‌شد باید فرزندان بسیاری از او به یادگار مانده بود .

و نیز قابل توجه است که بعضی از این زنان مانند عایشه هنگامی که به همسری پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله درآمد بسیار کم سن و سال بود و سال‌ها گذشت تا

۱- بحارالانوار، جلد ۲۲، صفحه ۱۹۲.

(۱۳۲) ازدواج

توانست یک همسر واقعی برای او باشد. این نشان می‌دهد که ازدواج با چنین دختری انگیزه‌های دیگری داشته و هدف اصلی همان‌ها بوده است که در بالا اشاره شد.

گرچه دشمنان اسلام خواسته‌اند ازدواج‌های متعدد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را دستاویز شدیدترین حملات مغرضانه قرار دهند و از آن افسانه‌های دروغین بسازند، ولی سن بالای پیامبر به هنگام این ازدواج‌های متعدد از یک سو و شرایط خاص سنی و قبیله‌ای این زنان از سوی دیگر و قرائن مختلفی که در بالا ذکر شد از سوی دیگر حقیقت را آفتابی می‌کند و توطئه‌های مغرضان را فاش می‌سازد.

«تُزَجِي مَنْ تَشَاءُ مِنْهُنَّ وَتُؤَيِّ إِلَيْكَ مَنْ تَشَاءُ وَ مَنْ ابْتَغَيْتَ مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ... هریک از همسران را بخواهی می‌توانی به تأخیر اندازی و

ازدواج (۱۳۳)

هر کدام را بخواهی نزد خود جای دهی، گناهی بر تو نیست...» (۱)

با توجه به اینکه ازدواج‌های متعدد پیامبر غالباً جنبه‌های سیاسی و اجتماعی و عاطفی داشته و در حقیقت جزئی از برنامه انجام رسالت الهی او بوده، ولی در عین حال گاه اختلاف میان همسران و رقابت‌های زنانه متداول آنها، طوفانی در درون‌خانه‌او برمی‌انگیخته و فکر او را به خود مشغول ساخته‌است.

این جا است که خداوند یکی دیگر از ویژگی‌ها را برای پیامبرش قائل شده و فرموده: «می‌توانی هریک از این زنان را بخواهی به تأخیر بیاندازی و هر کدام را بخواهی نزد خود جای دهی».

۱- ۵۱ / احزاب.

(۱۳۴) ازدواج

می‌دانیم که یکی از احکام اسلام در مورد همسران متعدد آن است که شوهر اوقات خود را در میان آنها به طور عادلانه تقسیم کند که این موضوع را در کتب فقه اسلامی به عنوان «حَقَّ قَسْمٍ» تعبیر می‌کنند.

یکی از خصایص پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله این بود که به خاطر شرایط خاص زندگی بحرانش مخصوصاً در زمانی که در مدینه بود و در هر ماه تقریباً یک جنگ بر او تحمیل می‌شد و در همین زمان همسران متعدد داشت، رعایت حَقَّ قَسْمٍ به حکم آیه فوق از او ساقط بود و می‌توانست هر گونه اوقات خود را تقسیم کند ولی در عین حال پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله حتی الامکان تساوی را در تقسیم اوقات خود رعایت می‌کرد.

ولی وجود همین حکم الهی آرامشی به همسران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و محیط زندگی داخلی او داد زیرا اولاً- این یک حکم عمومی درباره آنهاست و تفاوتی در کار نیست و ثانیاً حکمی است که از ناحیه خدا که برای مصالح مهمی تشریح شده بنابراین آنها باید با رفتار و رغبت به آن تن دهند و خشنود گردند.

ازدواج (۱۳۵)

همچنین باید در نظر گرفت که این حکم استثنایی دارد و پیامبر در این حکم مستثنی بوده و تقسیم اوقات به طور مساوی بر عموم مسلمانان واجب است.

**ازدواج فرزندان آدم**

« يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا: ای مردم! از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید، همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید و همسر او را (نیز) از جنس او خلق کرد و از آن دو، مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت و از خدایی بپرهیزید که (همگی به عظمت او معترفید) و هنگامی که چیزی از یکدیگر می‌خواهید، نام او را می‌برید (و نیز) از (قطع رابطه) با خویشاوندان خود، بپرهیز کنید

(۱۳۶) ازدواج

زیرا خداوند مراقب شماست». (۱).

در آیه فوق می‌خوانیم: « وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً: خداوند از آدم و همسرش مردان و زنان فراوانی به وجود آورد». لازم است این سخن آن است که فرزندان آدم (برادر و خواهر) با هم ازدواج کرده‌اند زیرا اگر آنها بانژاد دیگری ازدواج کرده باشند «مِنْهُمَا» (از آن دو) صادق نخواهد بود.

این موضوع در احادیث متعددی نیز وارد شده است و زیاد هم جای تعجب نیست چه اینکه طبق استدلالی که در بعضی از احادیث از ائمه اهل بیت علیهم السلام نقل شده این ازدواج‌ها مباح بوده زیرا هنوز حکم تحریم ازدواج خواهر و برادر نازل ۱-۱ / نساء.

ازدواج (۱۳۷)

نشده بود بدیهی است ممنوعیت یک کار، بسته به این است که از طرف خداوند تحریم شده باشد چه مانعی دارد که ضرورت‌ها و مصالح ایجاب کند که در پاره‌ای از زمان‌ها مطلبی جایز باشد و بعداً تحریم گردد. ولی در احادیث دیگری تصریح شده که فرزندان آدم هرگز با هم ازدواج نکرده‌اند و شدیداً به کسانی که معتقد به ازدواج آنها با یکدیگرند حمله شده است.

و اگر بنا باشد که در احادیث متعارض آن چه موافق ظاهر قرآن است ترجیح دهیم باید احادیث دسته اول را انتخاب نمود زیرا موافق آیه فوق است.

همچنین در اینجا احتمال دیگری نیز هست که گفته شود: فرزندان آدم با بازماندگان انسان‌های پیشین ازدواج کرده‌اند زیرا طبق روایاتی آدم اولین انسان روی زمین نبوده، مطالعات علمی امروز نیز نشان می‌دهد که نوع انسان احتمالاً از چند میلیون سال قبل در کره زمین زندگی می‌کرده، در حالی که از تاریخ پیدایش آدم تاکنون زمان زیادی نمی‌گذرد، بنابراین باید قبول کنیم که قبل از آدم انسان‌های دیگری در زمین می‌زیسته‌اند که به هنگام پیدایش آدم در حال انقراض بوده‌اند، چه مانعی دارد که فرزندان آدم با باقیمانده یکی از نسل‌های پیشین ازدواج کرده باشد ولی همان‌طور که گفته شد این احتمال با ظاهر آیه فوق چندان سازگار نیست.

ازدواج (۱۳۸)

### فرهنگ آماری کلمه نکاح در قرآن کریم

نکاح: سوره بقره؛ آیات ۲۳۵، ۲۳۰، ۲۲۸، ۲۲۳، ۲۲۱، ۱۸۷

سوره نساء: آیات ۱۲۷، ۲۵، ۱۹، ۶، ۴، ۳

سوره مائده: آیه ۵ سوره روم: آیه ۲۱

سوره مؤمنون: آیه ۶ سوره نحل: آیه ۷۲



سوره ممتحنه: آیه ۱۰ سوره نور: آیات ۲۶،۳۲،۳۳

سوره احزاب: آیات ۳۷،۴۹،۵۰

ازدواج (۱۳۹)

نکاح ارثی: سوره نساء، آیه ۱۹

نکاح الاماء: سوره نساء آیات ۳،۲۴،۲۵ و سوره نور آیه ۳۲ و سوره احزاب آیه ۵۰

نکاح اهل کتاب: سوره مائده آیه ۵

نکاح الایامی: سوره نور آیه ۳۲

نکاح المتعه: سوره نساء آیه ۲۴

نکاح الزانی: سوره نور آیات ۳،۲۶

نکاح المشرکات: سوره بقره آیه ۲۲۱ و سوره نور آیه ۳

نکاح المهاجرات: سوره احزاب آیه ۵۰ و سوره ممتحنه آیه ۱۰ و ۱۱

نکاح المؤمنات: سوره بقره آیه ۲۲۱

نکاح الیتامی: سوره نساء آیات ۶،۱۲۷

نکاح المحرم: سوره نساء آیات ۲۳،۲۴،۲۵،۲۶،۲۷،۲۸ و سوره مائده آیه ۵ و سوره نور آیه ۳ و سوره احزاب آیه ۶.

ازدواج (۱۴۰)

### بررسی ریشه لغوی کلمه عشق

در زبان عربی می‌گویند کلمه «عشق» در اصل از ماده «عَشَقَهُ» است. و عَشَقَهُ نام گیاهی است که در فارسی به آن پیچک می‌گویند که به هر چیز برسد دور آن می‌پیچد، مثلاً وقتی به یک گیاه دیگر می‌رسد دور آن چنان می‌پیچد که آن را تقریباً محدود و محصور می‌کند و در اختیار خودش قرار می‌دهد. یک چنین حالتی [در انسان پیدا می‌شود و اثرش این است که - بر خلاف محبت عادی - انسان را از حال عادی خارج می‌کند، خواب و خوراک را از او می‌گیرد، توجه را منحصر به همان معشوق می‌کند، یعنی یک نوع توحید و تأخُد و یگانگی در او به وجود می‌آورد، یعنی او را از همه چیز می‌بُرد و تنها به یک چیز متوجه می‌کند به طوری که همه چیزش او می‌شود. (۱)

۱ - مجموعه آثار شهید مطهری، جلد ۳، کتاب فطرت، انتشارات صدرا.

ازدواج (۱۴۱)

### تعریف عشق

علاقه به شخصی یا شیئی وقتی که به اوج شدت برسد به طوری که وجود انسان را مسخر کند و حاکم مطلق وجود او گردد «عشق» نامیده می‌شود. عشق اوج علاقه و احساسات است. ولی نباید پنداشت که آنچه به این نام (عشق) خوانده می‌شود، یک نوع است. دو نوع کاملاً مختلف است. آنچه از آثار نیک گفته شد مربوط به یک نوع آن است و امانوع دیگر آن کاملاً مخرب و مخالف دارد. (۱) (۲)

۱ - جاذبه و دافعه امام علی علیه السلام، صفحه ۵۱، انتشارات صدرا.

۲ - مراد استاد این است که در کتاب جاذبه و دافعه، صفحه ۴۹ توضیحی دادند که عشق را تقسیم می‌کند و می‌فرماید

: «عشق و محبت با قطع نظر از اینکه چه نوعی باشد (حیوانی جنسی باشد یا حیوانی نسلی یا انسانی باشد...)» .  
(۱۴۲) ازدواج

### تعریف دوّمی از عشق

به یک حالتی که زمام فکر و اراده انسان را می‌گیرد ، بر عقل و بر اراده تسلط پیدا می‌کند و لهذا حالتی می‌شود شبه جنون ، یعنی عقل را دیگر در آنجا حکمی نیست . یک چنین حالتی را عشق می‌نامند . عیب اساسی این حالت این است که از اختیار انسان خارج است . این قابل توصیه نیست . این مسأله که به نام عشق نامیده می‌شود نیز چنین است که اگر پیش‌آمد ممکن است یک کسی را خراب کند . [مراد عشق منفی است ممکن است هم کسی را آباد کند .] [مراد عشق حقیقی است ولی به هر حال یک امر قابل توصیه نیست . (۱)]

### نگاهی به موضوع عشق و ماهیت آن

انسان همیشه یک غریزه کلی نسبت به همسر دارد . مردی که در جستجوی  
۱ - مجموعه آثار شهید مطهری ، جلد ۳ ، کتاب فطرت ، انتشارات صدرا .  
ازدواج (۱۴۳)

زن است ، «عاشق» کلی است و همین طور زنی که در جستجوی شوهر است . ما خودمان [مراد استاد شهید است همیشه در باب عشق به این حرف می‌خندیم که بگویند کسی عاشق کلی طبیعی است . زیرا آدم نمی‌تواند عاشق کلی طبیعی باشد . انسان می‌تواند طالب کلی طبیعی مال باشد ، طالب کلی اتومبیل باشد ، ولی نمی‌تواند عاشق کلی طبیعی زن باشد . داستان آن غلامی که اربابش دید خیلی ناراحت است و مدتی است که روز به روز لاغر و لاغرتر و رنگش زردتر می‌شود . به او گفتند : آقا به درد این غلام برس . گفت : چی شده ؟ گفتند : غلام تو عاشق شده . ارباب غلام را خواست . گفت : «قضیه چیست؟» . غلام شروع کرد به گریه کردن . [ارباب گفت : دردت را بگو . غلام هی گریه می‌کرد . آخرش گفت عاشق شده‌ام . ارباب گفت : «عاشق کی؟» غلام گفت : «هر که را شما مصلحت  
(۱۴۴) ازدواج

بدانید» . انسان نمی‌تواند عاشق کسی باشد که دیگری مصلحت بداند . (۱)

نظریات مختلف درباره ماهیت عشق

نظریات مختلفی در این باره داده شده است . بعضی خودشان را با این کلمه خلاص کرده‌اند که این یک بیماری است ، یک ناخوشی است ، یک مرض است . این نظریه ، می‌توان گفت فعلاً تابع و پیرو ندارد که عشق را صرفاً یک بیماری بدانیم . نه تنها بیماری نیست بلکه می‌گویند یک موهبت است ، آنگاه مسأله اساسی در اینجا این است که آیا عشق به طور کلی یک نوع بیشتر نیست یا دو نوع است ؟

۱ - مجموعه آثار شهید مطهری ، جلد ۳ ، کتاب فطرت ، انتشارات صدرا .

ازدواج (۱۴۵)

بعضی نظریات این است که عشق یک نوع بیشتر نیست و آن همان عشق جنسی است ، یعنی ریشه عضوی و فیزیولوژیک دارد و یک نوع هم بیشتر نیست . تمام عشق‌هایی که در عالم وجود داشته و دارد با همه آثار و خواصش - عشق‌های به اصطلاح رمانتیک که ادبیات دنیا را این داستان‌های عشقی پر کرده است ، مثل داستان مجنون عامری و لیلا ، تمام این‌ها - عشق‌های جنسی است و جز

این چیز دیگری نیست. (۱)

گروهی عشق را - همین عشق انسان به انسان را که بحث درباره آن است - دو نوع می‌دانند. مثلاً بوعلی سینا، خواجه نصیرالدین طوسی و ملاصدرا عشق را دو نوع می‌دانند، که این بحث ذیل فصل عشق از نظر عرفا خواهد آمد. (۲)

قدر مسلم این است که بشر عشق را ستایش می‌کند. یعنی یک امر قابل ستایش می‌داند، در صورتی که آنچه از مقوله شهوت است قابل ستایش نیست.

۱ - مجموعه آثار شهید مطهری، جلد ۳، کتاب فطرت، صفحه ۹۱، انتشارات صدرا.

۲ - مجموعه آثار شهید مطهری، جلد ۳، کتاب فطرت، صفحه ۹۱، انتشارات صدرا.

(۱۴۶) ازدواج

مثلاً انسان شهوت خوردن یا میل به غذا - که یک میل طبیعی است - دارد. آیا این میل از آن جهت که یک میل طبیعی است هیچ قابلیت تقدیس پیدا کرده؟ تا به حال شما دیده‌اید حتی یک نفر در دنیا بیاید میلش را به فلان غذا را ستایش کند؟ عشق هم تا آنجا که به شهوت [جنسی مربوط باشد. مثل شهوت خوردن است و قابل تقدیس نیست. ولی به هر حال این حقیقت تقدیس شده است و قسمت بزرگی از ادبیات دنیا را تقدیس عشق تشکیل می‌دهد. (۱)

## عشق جسمانی و روحانی

عشق دو نوع است، یک نوعش اساساً شهوت است، آن را «جسمانی» می‌نامند و می‌گویند رهاش کنید. یک نوع دیگرش هست که می‌گویند آن شهوت نیست و امر روحی است. تازه آن هم که امر روحی است خودش فی حدّ ذاته یک کمالی

۱ - مجموعه آثار شهید مطهری، جلد ۳، کتاب فطرت، صفحه ۹۵، انتشارات صدرا.

ازدواج (۱۴۷)

برای انسان نیست. می‌گویند وقتی که انسان این حالت روحی را پیدا کرد و یک حالت شبه جنون در او پیدا شد خاصیتش این است که انسان را از غیر معشوق از همه چیز می‌بُرد و جدا می‌کند و انسان تازه آمادگی پیدا می‌کند برای اینکه یک دفعه از خلق یک جا بیُرد و در معشوق تمرکز پیدا کند. (۱)

احساسات انسان انواع و مراتب دارد. برخی از آنها از مقوله شهوت و مخصوصاً شهوت جنسی است و از وجوه مشترک انسان و سایر حیوانات است، با این تفاوت که در انسان به علت خاصی اوج و غلیان زایدالوصفی می‌گیرد و بدین جهت نام «عشق» به آن می‌دهند و در حیوان هرگز به این صورت در نمی‌آید. ولی به هر حال از لحاظ حقیقت و ماهیت جز طغیان و فوران و طوفان شهوت چیزی نیست. از مبادی جنسی سرچشمه می‌گیرد و به همان جا خاتمه می‌یابد.

۱ - مجموعه آثار شهید مطهری، جلد ۳، کتاب فطرت، صفحه ۱۹۸، انتشارات صدرا.

ازدواج (۱۴۸)

افزایش و کاهش بستگی زیادی دارد به فعالیت‌های فیزیولوژیکی دستگاه تناسلی و قهرا به سنین جوانی با پا گذاشتن به سن از یک طرف و اشباع و افراز از طرف دیگر کاهش می‌یابد و منتفی می‌گردد. (۱)

## عشق و عرفان در نیایش امام علی علیه السلام

در متن اسلام، به عبادت، به آنچه که واقعا روح نیایش و پرستش است، یعنی

۱ - جاذبه و دافعه، صفحه ۵۱ انتشارات صدرا. لازم به ذکر که استاد شهید ذیل این بحث توضیحی دارند و آن این است که

می‌گوید: جوانی که از دیدن رویی زیبا و موی مُجَعَد [موی پیچیده] به خود می‌لرزد و از لمس دستی ظریف به خود می‌پیچد باید بدانند جز جریان مادی حیوانی در کار نیست. این گونه عشق‌ها به سرعت می‌آید و به سرعت می‌رود. قابل اعتماد و توصیه نیست، خطرناک است، فضیلت کُش است، تنها با کمک عفاف و تقوا و تسلیم نشدن در برابر آن است که آدمی سود می‌برد.

ازدواج (۱۴۹)

رابطه انسان و خدا، محبت و رزی به خدا، انقطاع به ذات پروردگار - که کامل‌ترین عبادتهاست - توجه زیادی شده است.

جمله معروف امیرالمؤمنین را همه شنیده‌ایم:

«الهی ما عَیَّدْتُكَ خَوْفًا مِنْ نَارِكِ وَلَا طَمَعًا فِي جَنَّتِكَ بَلْ وَحَدَّيْتُكَ أَهْلًا لِلْعِبَادَةِ فَعَيَّدْتُكَ: خدایا! تو را پرستش نکردم به طمع بهشت و نه از ترس جهنم، بلکه تو را چون شایسته نیایش و پرستش دیدم، پرستش کردم».

[این نوع عبادت چیزی جز عشق به درگاه الهی نیست.

یکی از دعاهایی که از مضامین عالی برخوردار است، دعای مناجات شعبانیه است. و در روایتی که آن را نقل کرده، آمده است که امیرالمؤمنین و امامان از اولاد او این دعا را می‌خوانده‌اند، دعایی است در سطح ائمه. یعنی خیلی سطح بالاست، انسان وقتی این دعا را می‌خواند، می‌فهمد که اصلاً روح نیایش در اسلام یعنی چه. در آنجا جز عرفان و محبت و عشق به خدا، جز انقطاع از غیر

(۱۵۰) ازدواج

خدا، خلاصه جز سراسر معنویت، چیز دیگری نیست و حتی تعبیراتی است که برای ما تصور هم خیلی مشکل است. (۱)

### دیدگاه قرآن پیرامون زوجیت و وجود مودت بین زوجین

در آیه قرآن، آنجا که پیوند زوجیت را یکی از نشانه‌های وجود خداوند حکیم علیم ذکر می‌کند با کلمه «مودت» و «رحمت» یاد می‌کند (چنانکه می‌دانیم «مودت» و «رحمت» با شهوت و میل طبیعی فرق دارد) می‌فرماید:

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا... وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً: یکی از نشانه‌های خداوند این است که از جنس خود شما برای شما جفت آفریده

۱ - تعلیم و تربیت، صفحه ۳۳۴، انتشارات صدرا.

ازدواج (۱۵۱)

است... و میان شما و آن مهر و رأفت قرار داده است». (۱)

این عشق است که در آیات بسیاری از قرآن با واژه محبت و احیانا «وُد» یا «مودت» از آن یاد شده است. این آیات در چند قسمت قرار گرفته است:

۱ - آیاتی که در وصف مؤمنان است و از دوستی و محبت عمیق [عشق آنان نسبت به حضرت حق یا نسبت به مؤمنان سخن گفته است:

«وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ: آنان که ایمان آورده‌اند در دوستی خدا سخت‌ترند». (۲)

۱ - ۲۱ / روم.

(۱۵۲) ازدواج

«وَالَّذِينَ تَبَوَّأُوا الدَّارَ وَالْآيْمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَا لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ: و آنان که پیش از مهاجران در خانه (دارالهجرة، خانه مسلمانان) و دارالایمان (خانه روحی و معنوی مسلمانان) جایگزین شده، مهاجرانی را که به سوی ایشان می‌آیند دوست دارند و در دل خودشان از آنچه به آن‌ها داده شده است احساس ناراحتی نمی‌کنند و آنها را بر خویش مقدم می‌دارند. هرچند خود نیازمند بوده باشند». (۱)

۲- آیاتی که از دوستی حضرت حق نسبت به مؤمنان سخن می‌گوید:

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ: خدا دوست دارد توبه‌کنندگان و پاکیزگان را». (۲)

۱- ۱۶۵ / بقره.

۲- ۹ / حشر.

۳- ۲۲۲ / بقره.

ازدواج (۱۵۳)

«وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ: خدا دوست دارد نیکوکاران را». (۱)

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ: خدا دوست دارد خود نگه‌داران را». (۲)

«وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ: خدا دوست دارد پاکیزگان را». (۳)

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ: خدا دوست دارد عدالت‌کنندگان را». (۴)

۳- آیاتی که متضمن دوستی‌های دوطرفی و محبت‌های متبادل است: دوستی حضرت حق نسبت به مؤمنین و دوستی مؤمنان نسبت به حضرت حق و دوستی مؤمنین یکدیگر را:

۱- ۱۴۸ / آل عمران.

۲- ۴ و ۷ / توبه.

۳- ۱۰۸ / توبه.

۴- ۹ / حجرات و ۸ / ممتحنه.

ازدواج (۱۵۴)

«قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ: بگو اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید تا خدا دوستتان بدارد و گناهانتان را برایتان ببخشد». (۱)

«فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ: خدا بیاورد قومی را که دوستشان دارد و آنها هم او را دوست دارند». (۲)

### محبت مؤمنان نسبت به یکدیگر

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا: آنان که ایمان آورده‌اند و اعمال شایسته انجام داده‌اند خداوند بخشایشگر برایشان دوستی قرار می‌دهد». (۳)

۱- ۳۱ / آل عمران.

۲- ۵۴ / مائده.

۳- ۹۶ / مریم.

ازدواج (۱۵۵)

«وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً: و میان شما با همسرانتان دوستی قرار داد و مهر افکند». (۱)

و همین علاقه و محبت است که حضرت ابراهیم علیه‌السلام برای ذرّیه‌اش خواست (۲) و پیغمبر خاتم نیز به دستور خداوند برای خویشان‌ش طلب کرد. (۳)

و آنچنان که از روایات برمی‌آید، روح و جوهر دین غیر از محبت چیزی نیست. بُرئید عَجلی می‌گوید:

در محضر امام باقر علیه‌السلام بودم. مسافری از خراسان که راه دور را پیاده طی

۱- ۲۱ / روم .

۲- ۳۷ / ابراهیم .

۳- ۲۳ / شوری .

(۱۵۶) ازدواج

کرده بود به حضور امام شرفیاب شد. پاهایش را که از کفش درآورد شکافته شده و ترک برداشته بود. گفت: به خدا سوگند من را نیارود از آنجا که آمدم مگر دوستی شما اهل‌البیت. امام فرمود: به خدا قسم اگر سنگی ما را دوست بدارد، خداوند آن را با ما محشور کند و قرین [ما گرداند وَ هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ: آیا دین چیزی غیر از دوستی است. (۱) مردی به امام صادق علیه‌السلام گفت: ما فرزندانمان را به نام شما و پدرانمان اسم می‌گذاریم. آیا این کار، ما را سودی دارد؟

حضرت فرمود: آری، به خدا قسم «وَ هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ» مگر دین چیزی غیر از دوستی است؟ سپس به آیه شریفه: «إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ» (۲) استشهاد فرمود. (۳) اساساً علاقه و محبت است که اطاعت آور است.

۱- «سَفِينَةُ الْبَحَارِ» جلد ۱، صفحه ۲۰۱ ماده حب .

۲- ۳۱ / آل عمران .

۳- «سَفِينَةُ الْبَحَارِ» جلد ۱، صفحه ۶۲۶ ماده سماء .

ازدواج (۱۵۷)

عاشق را یارا نباشد که از خواست معشوق سر بیچد. ما این را خود با چشم می‌بینیم که جوانک عاشق در مقابل معشوقه و دلباخته‌اش از همه چیز می‌گذرد و همه چیز را فدای او می‌سازد... اطاعت و پرستش حضرت حق به نسبت محبت و عشقی است که انسان به حضرت حق دارد. همچنانکه امام صادق علیه‌السلام فرمود:

تَعْصَى الْإِلَهَ وَ أَنْتَ تُظَهِّرُ حُبَّهُ هَذَا لِعَمْرِي فِي الْفِعَالِ بَدِيعٌ لَوْ كَانَ حُبُّكَ صَادِقًا لَأَطَعْتَهُ  
إِنَّ الْمُحِبَّ لِمَنْ يُحِبُّ مُطِيعٌ

خدا را نافرمانی کنی و اظهار دوستی او کنی؟ به جان خودم این رفتاری

ازدواج (۱۵۸)

شگفت است. اگر دوستی‌ات راستین بود اطاعتش می‌کردی، زیرا که دوستدار، مطیع کسی است که او را دوست دارد. (۱)

## جایگاه عشق در روایات

«أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ عَشِقَ الْعِبَادَةَ وَ عَانَقَهَا وَ بَاشَرَهَا بِجَسَدِهِ وَ تَفَرَّغَ لَهَا: بهترین مردم آن کسی است که پرستش و نیایش عشق بورزد». کلمه «عشق» در تعبیّرات اسلامی خیلی کم آمده که بعضی‌ها اساساً روی همین جهت گفته‌اند که اصلاً این کلمه را نباید استعمال کرد و با استعمال زیاد شعراً هم مخالفت می‌کنند و می‌گویند کلمه حُبّ و دوستی را باید به کار برد نه

۱- جاذبه و دافعه، صفحه ۵۹، انتشارات صدرا. [تذکر: کل این بحث از صفحه ۵۹ شروع می‌شود و شماره آیات و روایات ذیل صفحه نوشته شده.

## ازدواج (۱۵۹)

کلمه عشق، ولی دیگران جواب داده‌اند که کلمه عشق در اصطلاحات دینی کم به کار رفته نه اینکه هیچ به کار نرفته. از جمله مواردی که به کار رفته همین جاست، که عرض کردم. یکی دیگر آن جمله‌ای معروفی است که نوشته‌اند امیرالمؤمنین در وقتی که از صفین برمی‌گشتند یا به صفین می‌رفتند (تردید از من است) [مراد استاد شهید است به سرزمین کربلا که رسیدند، مثنی از خاک را برداشتند و بو کردند و بعد فرمودند:

«وَاها لِكِ اَيُّهَا التُّرْبَةُ: خوشا به تو ای خاک».

«هَهْنَا مُنَاخُ رُكُوبٍ وَمَصَارِعُ عَشَاقٍ: اینجا جایی است که بارهایی فرود خواهد آمد. سوارهایی به اینجا که می‌رسند بارشان را فرود می‌آورند و اینجا خوابگاه عاشقانی است».

## ازدواج (۱۶۰)

بعد جمله‌هایی فرمود که آن جمله‌ها کاملاً می‌رساند که حضرت نظر به حادثه کربلا داشته‌اند. (۱)

همچنین پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند:

«طوبى لِمَنْ عَشِقَ الْعِبَادَةَ: خوشا به حال کسی که به عبادت عشق بورزد».

با عبادت به صورت معشوق دربیاید.

«وَ اَحَبُّهَا بِقَلْبِهِ: و از صمیم قلب عبادت را دوست داشته باشد».

«و با شَرِّهَا بِجَسَدِهِ: و با بدنش به آن بچسبد».

مقصود این است که عبادت فقط یک ذکر قلب به تنهایی نیست. (۲)

۱- تعلیم و تربیت، پاورقی صفحه ۳۳۱، انتشارات صدرا.

۲- تعلیم و تربیت، صفحه ۳۳۱، انتشارات صدرا.

## ازدواج (۱۶۱)

**عشق ناروا از دیدگاه امام علی علیه‌السلام**

«مَنْ عَشِقَ شَيْئًا اَعَشَى (اَعْمَى) بَصِيرَةً وَ اَمْرَضَ قَلْبُهُ فَهُوَ يَنْظُرُ بِعَيْنٍ غَيْرِ صَاحِبِهِ وَ يَسْمَعُ بِاُذُنٍ غَيْرِ سَمِيعِهِ قَدْ خَرَقَتِ الشَّهَوَاتُ عَقْلَهُ وَ اَمَاتَتِ الدُّنْيَا قَلْبَهُ وَ وَلِهَتْ عَلَيْهَا نَفْسُهُ، فَهُوَ عَدِيْدٌ لَهَا: هر کس به چیزی عشق ناروا ورزد، آن عشق نابینایش می‌کند و قلبش را بیمار کرده، با چشمی بیمار می‌نگرد و با گوش‌ی بیمار می‌شنود، خواهش‌های نفس پرده عقلش را دریده، دوستی دنیا دلش را میرانده‌است، شیفته‌بی‌اختیار دنیا و برده آن‌است».

«وَ لِمَنْ فِي يَدَيْهِ شَيْءٌ مِنْهَا حَيْثُمَا زَالَتْ زَالَ اِلَيْهَا وَ حَيْثُمَا اَقْبَلَتْ اَقْبَلَتْ عَلَيْهَا لَا يَنْزَجِرُ مِنَ اللّٰهِ بِزَاجِرٍ وَ لَا يَنْعِظُ مِنْهُ بِوَاعِظٍ: و برده کسانی است که چیزی از دنیا در دست دارند، دنیا به هر طرف برگردد او نیز برمی‌گردد و هر چه هشدارش دهند از خدا نمی‌ترسد، از هیچ پند دهنده‌ای شنوایی ندارد». (۱)

## ازدواج (۱۶۲)

روایتی دیگر در این زمینه وجود دارد که می‌فرماید:

«مَنْ عَشِقَ وَ كَتَمَ وَ عَفَّ وَ مَاتَ، مَاتَ شَهِيدًا: هر کس عاشق گردد و کتمان کند و عفاف بورزد و در همان حال بمیرد شهید مرده است». (۲)

آیه قرآن سوره یوسف، آیه ۳۰، در مورد عشق زلیخا به یوسف علیه‌السلام اشاره می‌کند:





بَيْنَهُ وَ صَيَّرَتْ ذَلِكَ تَغَالِبًا عَلَيْهِ ، لَا يَشْهَوُ إِذَا سَهَا النَّاسُ . (۱) (۲)

پیامبر خدا می‌فرماید: خدای عزّ و جلّ می‌فرماید: هرگاه اشتغال به من بر جان بنده غالب آید، خواهش و لذّت او را در یاد خودم قرار دهم و چون خواهش و لذّتش را در یاد خودم قرار دهم عاشق من گردد و من نیز عاشق او. و چون عاشق یکدیگر شدیم پرده میان خود و او را بالا-زنم و آن (مشاهده جلال و جمال خود) را بر جان او مسلط گردانم، به طوری که وقتی مردم دچار سهو و اشتباه می‌شوند، او دستخوش سهو نمی‌شود.

۱- کنز العمال ، خ ۱۸۷۲ .

۲- میزان الحکمه ، جلد ۸، از مجموعه ۱۵ جلدی، صفحه ۳۷۹۰ .

ازدواج (۱۶۷)

### نقش عشق و محبت در خودسازی انسان در اشعار حافظ و علامه طباطبایی

در زبان شعر و ادب ، در باب اثر عشق بیشتر به یک اثر برمی‌خوریم و آن الهام‌بخشی و فیاضیت عشق است .

بلبل از فیض گل آموخت سخن ورنه نبود این همه قول و غزل تعبیه در منقارش (۱)

فیض گل گرچه به حسب ظاهر لفظ ، یک امر خارج از وجود بلبل است ولی در حقیقت چیزی جز نیروی خود عشق نیست .

تو مپندار که مجنون سر خود مجنون شد از سمک تا به سماکش کشش لیلی بود (۲)

۱- لسان الغیب ، حافظ .

۲- علامه طباطبایی .

(۱۶۸) ازدواج

از محبت تلخ‌ها شیرین شود از محبت مس‌ها زرّین شود . (۱)

عشق در اشعار مولوی

گفتیم که عشق و محبت منحصر به عشق حیوانی جنسی و حیوانی نسلی نیست ، بلکه نوع‌دیگری از عشق و جاذبه‌هست که در جوی بالا-تر قرار دارد و اساسا از محدوده ماده و مادیات بیرون است و از غریزه‌ای ماورای بقای سرچشمه می‌گیرد و در حقیقت فصل ممیز جهان انسان و جهان حیوان است و آن عشق معنوی و انسانی است، عشق ورزیدن به فضایل و خوبی‌ها و شیفتگی سجایای انسانی و جمال حقیقت .

۱- مثنوی معنوی .

ازدواج (۱۶۹)

عشق‌هایی کز پی رنگی بود عشق نبُود عاقبت ننگی بود

زانکه عشق مردگان پاینده نیست چونکه مرده سوی ما آینده نیست

عشق زنده در روان و در بصر هر دو می‌باشد ز غنچه تازه‌تر

عشق آن زنده گزین کوی باقی است و ز شراب جانفزایت ساقی است

عشق آن بگزین که جمله انبیاء یافتند از عشق او کار و کیا (۱) (۲)

### آثار سوء عشق در غفلت از عیوب معشوق

از برای عشق معایبی نیز هست . از جمله معایب آن اینکه عاشق در اثر استغراق (۳) در حُسن معشوق ، از عیب او غفلت می‌کند

آن چنان که سعدی در گلستان می گوید :

۱- مثنوی معنوی .

۲- جاذبه و دافعه ، صفحه ۵۸ ، انتشارات صدرا.

۳- غرق شدن .

(۱۷۰) ازدواج

«هرکسی را عقل خودبه کمال نماید و فرزند خود به جمال».

این اثر سوء با آنچه در متن خواندیم - که اثر عشق حساسیت هوش و ادراک است - منافات ندارد . حساسیت هوش از این نظر است که انسان را از کودنی خارج کرده و قوه را به فعلیت می رساند و اما اثر سوء عشق این نیست که آدمی را کودن می کند، بلکه آدمی را غافل می کند . مسأله کودنی غیر از مسأله غفلت است . بسیاری از اوقات اشخاص کم هوش در اثر حفظ تعادل احساسات ، کمتر در غفلت می باشند .

عشق فهم را تیزتر می کند اما توجه را یک جهت و متوحد می سازد و لهذا در متن گفته شد که خاصیت عشق توحد است و در اثر همین توحد و تمرکز است که عیب پیدا می شود و از توجه به امور دیگر می کاهد .

ازدواج (۱۷۱)

بالا تر از آن ، نه تنها عشق عیب را می پوشاند بلکه عیب را حُسن جلوه می دهد ، زیرا یکی از آثار عشق این است که هر جا پرتو افکند آنجا را زیبا می کند ، یک ذره حُسن را خورشید ، بلکه سیاهی را سفیدی و ظلمت را نور جلوه می دهد و به قول وحشی :

اگر در کاسه چشم نشینی به جز از خوبی لیلی نبینی

و ظاهراً به این علت است که عشق مثل علم نیست که صد درصد تابع معلوم باشد. عشق جنبه داخلی و نفسانی اش بیش از جنبه خارجی و عینی می باشد ، یعنی میزان عشق تابع میزان حُسن نیست بلکه بیشتر تابع میزان استعداد و مایه عاشق است . در حقیقت عاشق دارای مایه و ماده و آتش زیر خاکستری است که دنبال بهانه و موضوع می گردد ، همین که به موضوعی احیاناً برخورد کرد و توافقی دست داد - که هنوز رمز این توافق به دست نیامده و لهذا گفته می شود

ازدواج (۱۷۲)

عشق بی دلیل است - قوه داخلی تجلی می کند و به اندازه توانایی خودش حُسن می سازد نه به آن اندازه که در محبوب وجود دارد . لذا در متن می خوانیم که عاشق عیب معشوق را هنر می بیند و خارش را گل و یاسمن . (۱)

### فرق عشق با شهوت

مسأله عشق با مسأله شهوت متفاوت است و فرق آن دو اینجاست که کسی عاشق دیگری است و مسأله ، مسأله شهوت است ، هدف تصاحب و از وصال او بهره مند شدن است ، ولی در «عشق» اصلاً مسأله وصال و تصاحب مطرح نیست ، مسأله فنای عاشق در معشوق مطرح است .

مولوی با بیان لطیف خویش ، میان شهوت و مودت تفکیک می کند ، آن را

۱- جاذبه و دافعه ، صفحه ۶۸ ، پاورقی ، انتشارات صدرا .

ازدواج (۱۷۳)

حیوانی و این را انسانی می خواند . می گوید :

خشم و شهوت وصف حیوانی بود مهر و رقت وصف انسانی بود

اینچنین خاصیتی در آدمی است مهر، حیوان را کم است آن از کمی است فیلسوفان مادی نیز نتوانسته‌اند این حالت معنوی را - که از جهاتی جنبه غیرمادی دارد و با مادی بودن انسان و مافوق انسان سازگار نیست - در بشر انکار کنند. (۱)

## بررسی فرق میان عشق و هوس

میان آنچه عشق نامیده می‌شود و به قول ابن‌سینا «عشق عقیف» و آنچه به صورت هوس و حرص و آز و حس تملک درمی‌آید - با اینکه هر دو روحی و پایان‌ناپذیر است - تفاوت بسیار است. عشق عمیق و متمرکزکننده نیروها و یگانه‌پرست است و اما هوس، سطحی و پخش‌کننده نیرو و متمایل به تنوع و هرزه‌صفت است.

۱- جاذبه و دافعه، صفحه ۵۳، انتشارات صدرا.

(۱۷۴) ازدواج

حاجت‌های طبیعی بر دو قسم است؛ یک نوع حاجت‌های محدود و سطحی، مثل خوردن، خوابیدن. در این نوع حاجت‌ها طبیعی بر دو قسم است؛ یک نوع حاجت‌های محدود و سطحی، مثل خوردن، خوابیدن. در این نوع حاجت‌ها همین که ظرفیت غریزه اشباع و حاجت جسمانی مرتفع گردد، رغبت انسان هم از بین می‌رود و حتی ممکن است به تنفر و انزجار تبدیل گردد، ولی یک نوع دیگر از نیازهای طبیعی عمیق و دریا صفت و هیجان‌پذیر است، مانند پول‌پرستی و جاه‌طلبی.

غریزه جنسی دارای دو جنبه است، از نظر حرارت جسمی از نوع اول است

ازدواج (۱۷۵)

ولی از نظر تمایل روحی دو جنس به یکدیگر چنین نیست. برای روشن شدن مقایسه‌ای به عمل می‌آوریم:

هر جامعه‌ای که لحاظ خوراک یک مقدار معین تقاضا دارد، یعنی اگر کشوری مثلاً بیست نفر جمعیت داشته باشد، مصرف خوراکی آنها معین است که کمتر از آن نباید باشد و زیادتر هم اگر باشد نمی‌توانند مصرف کنند، فرضاً اگر گندم زیاد داشته باشند به دریا می‌ریزند. درباره این جامعه اگر بپرسیم مصرف خوراک آن در سال چقدر است؟ جواب، مقدار مشخصی خواهد بود، ولی اگر درباره یک جامعه بپرسیم که نظر علاقه افراد به پول چقدر احتیاج به ثروت هست؟ یعنی چقدر پول لازم دارد تا حس پول‌پرستی همه افراد آن را اشباع کند، به طوری که اگر باز هم بخواهیم به آنها پول بدهیم بگویند دیگر سیر شده‌ایم، میل نداریم و نمی‌توانیم بگیریم؟ جواب این است که این خواست حدی نخواهد داشت.

ازدواج (۱۷۶)

علم دوستی هم همین حالت را دارد.

در حدیثی از پیغمبر اکرم علیه‌السلام آمده است:

«مَنْهُوَ مَانٍ لَا يَشْبَعَانِ، طَالِبٌ عِلْمٍ وَ طَالِبٌ مَالٍ: یعنی دو گرسنه هرگز سیر نمی‌شوند: یکی جوینده علم و دیگری طالب ثروت. هر چه بیشتر به آنها داده شود اشتهاشان تیزتر می‌گردد».

جاه‌طلبی بشر هم از همین قبیل است. ظرفیت بشر از نظر جاه‌طلبی پایان‌ناپذیر است. هر فردی هر مقام اجتماعی و هر پست عالی را که به دست آورد باز هم طالب مقام بالاتر است و اساساً هر جا که پای حس تملک به میان بیاید از پایان‌پذیری خبری نیست.

غریزه جنسی دو جنبه دارد: جنبه جسمانی و جنبه روحی. از جنبه جسمی محدود است. از این نظر یک زن و دو زن برای اشباع مرد کافی است، ولی از نظر تنوع‌طلبی عطش روحی‌ای که در این ناحیه ممکن است به وجود آید شکل دیگری

دارد .

ازدواج (۱۷۷)

قبلاً اشاره کردیم که حالت روحی مربوط به این موضوع دو نوع است : یکی آن است که به اصطلاح «عشق» نامیده می‌شود و همان چیزی است که در میان فلاسفه و مخصوصاً فلاسفه الهی مطرح است که آیا ریشه و هدف عشق واقعی ، جسمی و جنسی است و یا ریشه و هدف دیگری دارد که صد در صد روحی است و یا شقّ سومی در کار است و آن اینکه از لحاظ ریشه جنسی است ولی بعد حالت معنوی پیدا می‌کند و متوجه هدف‌های غیرجنسی می‌گردد .

نوع دیگر عطش روحی آن است که به صورت حرص و آز درمی‌آید که از شوون حس تملک است و یا آمیخته‌ای است از دو گزینه پایان‌ناپذیر : شهوت جنسی و حس تملک . آن همان است که در صاحبان حرمسراهای قدیم و در اغلب پولداران و غیر پولداران عصر ما وجود دارد .

ازدواج (۱۷۸)

این نوع از عطش تمایل به تنوع دارد ، از یکی سیر می‌شود و متوجه دیگری می‌گردد . در عین اینکه ده‌ها نفر در اختیار دارد و دربند ده‌ها نفر دیگر است و همین نوع از عطش است که در زمینه بی‌بند و باری‌ها و معاشرت‌های به اصطلاح آزاد به وجود می‌آید . این نوع از عطش است که هوس نامیده می‌شود . همان طور که در گذشته گفتیم : عشق ، عمیق و متمرکزکننده نیروها و تقویت کننده نیروی تخیل و یگانه پرست است و اما هوس ، سطحی و پخش کننده نیروها و تمایل به تنوع و تفنن و هرزه صفت است . این نوع از عطش که هوس نامیده می‌شود ارضاء شدنی نیست . اگر مردی در این مجرا بیفتد ، فرضاً حرمسرائی نظیر حرمسرای هارون الرشید و خسرو پرویز داشته باشد پُر از زیبارویان که سالی یکبار به هر یک نوبت نرسد ، باز اگر بشود که در اقصی نقاط جهان یک زیبارویی دیگر هست ، طالب آن خواهد شد ؛ نمی‌گوید بس است دیگر سیر شده‌ام ؛ حالت جهنم را دارد که هر چه به آن داده شود باز هم به دنبال زیادتر است . خدا در قرآن می‌فرماید : «يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأَتْ وَ تَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ» (۱) به جهنم می‌گوئیم پرشدی؟ سیر شدی؟ می‌گوید آیا باز هم هست».

ازدواج (۱۷۹)

چشم هرگز از دیدن زیبارویان سیر نمی‌شود و دل هم به دنبال چشم می‌رود .

در اینگونه حالات سیر کردن و ارضاء از راه فراوانی ، امکان ندارد و اگر کسی بخواهد از این راه وارد شود درست مثل آن است که بخواهد آتش را با هیزم سیر کند . بطور کلی در طبیعت انسانی از نظر خواسته‌های روحی ، محدودیت در کار نیست . انسان روحا طالب بی‌نهایت آفریده شده است . (۲)

۱- ۳۰ / ق .

۲- مسأله حجاب ، صفحه ۱۱۴ .

ازدواج (۱۸۰)

### بررسی اتهام مخالفت اسلام با مسأله عشق و شهوت جنسی

معمولاً گفته می‌شود که مذهب دشمن عشق است . باز طبق معمول ، این دشمنی این طور تفسیر می‌شود که چون مذهب ، عشق را با شهوت جنسی یکی می‌داند و شهوت را ذیلاً پلید می‌شمارد ، عشق را خبیث می‌شمارد ، ولی چنانکه می‌دانیم این اتهام درباره اسلام صادق نیست ، درباره مسیحیت صادق است . اسلام شهوت جنسی را پلید و خبیث نمی‌شمارد تا چه رسد به عشق که یگانگی و دوگانگی آن با شهوت جنسی مورد بحث و گفتگو است . اسلام محبت عمیق صمیمی زوجین را به یکدیگر محترم شمرده و به

آن توصیه کرده است و تدابیری به کار برده که این یگانگی و وحدت هرچه بیشتر و محکم‌تر باشد. (۱)

۱- اخلاق جنسی، صفحه ۵۶، انتشارات صدرا.

ازدواج (۱۸۱)

### جایگاه عشق در عبادت رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پیغمبر خدا شب‌ها زیاد به عبادت برمی‌خاست و به نصّ قرآن مجید گاهی دو ثلث شب، گاهی نصف شب و گاهی ثلث شب را عبادت می‌کرد. عایشه که می‌دید پیغمبر این همه از وقت شب را به عبادت می‌ایستند - که در یک وقت آن قدر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روی پای مبارکشان به عبادت ایستاده بودند که پاهایشان ورم کرده بود - روزی گفت آخر تو دیگر چرا این قدر عبادت می‌کنی؟ تو که خدا در باره‌ات گفته:

«لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ : تا خداوند گناهان گذشته و آینده‌ای را که به تو نسبت می‌دادند ببخشد».

خدا که به تو تأمین داده، فرمود:

«أَفَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا؟ : آیا من بنده سپاسگزار نباشم؟»

ازدواج (۱۸۲)

آیا همه عبادت‌ها فقط برای ترس از جهنم و برای بهشت باید باشد؟

### رابطه عشق و عفت

مطلب عمده‌ای که در اینجا هست رابطه عشق و عفت است. آیا عشق به مفهوم عالی و مفید خود در محیط‌های به اصطلاح آزاد بهتر رشد می‌یابد و یا عشق عالی توأم با عفت اجتماعی است، محیط‌هایی که در آنجا زن به حال ابتذال درآمده است کُشنده عشق عالی است؟ این مطلبی است که در قسمت آینده که آخرین قسمت این بحث است مطرح خواهد شد. (۱)

ویل دورانت می‌گوید:

در سرتاسر زندگی انسان به اجماع همه عشق از هر چیز جالب توجه‌تر است و تعجب اینجاست که فقط عده کمی درباره ریشه و گسترش آن بحث کرده‌اند.

۱- اخلاق جنسی، صفحه ۵۷، انتشارات صدرا.

ازدواج (۱۸۳)

در هر زبانی دریایی از کتب و مقالات تقریباً از قلم هر نویسنده‌ای درباره عشق پیدا شده است و چه حماسه‌ها و درام‌ها و چه اشعار شورانگیز که درباره آن بوجود آمده است، با این همه چه ناچیز است تحقیقات علمی محض درباره این امر عجیب [عشق] و اصل طبیعی آن و علل تکامل و گسترش شگفت‌انگیز آن، از آمیزش ساده پروتوزوئا تا فداکاری دانه و خُلُساتِ پترارک و وفاداری هلوئیز به آبلارد. (۱)

همانطوری که ابتدای بحث گفته شد مطلب عمده در اینجا رابطه عشق و عفت است. باید ببینیم این استعداد عالی و طبیعی در چه زمینه و شرایطی بهتر شکوفا می‌گردد؟ آیا آنجا که یک سلسله مقررات اخلاقی به نام عفت و تقوا بر روح مرد و

۱- اخلاق جنسی، صفحه ۵۶، انتشارات صدرا.

ازدواج (۱۸۴)

زن حکومت می‌کند و زن به عنوان چیزی گرانبها دور از دسترس مرد است این استعداد بهتر به فعلیت می‌رسد یا آنجا که احساس

منعی به نام عفت و تقوا در روح آنها حکومت نمی‌کند و اساساً چنین مقرراتی وجود ندارد و زن در نهایت ابتدال در اختیار مرد است؟ اتفاقاً مسأله‌ای که غیرقابل انکار است این است که محیط‌هایی به اصطلاح آزاد مانع پیدایش عشق‌های سوزان و عمیق است. در این گونه محیط‌ها که زن به حال ابتدال درآمده است، فقط زمینه برای پیدایش هوس‌های آنی و موقتی و هرجایی و هرزه شدن قلب‌ها فراهم است.

این چنین محیط‌ها، محیط شهوت و هوس است نه محیط عشق به مفهومی که فیلسوفان و جامعه‌شناسان آن را محترم می‌شناسند یعنی آن چیزی که با فداکاری و از خودگذشتگی و سوز و گداز توأم است هشیارکننده است. قوای نفسانی را در یک نقطه متمرکز می‌کند، قوه خیال را پر و بال می‌دهد و معشوق را آن‌چنانکه می‌خواهد در ذهن خود رسم می‌کند نه آن‌چنانکه هست، خلّاق و آفریننده نبوغ‌ها و هنرها و ابتکارها و افکار عالی است. (۱)

ازدواج (۱۸۵)

### نیروی عشق و محبت در اجتماع

نیروی محبت از نظر اجتماعی نیروی عظیم و مؤثری است. بهترین اجتماع‌ها آن است که با نیروی (عشق) و محبت اداره شود، محبت زعیم و زمامدار به مردم و محبت و ارادت مردم به زعیم و زمامدار. علاقه و محبت زمامدار عامل بزرگی است برای ثبات و ادامه حیات حکومت و تا عامل محبت (و عشق) نباشد رهبر نمی‌تواند و یا بسیار دشوار است که اجتماعی را رهبری کند و مردم را افرادی منضبط و قانونی تربیت کند.

۱- اخلاق جنسی، صفحه ۵۹، انتشارات صدرا.

(۱۸۶) ازدواج

ولو اینکه عدالت و مساوات را در آن اجتماع برقرار کند. مردم آنگاه قانونی خواهند بود که از زمامدارشان علاقه ببینند و آن علاقه‌هاست که مردم را به پیروی و اطاعت می‌کشد.

قرآن خطاب به پیغمبر می‌کند که ای پیغمبر! نیروی بزرگی را برای نفوذ در مردم و اداره اجتماع در دست داری:

«فَمَا رَحْمَةُ مِنَ اللَّهِ لَئِنَّ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ:

به موجب لطف و رحمت الهی، تو بر ایشان نرم دل شدی که اگر تندخوی سخت دل بودی از پیرامونت پراکنده می‌گشتند، پس از آنان در گذر و برایشان

ازدواج (۱۸۷)

آمزش بخواه و در کار با آنان مشورت کن». (۱)

در اینجا علت گرایش مردم به نبی اکرم صلی الله علیه و آله را علاقه و مهری دانسته که نبی اکرم صلی الله علیه و آله نسبت به آنان مبذول می‌داشت، باز دستور می‌دهد که ببخششان و برایشان استغفار کن و با آنان مشورت نما. این‌ها همه از آثار محبت و دوستی است، همچنانکه رفق و حلم و تحمل، همه از شؤون محبت و احسان‌اند.

او به تیغ حلم چندین خلق را واخرید از تیغ، چندین خلق را

تیغ حلم از تیغ آهن تیزتر بل ز صد لشکر ظفرانگیزتر (۲)

۱- ۱۵۹ / آل عمران.

۲- مثنوی معنوی مولوی.

(۱۸۸) ازدواج

قلب زمامدار بایستی کانون مهر و عشق باشد نسبت به ملت. قدرت و زورگویی کافی نیست، با قدرت و زور می‌توان مردم را گوسفندوار راند ولی نمی‌توان نیروهای نهفته آن‌ها را بیدار کرد و به کار انداخت، نه تنها قدرت و زور کافی نیست، عدالت هم اگر خشک اجرا شود کافی نیست بلکه زمامدار همچون پدری مهربان باید قلبا مردم را دوست بدارد و نسبت به آنان مهر بورزد و هم باید دارای شخصیتی جاذبه دار و ارادت آفرین باشد تا بتواند اراده آنان و همت آنان و نیروهای عظیم انسانی آنان را در پیشبرد هدف مقدس خود به خدمت بگیرد. (۱)

### تشیع، مکتب عشق و محبت

از بزرگ‌ترین امتیازات شیعه بر سایر مذاهب این است که پایه و زیربنای اصلی آن محبت است. از زمان شخص نبی اکرم صلی الله علیه و آله که این مذهب پایه گذاری شده است زمزمه محبت و دوستی بوده است.

۱- جاذبه و دافعه، صفحه ۶۵، انتشارات صدرا.

ازدواج (۱۸۹)

آنجا که در سخن رسول اکرم صلی الله علیه و آله جمله «عَلِيٌّ وَ شِيعَتُهُ هُمُ الْفَائِزُونَ» (۱) را می‌شنویم، گروهی را در گرد علی علیه السلام می‌بینیم که شیفته او و مجذوب او می‌باشند.

از این رو تشیع مذهب عشق و شیفتگی است. عنصر محبت در تشیع دخالت

۱- جلال الدین سیوطی در الدر المنثور در ذیل آیه ۷ سوره بینه از ابن عساکر از جابر بن عبدالله انصاری نقل می‌کند که گفت روزی در محضر پیغمبر بودیم که علی نیز به محضرش می‌آمد. حضرت فرمود: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّ هَذَا وَ شِيعَتَهُ هُمُ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»: سوگند به آن کسی که جانم در دست اوست این مرد و شیعیان او در روز قیامت رستگارانند و مناوی در کنوز الحقایق به دو روایت نقل می‌کند و هیثمی در مجمع الزوائد و ابن حجر در الصواعق المعرفه همین مضمون را با کیفیتی دیگر نقل می‌کنند.

ازدواج (۱۹۰)

تام دارد. تاریخ تشیع با نام یک سلسله از شیفتگان و شیدایان و جانبازان سر از پا نشناخته توأم است.

علی همان کسی است که در عین اینکه بر افرادی حد الهی جاری می‌ساخت و آنها را تازیانه می‌زد و احیانا طبق مقررات شرعی دست یکی از آنها را می‌برید، باز هم از او رو بر نمی‌تافتند و از محبتشان چیزی کاسته نمی‌شد او خود می‌فرماید:

«لَوْ ضَرَبْتُ حَيْشُومَ الْمُؤْمِنِ بِسَيْفِي هَذَا عَلَيَّ أَنْ يُبَغِّضَنِي مَا أَبْغَضَنِي، وَ لَوْ صَبَبْتُ الدُّنْيَا بِجَمَاتِهَا عَلَيَّ الْمُنَافِقِ عَلَيَّ أَنْ يُجِبِّنِي مَا أَحَبَّنِي، وَ ذَلِكَ أَنَّهُ قُضِيَ عَلَى لِسَانِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ أَنَّهُ قَالَ: يَا عَلِيُّ لَا يُبَغِّضُكَ مُؤْمِنٌ وَ لَا يُجِبِّكَ مُنَافِقٌ: اگر با این شمشیر بینی مؤمن را بزنم که با من دشمن شود هرگز دشمنی نخواهد کرد و اگر همه دنیا را بر سر منافق بریزم که مرا دوست بدارد هرگز مرا

ازدواج (۱۹۱)

دوست نخواهد داشت، زیرا که این گذشته و بر زبان پیغمبر امی جاری گشته که گفت: ای علی! مؤمن تو را دشمن ندارد و منافق تو را دوست نمی‌دارد». (۱)

علی علیه السلام مقیاس و میزانی است برای سنجش فطرت‌ها و سرشت‌ها، آن که فطرتی سالم و سرشتی پاک دارد از وی نمی‌رنجد [یعنی همیشه عاشق علی علیه السلام است] ولو اینکه شمشیرش بر او فرود آید. و آن که فطرتی آلوده دارد به او علاقمند نگردد ولو اینکه احسانش کند، چون علی علیه السلام جز تجسم حقیقت چیزی نیست. (۲)

### نقش عشق در زندگی انسان و آثار آن

از جمله آثار عشق نیرو و قدرت است . محبت نیرو آفرین است . جبان [ترسو] را شجاع می کند . یک مرغ خانگی تا زمانی که تنهاست بالهایش را روی پشت خود

۱- نهج البلاغه ، حکمت ۴۲ .

۲- جاذبه و دافعه ، انتشارات صدرا .

(۱۹۲) ازدواج

جمع می کند ، آرام می خرامد ، هی گردن می کشد کرمکی پیدا کند تا از آن استفاده نماید ، از مختصر صدایی فرار می کند ، در مقابل کودکی ضعیف از خود مقاومت نشان نمی دهد . اما همین مرغ وقتی جوجه دار شد ، عشق و محبت در کانون هستی اش خانه کرد ، وضعش دگرگون می گردد ، بالهای بر پشت جمع شده را به علامت آمادگی برای دفاع پایین می اندازد ، حالت جنگی به خود می گیرد ، حتی آهنگ فریادش قوی تر و شجاعانه تر می گردد . قبلاً به احتمال خطری فرار می کرد اما اکنون به احتمال خطری حمله می کند ، دلیرانه یورش می برد . این محبت و عشق است که مرغ ترسو را به صورت حیوانی دلیر جلوه گر می سازد . عشق و محبت ، سنگین و تنبل را چالاک و زرنگ می کند و حتی از گودن ، تیزهوش می سازد . پسر و دختری که هیچ کدام از آنها در زمان تجردشان در هیچ چیزی

ازدواج (۱۹۳)

نمی اندیشیدند مگر در آنچه مستقیماً به شخص خودشان ارتباط داشت ، همین که به هم دل بستند و کانون خانوادگی تشکیل دادند برای اولین بار خود را به سرنوشت موجودی دیگر علاقمند می بینند ، شعاع خواسته هایشان وسیع تر می شود و چون صاحب فرزند شدند به کلی روحشان عوض می شود . آن پسرک تنبل و سنگین اکنون چالاک و پُرتحرک شده است و آن دخترکی که به زور هم از رختخواب بر نمی خاست اکنون تا صدای کودک گهواره نشین اش را می شنود ، همچون برق می جَهِد . کدام نیروست که لختی و رخوت را برد و جوان را این چنین حساس ساخت ؟ آن جز عشق و محبت نیست . عشق است که از بخیل ، بخشنده و از کم طاقت و ناشکیبا متحمل و شکیا می سازد . اثر عشق است که مرغ خودخواه را که فقط به فکر خود بود [که] دانه ای جمع

ازدواج (۱۹۴)

کند و خود را محافظت کند ، به صورت موجودی سخی در آورد که چون دانه ای پیدا کرد جوجه ها را آواز دهد یا یک مادر را که تا دیروز دختری لوس و بخور و بخواب و زودرنج و کم طاقت بود با قدرت شگرفی در مقابل گرسنگی و بی خوابی و ژولیدگی اندام ، صبور و متحمل می سازد ، تاب تحمل زحمات مادری به او می دهد ، تولید رقت و رفع غلظت و خشونت از روح و به عبارت دیگر تلطیف عواطف و همچنین توحید و تأخیر و تمرکز و از بین بردن تشّت و تفرّق نیروها و در نتیجه قدرت حاصل از تجمع ، همه از آثار عشق و محبت است .

در زبان شعر و ادب در باب عشق بیشتر به یک اثر برمی خوریم و آن الهام بخشی و فیاضت عشق است . عشق ، قوای خفته را بیدار و نیروهای بسته و مهار شده را آزاد می کند نظیر شکافتن اتم ها و آزاد شدن نیروهای اتمی . الهام بخش است و قهرمان ساز . چه بسیار شاعران و فیلسوفان و هنرمندان که مخلوق یک عشق و محبت نیرومندند .

ازدواج (۱۹۵)

عشق ، نفس را تکمیل و استعدادات حیرت انگیز باطنی و ظاهر می سازد . از نظر قوای ادراکی ، الهام بخش و از نظر قوای احساسی ، اراده و همت را تقویت می کند و آنگاه که در جهت علوی متصاعد شود کرامت و خارق عادت به وجود می آورد .



روح را از مزیح‌ها و خلط‌ها پاک می‌کند و به عبارت دیگر عشق تصفیه‌گر است. صفات رذیله ناشی از خودخواهی و یا سردی و بی‌حرارتی را از قبیل بُخل، امساک، جبن، تنبلی، تکبر و عُجب، از میان می‌برد. حقد‌ها و کینه‌ها را زایل می‌کند و از بین برمی‌دارد گو اینکه محرومیت و ناکامی در عشق ممکن است به نوبه خود تولید عقده و کینه‌ها کند.

از محبت تلخ‌ها شیرین شود از محبت مس‌ها زرین شود

(۱۹۶) ازدواج

اثر عشق از لحاظ روحی در جهت عمران و آبادی روح است و از لحاظ بدنی در جهت گداختن و خرابی. اثر عشق در بدن درست عکس روح است. عشق در بدن باعث ویرانی و موجب زردی چهره و لاغری اندام و سقم و اختلال هاضمه و اعصاب است. شاید تمام آثاری که در بدن دارد آثار تخریبی باشد ولی نسبت به روح چنین نیست؛ تا موضوع عشق چه موضوعی و تا نحوه استفاده شخص چگونه باشد. بگذریم از آثار اجتماعی‌اش، از نظر روحی و فردی غالباً تکمیلی است زیرا تولید قوت و رقت و صفا و توحّد و همت می‌کند. ضعف و زبونی و کدورت و تفرّق و کودنی را از بین می‌برد؛ خلط‌ها - که به تعبیر قرآن «دَس» نامیده می‌شود - از بین برده و غش‌ها را زایل و عیار را خالص می‌کند.

شاه جان مر جسم را ویران کند بعد ویرانیش آبادان کند

ای خنک جانی که بهر عشق و حال بذل کرد او خان و مان و ملک و مال

ازدواج (۱۹۷)

کرد ویران خانه بهر گنج زر وز همان گنجش کند معمورتر

آب را ببرید و جو را پاک کرد بعد از آن در جو روان کرد آب خورد

پوست را بشکافت پیکان را کشید پوست تازه بعد از آتش بردمید

کاملان کز سر تحقیق آگهند بی خود و حیران و مست و اله‌اند

نه چنین حیران که پُشتش سوی اوست

بل چنان حیران که غرق و مست دوست (۱)

## داستان‌های عاشقان واقعی

در تاریخ اسلام از علاقه شدید و شیدایی مسلمین نسبت به شخص رسول اکرم صلی الله علیه و آله نمونه‌هایی برجسته و بی‌سابقه می‌بینیم. اساساً یک فرق بین مکتب

۱- جاذبه و دافعه صفحه ۴۴، ۴۷، انتشارات صدرا.

(۱۹۸) ازدواج

انبیاء و مکتب فلاسفه همین است، که شاگردان فلاسفه فقط متعلمند و فلاسفه نفوذی بالاتر از نفوذ یک معلم ندارند.

اما انبیاء نفوذشان از قبیل نفوذ یک محبوب است. محبوبی که تا اعماق روح محب راه یافته و پنجه‌افکنده است و تمام رشته‌های حیاتی او را در دست گرفته است.

از جمله افراد دل‌باخته به رسول اکرم صلی الله علیه و آله ابوذر غفاری است. پیغمبر برای حرکت به تبوک (در صد فرسخی شمال مدینه، مجاور مرزهای سوریه) فرمان داد، عده‌ای تعلل ورزیدند. منافقین کارشکنی می‌کردند، بالاخره لشکری نیرومند حرکت کرد. از تجهیزات نظامی بی‌بهره‌اند و از نظر آذوقه نیز در تنگی و قحطی قرار گرفته‌اند که گاهی چند نفر با خرمایی می‌گذرانند. اما همه

بانشاط و سرزنده‌اند، عشق نیرومندشان ساخته و جذب رسول اکرم صلی الله علیه و آله

## ازدواج (۱۹۹)

قدرتشان بخشیده است .

ابوذر نیز در این لشکر به سوی تبوک حرکت کرده است . در بین راه سه نفر یکی پس از دیگری عقب کشیدند. هر کدام که عقب می کشیدند، به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله اطلاع داده می شد و هر نوبت پیغمبر می فرمود : «اگر در وی خیری است خداوند او را برمی گرداند و اگر خیری نیست ، بهتر که رفت» .

شتر لاغر و ضعیف ابوذر از رفتن باز ماند . دیدند ابوذر نیز عقب کشید . یا رسول الله ! ابوذر نیز رفت . حضرت باز جمله را تکرار کرد : «اگر خیری در او هست خداوند او را به ما باز می گرداند و اگر خیری نیست ، بهتر که رفت» .

لشکر همچنان به مسیر خویش ادامه می دهد و ابوذر عقب مانده است ، اما تخلف نیست ، حیوانش از رفتن مانده . هر چه کرد حرکت نکرد . چند میلی را عقب مانده است . شتر را رها کرد و بارش را به دوش گرفت و در هوای گرم بر روی ازدواج (۲۰۰)

ریگ های گدازنده به راه افتاد . تشنگی داشت هلاکش می کرد . به صخره ای در سایه کوهی برخورد کرد . در میانش آب باران جمع شده بود . چشید ، آن را بسیار سرد و خوشگوار یافت . گفت هرگز نمی آشامم تا دوستم رسول الله بیاشامد . مشکش را پر کرد . آن را نیز به دوش گرفت و به سوی مسلمین شتافت . از دور شبیحی دیدند . یا رسول الله شبیحی را می بینیم به سوی ما می آید . فرمود : باید ابوذر باشد . نزدیک تر آمد . آری ابوذر است اما خستگی و تشنگی سخت او را از پا در آورده است . تا رسید افتاد . پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود : زود به او آب برسانید . با صدایی ضعیف گفت ، آب همراه دارم . پیغمبر گفت آب داشتی و از تشنگی نزدیک به هلاکتی . آری یا رسول الله ، وقتی آب را چشیدم ، دریغم آمد که قبل از دوستم رسول الله از آن بنوشم . راستی در کدام مکتب از مکتب های جهان ، این چنین شیفتگی ها و بی قراری ها و از خود گذشتگی ها می بینیم ؟ (۱) ازدواج (۲۰۱)

## داستان عشق سعد بن ربیع به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

چنانکه می دانیم ماجرای اُحُد به صورت غم انگیزی برای مسلمین پایان یافت . هفتاد نفر از مسلمین و از آن جمله جناب حمزه ، عموی پیغمبر صلی الله علیه و آله شهید شدند . مسلمین در ابتدا پیروز شدند و بعد در اثر بی انضباطی گروهی که از طرف رسول خدا بر روی یک تل گماشته شدند ، مورد شیبخون دشمن واقع شدند . گروهی کشته و گروهی پراکنده شدند و گروه کمی دور رسول اکرم باقی ماندند . آخر کار همان گروه اندک بار دیگر نیروها را جمع کردند و مانع پیشروی بیشتر دشمن شدند . مخصوصاً شایعه اینکه رسول اکرم صلی الله علیه و آله کشته شده بیشتر سبب پراکنده شدن مسلمین گشت ، اما همین که فهمیدند پیامبر زنده است ، نیروی روحی خویش را بازیافتند . عده ای مجروح روی زمین افتاده بودند و از سرنوشت نهایی به کلی بی خبر بودند .

۱- جاذبه و دافعه ، صفحه ۷۶ ، انتشارات صدرا .

## ازدواج (۲۰۲)

یکی از مجروحین سعد بن ربیع بود . دوازده زخم کاری برداشته بود . در این بین یکی از مسلمانان فراری به سعد - در حالی که روی زمین افتاده بود - رسید و به او گفت : شنیده ام پیغمبر کشته شده است . سعد گفت :

اگر محمّد کشته شده باشد خدای محمّد که کشته نشده است دین محمّد هم باقی است . تو چرا معطلی و از دین خودت دفاع نمی کنی ؟

از آن طرف ، رسول اکرم صلی الله علیه و آله پس از آنکه اصحاب خویش را جمع و جور کرد یک یک اصحاب خود را یاد کرد

ببیند کی زنده است و کی مرده. سعدبن ربیع را نیافت. پرسید: کیست برود از سعدبن ربیع اطلاع صحیحی برای من بیاورد؟ ازدواج (۲۰۳)

یکی از انصار گفت: من حاضرم. مرد انصاری وقتی رسید که رمق مختصری از حیات سعد باقی بود، گفت: ای سعد، پیغمبر مرا فرستاده که برایش خبر ببرم که مرده‌ای یا زنده. سعد گفت: سلام مرا به پیامبر برسان و بگو سعد از مردگان است، زیرا چند لحظه دیگر بیشتر از عمرش باقی نمانده است. بگو به پیغمبر که سعد گفت:

خداوند به تو بهترین پاداش‌ها که سزاوار یک پیغمبر است بدهد. آنگاه خطاب کرد به مرد انصاری و گفت: یک پیامی هم از طرف من به برادران انصار و سایر یاران پیغمبر ابلاغ کن، بگو سعد می‌گوید: عذری نزد خدا نخواهید داشت اگر به پیغمبر شما آسیبی برسد و شما جان در بدن داشته باشید. (۱)

۱- شرح ابن ابی‌الحدید.

ازدواج (۲۰۴)

صفحات تاریخ صدر اسلام پُر است از این شگفتی‌ها و دلدادگی‌ها و از این زیبایی‌ها، در همه تاریخ بشر نتوان کسی را یافت که به اندازه رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله محبوب و مراد یاران و معاشران و زنان و فرزندانش بوده است و تا این حد از عمق وجدان او را دوست می‌داشته‌اند.

پَر و بال ما کمند عشق اوست مو کشانش می‌کشد تا کوی دوست

من چگونه نور دارم پیش و پس چون نباشد نور یارم پیش و پس

نور او در یمن و یسر و تحت و فوق بر سر و بر گردنم چون تاج و طوق

غالب یاران رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به آن حضرت سخت عشق می‌ورزیدند و با مرکب عشق بود که این همه راه را در زمانی کوتاه پیمودند و در

ازدواج (۲۰۵)

اندک مدتی جامعه خویش را دگرگون ساختند. (۱)

### داستان عاشقی کامل بنام میثم تمار به امام علی علیه‌السلام

علی از مردانی است که هم جاذبه دارد و هم دافعه و جاذبه و دافعه او سخت نیرومند است. شاید در تمام قرون و اعصار جاذبه و دافعه‌ای به نیرومندی جاذبه و دافعه علی علیه‌السلام پیدا نکنیم: دوستانی دارد عجیب، تاریخی، فداکار، باگذشت، از عشق او همچون شعله‌هایی از خرمنی آتش، سوزان و پرفروغ‌اند. ما در تاریخ می‌خوانیم که سال‌ها بلکه قرن‌ها پس از مرگ امام علی علیه‌السلام افرادی با نثار جانشان در مقابل دشمنان او می‌ایستند. دشمنانش استقبال می‌کنند. از جمله مجذوبین و شیفتگان علی علیه‌السلام میثم تمار را می‌بینیم، که بیست سال پس از شهادت مولی بر سر چوبه دار از علی و فضائل و سجایای انسانی او سخن می‌گوید. در آن ایامی که سرتاسر مملکت اسلامی در خفقان فرو رفته، تمام آزادی‌ها کشته شده و نفس‌ها در سینه زندانی شده و سکوتی مرگبار همچون غبار مرگ بر چهره‌ها نشسته است، او از بالای دار فریاد برمی‌آورد که بیاید از علی علیه‌السلام برایتان بگویم. مردم از اطراف برای شنیدن سخنان میثم تمار هجوم آوردند. حکومت قداره‌بند اموی که منافع خود را در خطر می‌بیند، دستور می‌دهد که بر دهانش لجام زدند و پس از چند روزی هم به حیاتش خاتمه دادند. (۱)

۱- جاذبه و دافعه صفحه ۸۳، انتشارات صدرا.

ازدواج (۲۰۶)

۱- راستی ما چطور که ادعای ولایتی بودن را داریم ، که خود را تابع او می‌دانیم ، آیا ما هم همین‌طور از ولایت دفاع می‌کنیم . یک نوع کردن هم ، زندگی خود را شبیه زندگی او کنیم . آیا زندگی‌های ما به سادگی زندگی رهبر انقلاب هست یا نه ...  
ازدواج (۲۰۷)

تاریخ از این قبیل شیفتگان و عاشقان واقعی برای علی علیه‌السلام بسیار سراغ دارد .(۱)

### داستان ابن سَکیت آن عاشق و دل‌باخته امام علی علیه‌السلام

مردی است به نام ابن سَکیت ، از علما و بزرگان ادب عربی است و هنوز هم در ردیف صاحب‌نظران زبان عرب مانند سیبویه و دیگران نامش برده می‌شود . این مرد در دوران خلافت متوکل عباسی می‌زیسته (در حدود دویست سال بعد از شهادت امام علی علیه‌السلام) در دستگاه متوکل متهم بود که شیعه است ، اما چون بسیار فاضل و برجسته بود ، متوکل او را به عنوان معلم فرزندان خود انتخاب کرد . یک روز که بچه‌های متوکل حضورش آمدند و ابن سَکیت هم حاضر بود و ظاهراً در آن روز امتحانی هم از آنها به عمل آمده بود و خوب از عهده برآمده بودند ،  
۱- جاذبه و دافعه صفحه ۳۰ و ۳۱ ، انتشارات صدرا .

ازدواج (۲۰۸)

متوکل ضمن اظهار رضایت از ابن سَکیت و شاید (به خاطر) سابقه ذهنی که از او داشت - که شنیده بود تمایل به تشیع دارد - از ابن سَکیت پرسید : این دو تا (دو فرزندش) پیش تو محبوب‌ترند یا حسن و حسین علیهم‌السلام فرزندان علی علیه‌السلام ؟  
ابن سَکیت از این جمله و از این مقایسه سخت برآشت ، خودش به جوش آمد .  
با خود گفت کار این مرد مغرور به جایی رسیده است که فرزندان خود را با حسن و حسین : مقایسه می‌کند ، این تقصیر من است که تعلیم آن‌ها را بر عهده گرفته‌ام .  
در جواب متوکل عباسی گفت: به خدا قسم قبر غلام علی علیه‌السلام به مراتب از این دو تا و از پدرشان نزد من محبوب‌تر است .  
متوکل فی‌المجلس دستور داد زبان ابن سَکیت را از پشت گردنش درآوردند .  
تاریخ ، افراد سر از پا نشناخته زیادی را می‌شناسد که بی‌اختیار جان خود را  
ازدواج (۲۰۹)

در راه مهر علی علیه‌السلام فدا کرده‌اند . این جاذبه را در کجا می‌توان یافت ؟ گمان نمی‌رود در جهان نظیری داشته باشد . علی به همین شدت دشمنان سرسخت دارد ، دشمنانی که از نام او به خود می‌پیچیدند . علی از صورت یک فرد بیرون است و به صورت یک مکتب موجود است و به همین جهت گروهی را به سوی خود می‌کشد و گروهی را از خود طرد می‌نماید .(۱)

### داستان عشق ورزیدن به اهل بیت علی‌السلام

مردی به امام صادق علیه‌السلام گفت : ما فرزندانمان را به نام شما و پدرانمان اسم می‌گذاریم . آیا این کار ، ما را سودی دارد ؟  
حضرت فرمودند : آری به خدا قسم .

«وَأَهْلِ الدِّينِ إِلَّا الْحُبَّ : مگر دین چیزی غیر از دوستی است؟» . سپس به آیه

۱- جاذبه و دافعه صفحه ۳۱ ، انتشارات صدرا .

ازدواج (۲۱۰)

«إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ» (۱) استشهاد فرمود .

اساساً علاقه و محبت است که اطاعت آور است. عاشق را آن یارا نباشد که از خواست معشوق سرپیچد. ما این را خود با چشم می‌بینیم که جوانک عاشق در مقابل معشوقه و دل‌باخته‌اش از همه چیز می‌گذرد و همه چیز را فدای او می‌سازد. اطاعت و پرستش حضرت حق به نسبت محبت و عشقی است که انسان به حضرت حق دارد. (۲)

۱- ۳۱ / آل عمران .

۲- جاذبه و دافعه صفحه ۶۲، انتشارات صدرا .

ازدواج (۲۱۱)

### فهرست منابع و مآخذ

تفسیر جوان، محمدیستونی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، جلد ۲.  
تفسیر جوان، محمدیستونی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، جلد ۱۷.  
تفسیر جوان، محمدیستونی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، جلد ۳.  
تفسیر جوان، محمدیستونی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، جلد ۴.  
تفسیر جوان، محمدیستونی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، جلد ۵.  
تفسیر جوان، محمدیستونی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، جلد ۱۳.  
تفسیر جوان، محمدیستونی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، جلد ۱۴.  
تفسیر جوان، محمدیستونی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، جلد ۱۶.  
تفسیر جوان، محمدیستونی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، جلد ۲۴.  
تفسیر نمونه، آیت‌الله مکارم شیرازی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، جلد ۳.  
(۲۱۲)

تفسیر نمونه، آیت‌الله مکارم شیرازی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، جلد ۸.  
تفسیر نمونه، آیت‌الله مکارم شیرازی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، جلد ۷.  
تفسیر نمونه، آیت‌الله مکارم شیرازی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، جلد ۲.  
تفسیر نمونه، آیت‌الله مکارم شیرازی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، جلد ۲۷.  
تفسیر بیان، محمدیستونی، اول، تهران، انتشارات فراهانی، ج ۲.  
تفسیر بیان، محمدیستونی، اول، تهران، انتشارات فراهانی، ج ۳.  
تفسیر بیان، محمدیستونی، اول، تهران، انتشارات فراهانی، ج ۴.  
تفسیر بیان، محمدیستونی، اول، تهران، انتشارات فراهانی، ج ۷.  
تفسیر بیان، محمدیستونی، اول، تهران، انتشارات فراهانی، ج ۸.  
تفسیر بیان، محمدیستونی، اول، تهران، انتشارات فراهانی، ج ۹.  
تفسیر بیان، محمدیستونی، اول، تهران، انتشارات فراهانی، ج ۱۴.  
(۲۱۳)

تفسیر بیان، محمدیستونی، اول، تهران، انتشارات فراهانی، ج ۱۸.

تفسیر بیان، محمدیستونی، اول، تهران، انتشارات فراهانی، ج ۲۲.

- تفسیر بیان، محمدبیستونی، اول، تهران، انتشارات فراهانی، ج ۲۸.  
 تفسیر بیان، محمدبیستونی، اول، تهران، انتشارات فراهانی، ج ۲۹.  
 زن و عدالت اجتماعی، رفسنجانی، انتشارات صفر صبح، ۱۳۸۰، چاپ اول.  
 مسائل ازدواج و حقوق خانواده در اسلام، بابازاده، اکبر .

ازدواج موقت در اسلام

مباحثی از حقوق زن

بهشت خانواده

زن از دیدگاه اسلام، استاد مطهری

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه‌های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه‌ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...  
 د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزارهای تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه‌های ماهواره‌ای  
 و) راه‌اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ‌گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)  
 ز) طراحی سیستم‌های حسابداری، رسانه‌سازی، موبایل‌سازی، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...  
 ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه‌های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش‌ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت‌کننده در جلسه  
 ی) برگزاری دوره‌های آموزشی ویژه عموم و دوره‌های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال  
 دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج‌رمان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان  
 تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶  
 وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:  
[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور  
 کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده‌ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی  
 جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح‌های توسعه‌ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل  
 و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه‌الله الاعظم عجل‌الله تعالی فرجه الشریف توفیق  
 روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳  
 به نام مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید  
 ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده  
 است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار  
 شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،  
 هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی  
 اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از  
 پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال،  
 خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی  
 همه مردم را زنده کرده است!»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش

از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».





مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

